صبح صادق

دوشنبه ۲۸ آبان ۱۳۹۷
۱۱ ربیع الاول ۱۴۴۰
سال نوزدهم شماره ۸۷۴
۱۲ صفحه

هفته‌نامه داخلی
سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

www.sobhesadeghweekly.ir

میلاد فرخنده پیامبر اعظم(ص) و امام جعفرصادق(ع) مبارک باد

«روند کاهش قدرت ایالات متحده» در نشست تخصصی صبح صادق با حضور دکتر عبدالله مبینی، کارشناس ارشد مسائل راهبردی بین‌الملل بررسی شد

آمریکا در سراشیبی افول

اما و اگرهای شکست تحریم

آمریکایی‌ها در سیاست‌های اعلامی خود، سیاست به صفر رساندن فروش نفت جمهوری اسلامی ایران را مطرح کردند؛ اما با طرح این هدف هم به جایی نرسیدند. درباره دلایل شکست این طرح می‌توان به چند نکته اشاره کرد

صفحه۲

تحریم؛ از ابوجهل تا ترامپ

ادبیاتی که این روزها مقامات آمریکا درباره ملت ایران به کار می‌برند، بیان‌کننده نگرانی و نومیدی از بی‌نتیجه بودن تحریم‌هاست. وزیر خارجه آمریکا می‌گوید: «ایران اگر می‌خواهد مردمش غذا بخورند، باید به حرف آمریکا گوش کند.»

صفحه۳

امیر حاتمی در همایش مشترک مسئولان و هادیان سیاسی نیروهای مسلح

به تهدیدات فضایی دشمن پاسخ پشیمان کننده می‌دهیم

صفحه۲

نگاهی به افشاگری نیویورک‌تایمز درباره طرح ترور مخالفان پادشاهی سعودی

سلیمانی هدف رژیم صهیونیستی است

داستان از این قرار است که برخی مقامات اطلاعاتی نزدیک به محمد بن‌سلمان، ولی‌عهد سعودی سال گذشته برنامه‌ریزی‌هایی برای ترور سردار سلیمانی داشته‌اند. در واقع، آن‌طور که نیویورک‌تایمز اشاره کرده، مقامات وابسته به بن‌سلمان از تعدادی از تجار خواسته بودند با پوشش شرکت‌های‌شان برای ترور حاج قاسم سلیمانی اقداماتی را انجام دهند.

سال گذشته در همین ایام «گرشون هکوکین» افسر نظامی رژیم صهیونیستی در شبکه تلویزیونی i۲۴ رو به مجری برنامه می‌گوید: «قاسم سلیمانی ممکن است هدف ترور اسرائیل و بازوهای امنیتی آن باشد. وقتی رأس هرم را جدا کنیم، همه آرام و خوشحال می‌شوند! بله، سلیمانی هدف اسرائیل است. اسرائیل پیش از این نیز عملیات‌هایی از این دست را اجرا کرده است.»

صفحه۲

گزارش اختصاصی صبح صادق از دستاوردهای فرماندهی پدافند هوایی نیروی هوافضای سپاه

آسمان ایران امن‌ترین آسمان جهان

صفحه۱۱

سرمقاله

وحدت همچنان نیاز زمانه

مهدی سعیدی
روزنامه نگار

در همان ابتدای شکل‌گیری جمهوری اسلامی دشمنان انقلاب تلاش کردند با بزرگنمایی اختلافات تاریخی شیعه و سنی، مانع از گسترش اندیشه‌های رهایی‌بخش انقلاب اسلامی در بیشتر کشورهای منطقه و جهان اسلام شوند. این رویکرد با استقبال حاکمیت‌های دیکتاتوری در کشورهای اسلامی همراه شد که صدور ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی می‌توانست زمینه‌های فروپاشی و سرنگونی آنان به دست نهضت‌های آزادی‌خواهانه را فراهم آورد. در این شرایط، پیشنهاد نام‌گذاری و معرفی ایام میلاد نبی مکرم اسلام(ص) به عنوان «هفته وحدت» از سوی حضرت امام(ره) گامی اساسی در خنثی‌سازی این سناریوی دشمن بود.

محور قرار دادن وحدت در تعاملات بین مذهبی به مثابه اساسی‌ترین راهبرد، آنقدر عمیق و هدایت‌گر است که امروز دشمن همه توان خود را برای ضربه زدن به آن جمع کرده است. راهبرد «اختلاف بینداز و حکومت کن» راهبردی استعمارگرانه است که سالیان متمادی انگلیسی‌ها در به‌کارگیری آن پیشینه دارند و دکترین وحدت جهان اسلام، به‌طور مستقیم همین ترفند را نشانه رفته است.

وحدت در این نگاه برخاسته از نگاه دشمن‌شناسانه‌ای است که عمق اردوگاه دشمن را رصد می‌کند و به خوبی می‌بیند که دشمن رکن اسلام و منافع ملت‌های مسلمان را تهدید می‌کند! محوریت وحدت نیز اعتصام به حبل‌الله و تمسک به قرآن و شخصیت رحمه‌للعالمین حضرت محمد مصطفی(ص) است که مورد قبول همه فرق اسلامی است. در این راهبرد، مسلمانان با توجه به وجوه مشترک‌شان باید با همگرایی حداکثری علیه دشمنی ایستادگی کنند که با ذات اسلام عناد دارد و جز به نابودی آن نمی‌اندیشد و در این دشمنی و عداوت تفاوتی بین شیعه و سنی قائل نیست!

در این نگاه «وحدت» خود شاخصه و سنگ محکی است که دیگر اقدامات را می‌توان با آن سنجید؛ عملی که تقویت‌کننده وحدت است، امری حق و درست و تضعیف‌کننده آن باطل و نادرست خواهد بود. وحدت به آن معنا نیست که هر یک از فرق اسلامی از باورهای خود دست بکشند یا هر گونه مباحث علمی تعطیل شود؛ بلکه تأکید بر آن است که اختلافات و مناقشات به عاملی برای سوءاستفاده دشمن مشترک نینجامد. رهبر معظم انقلاب اسلامی با صراحت اعلام می‌کنند: «این غلط است که ما به نام ایمان اسلامی یا ایمان مذهبی حرفی بزنیم و کاری بکنیم که تعصب‌های فرقه‌ای را دائم مشتعل کنیم و همه را به جان هم بیندازیم. قضیه اصلاً این طوری نیست. به ایمان خودتان پایبند باشید. با هر کسی هم که از لحاظ ایمان مذهبی یا دینی با شما مخالف است، بحث بکنید، مجادله بکنید، استدلال بکنید، منطق بکنید و او را به فکر خودتان معتقد بکنید؛ امّا تعصب‌افروزی نکنید: «و جادلهم بالّتی هی احسن.» این قرآن است. چرا یک عدّه‌ای نمی‌فهمند؟ من نمی‌دانم.»

مصائب ایجاد شده در چند سال اخیر در منطقه به خوبی اهمیت راهبرد اساسی حکیم بزرگ انقلاب اسلامی را آشکار می‌کند. به واقع، وضعیت بغرنجی که در جهان اسلام و منطقه خاورمیانه امروز با آن مواجه هستیم، کاملاً محصول بی‌توجهی به راهبردی است که در قالب هفته وحدت، بزرگان شیعه و سنی بر آن تأکید کرده‌اند که اگر همین راهبرد با فهمی عمومی همراه می‌شد، بدون شک امروز اوضاع جهان اسلام از افغانستان و پاکستان تا عراق و سوریه و یمن و شمال آفریقا این‌چنین نبود و شکل‌گیری جنگ‌های نیابتی و قدرت‌یابی تفکرات سلفی- تکفیری در منطقه ممکن نمی‌شد!

ادامه در صفحه۲

صبح صادق به بهانه سفر رئیس‌جمهور عراق به ایران بررسی می‌کند

فرصت‌های اقتصادی عراق برای ایران

عراق با ۳۴ میلیون نفر جمعیت، هزار و ۴۰۰ کیلومتر مرز مشترک و مرزهای زمینی گسترده یکی از بهترین فرصت‌ها برای اقتصاد، تجارت، بخش خصوصی و همکاری‌های دولتی محسوب می‌شود. البته این فرصت‌ها در عراق منوط به تلاش‌ها و برنامه‌ریزی‌ها از سوی ایران است. ایران در زمینه عراق نگران تحریم از جانب آمریکا نیست و تحریم آمریکا نمی‌تواند روی رابطه با این کشور تأثیرگذار باشد. اگر تحریم آمریکا و خروج از برجام در هر جای دیگری اثرگذار باشد، در عراق کوچک‌ترین تأثیری در روابط اقتصادی با ایران نخواهد گذاشت.

تحریم‌های آمریکا و تأثیر آن بر روابط ایران و عراق

اگر آمریکایی‌ها فروش نفت ایران را به صفر برسانند، ایران نباید از این بابت نگران باشد؛ زیرا نفتی به عراق صادر نمی‌کند. بنابراین آمریکایی‌ها در حوزه اقتصاد هر کاری انجام دهند، در روابط اقتصادی، تجاری، صنعتی و روابط مرزی ایران با عراق تأثیری نخواهد داشت و این مسئله کاملاً به اقدامات ایران بستگی دارد. نباید فراموش کرد که آمریکایی‌ها با ۱۸۰ هزار نیروی نظامی، این کشور را اشغال کردند، یک حاکم نظامی بر آن گماردند و دولت را در اختیار گرفتند؛ اما عراقی‌ها به کمک جمهوری اسلامی ایران همه اینها را بیرون کردند. در آن زمان به رئیس‌جمهور آمریکا انتقاد شد که دستاورد این همه هزینه در عراق چه بوده است؟ این بود که عراق را به ایران و شیعیان تحویل دهید؟ گفتنی است، پنج هزار نیروی نظامی آمریکا در عراق کشته شدند.

عراق دست عراقی‌هاست و با جمهوری اسلامی هم ارتباط دارند. بنابراین، مشکل اساسی در روابط با عراق و کار در این کشور برای ایران وجود ندارد. البته این نکته صحیحی است که عراق بازار رقابت است؛ به ویژه در حوزه اقتصادی و اوضاع کنونی که از فاز امنیتی خارج می‌شود، مسئله داعش در این کشور پایان یافته و با فروش نزدیک به چهار میلیون بشکه نفت، این کشور ثروتمند است و به سمت اقتصاد، سازندگی و عمران حرکت خواهد کرد. همچنین فضای سیاسی و امنیتی عراق به تدریج بهبود می‌یابد.

چینی‌ها، ترک‌ها، اروپایی‌ها و عرب‌ها عراق را برای کارهای اقتصادی مدنظر دارند و این رقابت اقتصادی و بازار را در عراق در پی دارد؛ لذا ایران باید بتواند در این رقابت کار کند.

تراز تجاری و موضوع انرژی

ایران در حوزه تجارت و بازرگانی در تراز شش و نیم میلیارد دلار صادرات به عراق قرار دارد. البته عراقی‌ها صادرات زیادی به ایران ندارند و این رقم در نهایت می‌تواند به ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلیون دلار برسد.

از سوی دیگر، در حال حاضر ایران امکان فروش برق بیشتری را به این کشور ندارد؛ از این رو باید در جهت سرمایه‌گذاری بیشتر در حوزه صادرات برق، برنامه‌ریزی دقیقی صورت گیرد.

فرصت‌های اقتصادی موجود در عراق

امروز سایه ناامنی از عراق برداشته شده است. اگر خدمات فنی- مهندسی و پروژه‌ها در گذشته با مشکلات، چالش‌ها، بدقولی‌ها و بدحسابی‌هایی مواجه بوده، امروز دیگر شرایط تغییر کرده است. عراقی‌ها ۱۰۰ میلیارد دلار در قالب هزار و ۲۰۰ پروژه در معرض سرمایه‌گذاری جهان قرار دادند و آن را به شرکت‌ها و دولت‌های جهان عرضه کردند. ایران باید سهم خود را از این فرصت بگیرد و بتواند در این میدان رقابت سرمایه‌گذاری کند. اگر ایران موفق به سرمایه‌گذاری در این میدان نشود و شرکت‌های ایرانی قدرت سرمایه‌گذاری نداشته باشند، نمی‌توان انتظار داشت عراقی‌ها سراغ افراد دیگری نروند.

از این رو میدان عراق، میدان رقابت اقتصادی و بازار عراق یک بازار بسیار مهم و یک فرصت بزرگ برای ایران و دیگر بازیگران است؛ البته در حال حاضر اردن و عربستان سعودی در اقتصاد عراق جایگاهی ندارند. صادرات عربستان به عراق ۳۰۰ میلیون دلار هم نیست؛ زیرا مناطق ورودی مرزهای عربستان سعودی در دست داعش بود. عربستان یک پل، یک پالایشگاه و یک تصفیه‌خانه در آنجا ایجاد کرده است؛ اما خدمات فنی و مهندسی ایران دست به ساخت نیروگاه، جاده، تونل، سد و خانه‌های سازمانی در عراق زده است که البته باید این بخش‌ها از سوی ایران در عراق تقویت شود.

گفتنی است، مبادلات چینی‌ها با عراق در مرتبه پس از جمهوری اسلامی ایران قرار دارد؛ اما از آنجایی که چینی‌ها از عراق نفت می‌خرند، به رقم خوبی رسیده‌اند. در پایان باید اشاره کرد توجه به همسایگان بسیار پرسود و با اهمیت خواهد بود و بدون شک منافع کشور در نگاه به همسایگان تأمین خواهد شد، نه در نگاه به کشورهای غربی.

یادداشت

بازتولید نگاه قجری برای مدیریت شهری

دکتر یدالله جوانی
مدیر مسئول

شعار «ما می‌توانیم»، از اصلی‌ترین شعارهای جریان انقلابی در کشور و در عین حال یکی از راهبردی‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی است. این شعار، در باورهای دینی و اعتقادی جریان مؤمن و انقلابی کشور ریشه دارد و نشئت گرفته از باور و اعتقاد راسخ به وعده‌های تخلف‌ناپذیر الهی است که فرمود: «ان تنصروا الله ینصرکم».

آری، حضرت امام خمینی(ره) بر اساس همین باور، ساقط کردن طاغوت ایران و رهایی بخشیدن ملت از چنگال آمریکای جهانخوار را امری ممکن می‌دانستند.

ایشان با همین باور قیام کردند و مردم ایران را با خود هم‌عقیده و همراه ساخته که نتیجه این قیام در راه خدا، پدیدآیی معجزه قرن با پیروزی انقلاب اسلامی شد. چهل سال مقاومت مردم در برابر همه قدرت‌های شیطانی، در همین شعار ریشه دارد. دستاوردهای بزرگ و شگفت‌انگیز در حوزه‌های گوناگون در طول این چهل سال، با وجود تحریم‌ها، محدودیت‌ها و کارشکنی‌های دشمنان، به برکت همین نگاه «ما می‌توانیم» حاصل شده است. جنگ تحمیلی با همین «نگاه»، به دفاع مقدس تبدیل شد و در دوران دفاع مقدس، به ذهن هیچ یک از مسئولان کشور و به ویژه دست‌اندرکاران اداره جنگ، این فکر خطور نکرد که با تکیه بر قدرت‌های بیرونی و مدیریت خارجی باید جنگ را اداره کرد و به پیروزی رساند. در سه دهه پس از جنگ نیز، هر کجا تفکر و شعار «ما می‌توانیم» حاکم بود، پیشرفت‌ها و موفقیت‌های بزرگ نصیب ملت شد. موفقیت‌ها و دستاوردهای شگرف در صنایع دفاعی و ساخت تجهیزات مدرن و پیشرفته نظامی، در پرتو همین نگاه حاصل شد و اقتدار موشکی، اقتدار دریایی و رسیدن به موقعیت برخورداری از قدرت بازدارندگی در برابر تهدیدات نظامی، با اعتقاد راسخ به شعار «ما می‌توانیم» به دست آمد.

پیشرفت‌های بزرگ در حوزه هسته‌ای با دستیابی به «چرخه سوخت»، در حوزه ساخت ماهواره و ماهواره‌بر، در حوزه سلول‌های بنیادین و در ده‌ها حوزه دیگر، با همین نگاه حاصل شده است. در یک کلام می‌توان گفت:

الف- در طول چهل سال گذشته، در هر کجا مدیریت جهادی، روحیه انقلابی و شعار «ما می‌توانیم» حاکم بوده، پیشرفت‌های بزرگ حاصل شده است.

ب- مشکلات کنونی کشور در هر حوزه‌ای، در تفکر و روحیه مدیرانی ریشه دارد که مدیریت آن حوزه‌ها را در اختیار داشته‌اند.

بنابراین بر اساس چنین تجربه‌ای که در یک دوران چهل ساله به دست آمده، برای حل مشکلات اساسی در کشور، باید رویکردها را اصلاح کرد و با پذیرش رویکرد مدیریت جهادی مبتنی بر روحیه انقلابی توأم با خودباوری و شعار ما می‌توانیم، گام‌های بلند را برداشت. در حالی که عقلانیت و تدبیر پذیرش چنین نگاه و رویکردی را برای اصلاح امور تجویز می‌کند، شهردار جدید تهران در اظهار نظری بسیار عجیب، به بازتولید نگاه قجری برای مدیریت شهری پرداخته، از وارد کردن مدیران خارجی برای بهبود مدیریت شهری سخن می‌گوید! جالب آنکه، تمام استدلال وی برای جا انداختن چنین نگاهی، استفاده از مربی خارجی در حوزه ورزش و تیم ملی فوتبال است! آیا این نوع نگاه در چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی، نگاهی معقول و قابل پذیرش است.

شهردار جدید تهران در استدلال خود برای استفاده از کارشناسان و مدیران خارجی در اداره کلانشهر تهران پیچیده‌تر بودن مدیریت شهری نسبت به حوزه ورزش را مورد توجه قرار می‌دهد. در پاسخ به صاحبان چنین رویکرد و نگاهی باید گفت:

۱- آیا اداره کلانشهر تهران سخت‌تر است یا اداره جنگ هشت ساله‌ای که بر ملت ایران در دهه شصت تحمیل شد؟

ادامه در صفحه۲

کانال هفته نامه صبح صادق در پیام‌رسان سروش
@ssweekly

با صبح صادق «زندگی» کنید
بخش ویژه خانواده
مشاوره و سبک زندگی ایرانی ـ اسلامی
صفحه ۱۰

سؤال تریبون ۱۷
تحکیم وحدت بین ملت‌های مسلمان جهان نیازمند چه الزامات و شاخصه‌هایی است؟
همراه با ۳ جایزه نقدی
پیامک ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳
صفحه ۱۱
آخرین فرصت پاسخ به تریبون ۱۷ ۷ آذر ۹۷

کارنامه را ببینید
چهل سالگی
بخش ویژه چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی
هر شماره در صفحه ۹

رسالت اصلی ما

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدی‌گلپایگانی در جمع مدیران جامعه‌المصطفی گفت: نشر حقایق و معارف اسلام وظیفه و رسالت اصلی جامعه‌المصطفی است، باید سیاستی را دنبال کرد که جوانان کشورهای غربی اسلام را از منبع اصلی آن دریافت کنند. متأسفانه کشورهای غربی در اذهان مردم جهان، اسلامی خشن و بر حول محور داعشی ایجاد کردند؛ در حالی که زمینه‌های پیدایش داعش دلارهای نفتی سعودی و حمایت‌های دستگاه‌های اطلاعاتی کشورهای غربی و آمریکا بوده است. امروز سران سعودی در فساد و شهوت‌رانی غرق بوده و جنایت‌های وحشیانه‌ای ، به ویژه در یمن انجام می‌دهند؛ آنها در وضعیت کنونی به خائن‌الحرمین تبدیل شده‌اند.

یادداشت شفاهی

اما و اگرهای شکست تحریم

دکتر ابوذر گوهری‌مقدم
استاد دانشگاه و کارشناس مسائل آمریکا

آمریکایی‌ها در سیاست‌های اعلامی خود، سیاست به صفر رساندن فروش نفت جمهوری اسلامی ایران را مطرح کردند؛ اما با طرح این هدف هم به جایی نرسیدند. درباره دلایل شکست این طرح می‌توان به چند نکته اشاره کرد:

نکته اول اینکه، آمریکایی‌ها هر چه تلاش کردند نتوانستند جایگزینی برای نفت جمهوری اسلامی ایران پیدا کنند. آنها تصور می‌کردند با افزایش فروش نفت عربستان بتوانند حذف نفت ایران را جبران کنند یا حتی در حوزه تولیدات داخلی خودشان این اتفاق بیفتد؛ اما در نهایت در صحنه واقعی ثابت شد این اتفاق رخ نداده و آنها ناتوان از جایگزین کردن نفت ایران هستند؛ از این رو آمریکایی‌ها مجبور شدند مقداری از این حوزه کوتاه بیایند.

نکته دوم اینکه، تحریم نفت جمهوری اسلامی ایران سبب می‌شد قیمت نفت و بنزین در داخل ایالات متحده به طور خاص بالا برود و از این رو، پیامدهای تحریم نفتی ایران برای خود آمریکا هم خسارت‌بار خواهد بود؛ بنابراین مجبور شدند بخشی از این سیاست و فشاری را که آورده بودند، کاهش دهند و معافیت‌هایی برای برخی کشورها لحاظ کنند. در واقع، از سیاست حداکثر فشار به سیاست «فشار کافی» روی آوردند.

نکته سوم اینکه، در اتخاذ این سیاست از سوی آمریکا، یکی از عوامل تأثیرگذار نزدیک شدن به فصل سرما است؛ زیرا با سرد شدن هوا، افزایش تقاضا برای خرید نفت به وجود می‌آید. حال در این شرایط، اگر نفت ایران از سبد نفت جهانی حذف شود، افزایش قیمت خواهد داشت و از این طریق آمریکایی‌ها و طرف‌های متحدشان متضرر خواهند شد.

نکته چهارم اینکه، متحدان آمریکایی توانستند آنها را متقاعد کنند که بالاخره ما نیازمند این نفت هستیم، چون سیستم پالایشگاهی نفتی ما با نفت جمهوری اسلامی ایران طراحی شده است و تغییر آن هزینه‌بر خواهد بود. اگر به آمار و ارقام فروش نفت جمهوری اسلامی ایران توجه کنید، متوجه خواهید شد کشورهایی مانند چین و هند رقم‌های بسیار بالایی بابت خرید نفت از ایران داده‌اند و اگر حالا بخواهند به شکل ظاهری در تحریم نفتی ایران با ایالات متحده هم‌سویی داشته باشند، به طور قطعی این سیاست جواب نخواهد داد. آمریکایی‌ها به این موضوع کاملاً یقین دارند. اوج هم‌سویی اجماع جهانی علیه جمهوری اسلامی ایران در دوره اوباما زمانی بود که همه قطعنامه‌ها علیه ایران وضع شد؛ اما در همان زمان اوباما در جایگاه کسی که از مظاهر قدرت نرم استفاده می‌کرد و همچنین نسبت به ترامپ برتری داشت، نتوانست نفت ایران را به صفر برساند. در حال حاضر، با همه شکاف‌هایی که بین متحدان آمریکایی وجود دارد، بعید به نظر می‌رسد که آمریکایی‌ها بتوانند در این زمینه موفق باشند. البته در داخل آمریکا خیلی از منتقدان دولت معتقد هستند ما با این سیاست به جایی نخواهیم رسید و سیاست اعمال فشار و تحریم در حوزه نفتی، حداقل با سیاست‌های اعلامی و تعیین شده به جایی نخواهد رسید و طبیعتاً نسبت به دوران گذشته‌ای که توانستیم بیشتر فشار بیاوریم، تفاوت وجود دارد. در حال حاضر، زمان و شرایط نسبت به گذشته متفاوت شده و برخی از آن به فقدان توانمندی آمریکا برای ساخت اجماع جهانی بر می‌گردد که از افول قدرت نرم ناشی می‌شود.

نکته دیگر این است که آمریکایی‌ها به شدت نگران این هستند که فشار بیش از حد و کوبیدن بر طبل تحریم سبب شود دلار از چرخه نظام بین‌الملل خارج شود؛ یعنی تأکید زیاد بر این مسئله باعث می‌شود کشورهایی مانند چین، روسیه و حتی بقیه کشورها به سمت نظام مبادلات جهانی خارج از دلار سوق یابند و آن‌وقت حربه تحریم آمریکا که عمدتاً مالی است، از دست‌شان گرفته خواهد شد؛ بنابراین بسیار به این موضوع حساس هستند. از این رو اگر حربه تحریم هم بی‌اثر باشد، یعنی فقط جمهوری اسلامی در معرض این تحریم‌ها قرار نگرفته، چون در سطح کلان کشور روسیه پس از ماجرای کریمه و همچنین چینی‌ها که جنگ‌های جدی با آمریکایی‌ها در حوزه ارزی بحث دلار و یوان دارند هم وجود دارد.

نکته آخری که در این زمینه تأثیرگذار بوده، عرضه نفت در بورس تهران و خرید نفت ایران از سوی خریداران خصوصی و فروش نفت ایران از سوی آنها در بازارهای جهانی است.

سرمقاله

ادامه از صفحه اول

وحدت در سطح جهان اسلام سطح عالی وحدتی است که برای امروز جامعه اسلامی به آن نیازمندیم؛ اما نباید فراموش کرد که در سطح داخل کشور و تعاملات گروه‌های گوناگون اجتماعی ـ سیاسی داخلی نیز نیازمند وحدت هستیم. محور این وحدت نیز باید آرمان‌های اسلام و انقلاب، رهنمودهای حضرت امام(ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی، قانون اساسی و منافع ملی باشد. برای مناقشات و رقابت‌های سیاسی باید حدودی را مشخص و در چارچوب آن رقابت کرد و حاصل رقابت‌ها باید ارتقا و کارآمدی باشد، نه کاستن از همگرایی و افزایش کدورت‌ها و صرف بیهوده توان و انرژی افکار عمومی. به تعبیر رهبر حکیم انقلاب اسلامی، «منظور ما از وحدت چیست؟ یعنی همه مردم یکسان فکر کنند؟ نه. یعنی همه مردم یک نوع سلیقه سیاسی داشته باشند؟ نه. یعنی همه مردم یک چیز را، یک شخص را، یک شخصیت را، یک جناح را، یک گروه را بخواهند؟ نه؛ معنای وحدت اینها نیست. وحدت مردم، یعنی نبودن تفرقه و نفاق و درگیری و کشمکش.»

نکته‌ونظر

القای غلط!

نکته: کشاورز فقیری بزغاله‌ای را از شهر خرید. همان‌طور که با بزغاله به سمت روستای خود باز می‌گشت، تعدادی از اوباش شهر با یک نقشه درصدد برآمدند بز را از او بگیرند. یکی از آن اوباش جلوی او آمد و گفت: «چرا این سگ را بر روی شانه‌هایت حمل می‌کنی؟»

مرد روستایی خندید و گفت: «دیوانه شده‌ای؟ این سگ نیست! این بز است.»

ولگرد گفت: «نه اشتباه می‌کنی، این یک سگ است و اگر با این حیوان بر روی دوش وارد روستا شوی، مردم فکر می‌کنند که دیوانه شده‌ای.» در پیچ بعدی اوباش دوم وارد عمل شدند و دوباره سخنان دوست اوباش خود را تکرار کردند. آن مرد همان‌طور که داشت به سمت روستای خود برمی‌گشت، نفر سوم را دید که گفت: «سلام، این سگ را از کجا خریده‌ای؟»

مرد روستایی دیگر شهامت نداشت تا بگوید این یک بز است. برای همین گفت: «آن را از شهر خریده‌ام.»

اوباش چهارم از راه رسید و به مرد روستایی گفت: «عجیب است! من تا به حال کسی را ندیده‌ام که سگ را بر روی دوش خود حمل کند.»

مرد روستایی اطراف را نگاه کرد و دید کسی نیست. بز را که فکر می‌کرد دیگر سگ است، آنجا رها کرد و به روستا برگشت.

نظر: در سال‌های اخیر، با افزایش شبکه‌های ماهواره‌ای و نفوذ شبکه‌های اجتماعی در میان خانواده‌ها شاهد افزایش روندهای ضد اخلاقی در جامعه هستیم. این شبکه‌ها در جدیدترین اقدامات خود از خانواده‌ها می‌خواهند فیلم‌های ازدواج خود را منتشر کنند تا اجنبی‌ها درباره آنها قضاوت کرده و لایک دریافت کنند. همین موضوع سبب می‌شود خانواده‌ها برای راضی کردن طرف غربی یا مالکان شبکه‌های اجتماعی و ماهواره‌ای دست به هر اقدامی حتی به قیمت از دست دادن حیا و منزلت اجتماعی بزنند. واژه‌هایی مانند دهاتی و عقب مانده آثاری به مراتب خطرناک‌تر از چاقو و تفنگ در حیازدایی از جامعه دارند.

مراقب باشیم با همین خندیدن‌ها به رفتارهای اصولی و القای اصول غلط به جای آن عقبگردهای خطرناک در زندگی نداشته باشیم.

نگاهی به افشاگری نیویورک‌تایمز درباره طرح ترور مخالفان پادشاهی سعودی

سلیمانی هدف رژیم صهیونیستی است

□ **امین پناهی/** پس از وقوع فاجعه انسانی در یمن که با تجاوز چند ساله نظامی عربستان در خاک این کشور اتفاق افتاده، قتل خاشقجی با آن شیوه که توجه رسانه‌ها و مقامات کشورهای گوناگون را به خود جلب کرده، کار به جایی رسیده که آمریکا به رهبری ترامپ که عربستان را گاو شیرده می‌داند، تعدادی از سعودی‌ها را به اتهام قتل خاشقجی تحریم کرد.

افشاگری علیه رژیم سعودی

چندی پیش خبرنگار گاردین به افشاگری علیه رژیم سعودی دست زد. سعید کمالی‌دهقان خبرنگاری است که از ارتباطات مالی تلویزیون «ایران اینترنشنال» با سعودی‌ها پرده برمی‌دارد. او در توئیتی اعلام کرده بود، گزارش منتشر شده در گاردین درباره حمایت عربستان از شبکه ضد ایرانی «ایران اینترنشنال» براساس اطلاعاتی بوده که جمال خاشقجی در اختیارش قرار داده است.

در واقع، بر اساس گزارشی که گاردین درست در روز ناپدید شدن خاشقجی (۲ اکتبر) منتشر کرده است، منبعی آگاه (که حالا خبرنگار گاردین گفته خاشقجی بوده است) به این روزنامه گفته بوده دولت سعودی سالیانه ۲۵۰ میلیون دلار به این تلویزیون تازه‌تأسیس اپوزیسیون ایران در لندن کمک مالی می‌کند. بر اساس آن گزارش، این تلویزیون به مدد این کمک هنگفت مالی به خبرنگاران و کارکنان خود سه برابر تعرفه مرسوم دستمزد می‌دهد. ایران اینترنشنال اولین رسانه‌ای بود که پس از وقوع حادثه تروریستی در اهواز با عوامل آن گفت‌وگوی زنده تلویزیونی شکل داد.

این در حالی است که با این افشاگری‌ها، جان خبرنگار گاردین به خطر افتاده است. حمید بعیدی‌نژاد سفیر کشورمان در لندن در صفحه توئیتر خود نوشت: «آقای کمالی‌دهقان، خبرنگار گاردین در اقدامی شجاعانه تأیید کرد قاشقجی قبل از مرگ خود، اطلاعات مربوط به تأسیس شبکه فارسی «ایران اینترنشنال» از سوی مقامات عالی سعودی را نزد وی افشا کرده است. مقامات ذی‌ربط از مخاطرات احتمالی برای آقای کمالی آگاه هستند و سفارت نیز با آنها در تماس است.»

افشای طرح ترور

رسانه‌های مختلف دنیا پس از این افشاگری به بحث و گفت‌وگو درباره ابعاد آن پرداخته‌اند و پس از آن شاهد افشاگری روزنامه نیویورک‌تایمز علیه مقامات سعودی بودیم.

بار دیگر سعودی‌ها رسوا شده‌اند؛ اما این بار با طرح ترور حاج‌قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

داستان از این قرار است که برخی مقامات اطلاعاتی نزدیک به محمد بن‌سلمان، ولی‌عهد سعودی سال گذشته برنامه‌ریزی‌هایی برای ترور سردار سلیمانی داشته‌اند. در واقع، آن‌طور که نیویورک‌تایمز اشاره کرده، مقامات وابسته به بن‌سلمان از تعدادی از تجار خواسته بودند با پوشش شرکت‌های‌شان برای ترور حاج قاسم سلیمانی اقداماتی را انجام دهند.

این مطلب را «نیویورک‌تایمز» به نقل از سه منبع آشنا با مباحث صورت گرفته بین سعودی‌ها و تجار مزبور گزارش داده است.

گزارش نیویورک‌تایمز از این نظر اهمیت دارد که به خوبی نشان می‌دهد قتل خاشقجی به دست سعودی‌ها با یک برنامه‌ریزی قبلی اتفاق افتاده است. به نوشته این روزنامه آمریکایی، این مباحث نشان می‌دهند، بن‌سلمان از حدود یک سال قبل از قتل جمال خاشقجی، روزنامه‌نگار منتقد، در پی ترور بوده است و ممکن است حکومت سعودی به دنبال ترور دیگر دشمنان خود نیز با این روش باشد.

پس از آن محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه کشورمان در گفت‌وگو با پایگاه خبری «العربی الجدید» و در پاسخ به پرسشی درباره وجود طرح‌های ترور سعودی علیه شخصیت‌های ایرانی گفت: «تهران از قبل درباره این طرح‌های سعودی اطلاعاتی دقیق داشت.»

وی افزود: «ریاض پیشتر اعلام کرده بود جنگ را به داخل خاک ایران خواهند کشاند و پس از آن نیز شاهد فعالیت گروه‌های تروریستی در شرق ایران و حمله به مجلس بودیم.»

بازتاب یک افشاگری

روزنامه «جوان» در واکنش به موضوع ترور سردار سلیمانی، فرمانده سپاه قدس به دست عربستان نوشت: «عجز مقام‌های ارشد اطلاعاتی سعودی نزدیک به محمدبن‌سلمان، ولی‌عهد عربستان، در مواجهه با قدرت روزافزون ایران در منطقه کارشان را به جایی کشانده که طی جلسه‌ای با دو بازرگان عرب و صهیونیست در راستای سفارش پروژه ایجاد اغتشاش در داخل ایران از آنها درباره امکان ترور مقامات ایرانی و به ویژه فرمانده سپاه قدس ایران پرسیده‌اند که آنها ضمن اعلام ناتوانی، آدرس یک شرکت امنیتی انگلیسی را داده‌اند.»

روزنامه «ابتکار» هم این‌گونه نوشت: «مقامات سعودی در شرایطی اقدام به این کار کرده بودند که محمدبن‌سلمان در حال تلاش برای تثبیت قدرت خود بود و به مشاورانش دستور داده بود عملیات نظامی و اطلاعاتی را در خارج از مرزهای عربستان تشدید کنند. رایزنی‌های مقامات سعودی با تجار و بازرگانان برای استفاده از شرکت‌های خصوصی با هدف ترور مقامات ایرانی، یک سال قبل از قتل جمال خاشقجی، روزنامه‌نگار منتقد سعودی بوده و این مسئله نشان می‌دهد مقامات ارشد سعودی از آغاز دوره ولی‌عهدی محمدبن‌سلمان به دنبال قتل و ترور بوده‌اند.»

روزنامه «کیهان» نیز نوشت: «روزنامه آمریکایی در حالی از تروریسم دولتی سعودی‌ها علیه ایران پرده برمی‌دارد که این کشور عضو شورای حقوق بشر سازمان ملل و عضو ناظر کارگروه مالی FATF است. پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود، آن است که این کارگروه که ادعا می‌شود با هدف شفافیت مالی و مقابله با تأمین مالی تروریسم تشکیل شده، کجاست که عضو ناظرش برای خرابکاری اقتصادی و ترور مقامات ایرانی بودجه اختصاص می‌دهد؟»

پایگاه خبری «جهان‌نیوز» نیز به نقل از خبرگزاری «میزان»، نوشت: «آنچه واضح است تلاش مثلث آمریکایی ـ صهیونیستی ـ سعودی، برای ترور حاج‌قاسم سلیمانی است؛ امر شومی که برای تحققش مبالغ زیادی از سوی این مثلث خرج شده و مزدوران کارکشته زیادی استخدام شده‌اند؛ اما به حول و قوه الهی این امر شوم محقق نخواهد شد.»

«کدهای توطئه سه وجهی سعودی علیه ایران» عنوان گزارش فرارو است که در بخشی از آن آمده است: «در سطح اول عربستان سعودی و متحدانش به دنبال خرابکاری اقتصادی در ایران است. در سطح دوم به دنبال ترور، حذف فیزیکی چهره‌های اثرگذاری همچون سردار قاسم سلیمانی و خرابکاری امنیتی است و در سطح سوم به دنبال تغییر جدی در افکار عمومی ایرانیان و خرابکاری سیاسی و احتمالاً ایجاد و شورش و تنش در داخل ایران است.»

این بخش آخر را می‌توان برنامه‌های رژیم سعودی دانست که ولی‌عهد جوان عربستان در حال پیگیری آن است.

چرا ترور؟

اما سؤال اساسی این است که چرا حذف فیزیکی سردار سلیمانی برای شخص بن‌سلمان اهمیت دارد؟

پاسخ این پرسش دو بخش دارد؛ اول اینکه رژیم سعودی به عنوان اصلی‌ترین تأمین‌کننده مالی داعش در منطقه حالا در شرایطی که می‌بیند داعش با رهبری ایران و با فرماندهی حاج‌قاسم سلیمانی از بین رفته، سرمایه‌گذاری خود را بر باد رفته و خود را بازنده این کارزار می‌بیند.

دوم اینکه شواهد و قراین نشان می‌دهد، داستان یمن برای سعودی‌ها و به ویژه شخص بن‌سلمان اهمیت بسیاری داشته و دارد. حتی برخی مدعی هستند قتل خاشقجی هم بی‌ارتباط با جنایاتی که سعودی‌ها در یمن مرتکب شده‌اند، نبوده است و بن‌سلمان در جایگاه وزیر دفاع عربستان که آغازگر جنگ علیه یمن بوده و انتظار داشته طی چند هفته آن را به طور کامل تصرف کند، حالا شکست خود را از چشم سردار حاج‌قاسم سلیمانی می‌بینند و به این شکل است که دولت سعودی حالا با چهره‌ای از همیشه نمایان‌تر به دنبال اهداف خود در جهان است.

یک تنه در برابر آمریکا

سال گذشته در همین ایام «گرشون هکوکین» افسر نظامی رژیم صهیونیستی در شبکه تلویزیونی i۲۴ رو به مجری برنامه می‌گوید: «قاسم سلیمانی ممکن است هدف ترور اسرائیل و بازوهای امنیتی آن باشد. وقتی رأس هرم را جدا کنیم، همه آرام و خوشحال می‌شوند! بله، سلیمانی هدف اسرائیل است. اسرائیل پیش از این نیز عملیات‌هایی از این دست را اجرا کرده است.»

البته برخی معتقدند رژیم صهیونیستی یک بار هم قصد داشت طرح ترور سرلشکر سلیمانی را پیاده کند که یک نیروی اطلاعاتی آمریکا آن را لو می‌دهد و این طرح نافرجام باقی می‌ماند.

حاج‌قاسم سلیمانی البته بارها از سوی گروهک تروریستی داعش به ترور تهدید شده؛ اما تهدیداتی که هیچ یک تا به امروز نتوانسته است عملیاتی شود و حالا حاج‌قاسم سلیمانی کسی است که یک تنه در مقابل آمریکا قرار می‌گیرد و او را تهدید می‌کند. تهدیدی که البته همه می‌دانند با نوع تهدیدهایی که دشمنان جمهوری اسلامی ایران از آن استفاده می‌کنند، متفاوت است. سرلشکر سلیمانی به عنوان فرمانده‌ای که در هر میدانی حضور داشته، توانسته است پیروز شود و حالا اگر صحبتی می‌کند، مانند افراد زبونی چون بن‌سلمان از موضع ضعف نیست؛ بلکه او از موضع قدرت سخن می‌گوید و صحبت‌های او می‌تواند کاخ‌های مجلل مستکبران را به لرزه در آورد. حاج‌قاسم زنده است تا انقلاب اسلامی و جبهه مقاومت زنده است.

گزارش کوتاه

امیر حاتمی در همایش مشترک مسئولان و هادیان سیاسی نیروهای مسلح

به تهدیدات فضایی دشمن پاسخ پشیمان‌کننده می‌دهیم

وزیر دفاع با بیان اینکه عرصه فضا دیگر در انحصار دشمنان نیست، گفت: «نظام جمهوری اسلامی به چنان اقتداری دست یافته که اگر متجاوزی در عرصه فضا اقدامی علیه ایران اسلامی از خود نشان دهد، با چنان پاسخی مواجه می‌شود که از کرده خود پشیمان خواهد شد.»

امیرسرتیپ امیر حاتمی، وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در همایش هادیان و مسئولان سیاسی نیروهای مسلح، با اشاره به عصر حاضر به منزله عصر ارتباطات و اطلاعات، فضای امروز جامعه جهانی را فضای استبداد و انحصار رسانه عنوان کرد و در این زمینه اظهار داشت: «رساندن یک پیام واقعی و صحیح و روشنگری در این فضا به کاری بسیار سخت و پیچیده مبدل شده است و هادیان سیاسی در این حوزه نقش خطیری را بر عهده دارند.»

امیر حاتمی با بیان اینکه دشمن در فضای امروز به دنبال محقق کردن دو مأموریت داخلی و بین‌المللی برای تضعیف و ساقط کردن نظام اسلامی است، گفت: «نظام سلطه به سرکردگی آمریکا با ایجاد ناامیدی، ناکارآمد نشان دادن دولت و نظام اسلامی و همچنین ائتلاف با کشورهای منطقه و ۳۰ کشور جهان به دنبال شکست اقتدار جمهوری اسلامی ایران برآمد؛ اما به حول قوه الهی نه تنها در فضای کشور شکاف ایجاد نشد؛ بلکه اتحاد و انسجام ملی بیش از هر دوره بر فضای کشور مستولی است و راه‌پیمایی گسترده و با شکوه ۱۳ آبان امسال گواه این موضوع است.»

وزیر دفاع با اشاره به شکست سیاست‌های رئیس‌جمهور آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در فضای جهانی، اظهار داشت: «خنده دنیا به منطق رئیس‌جمهور آمریکا در مجمع عمومی سازمان ملل، صدور بیانیه محکومیت حادثه تروریستی اهواز در جلسه شورای امنیت و به دنبال آن استعفای «نیکی هیلی» نمونه‌ای از شکست‌های آمریکا در فضای امروز جامعه جهانی است.»

امیر حاتمی با اشاره به برخی مشکلات اقتصادی و ارزی کشور، بیان کرد: «برخی از مسائل پیش آمده در حوزه اقتصادی ناشی از بهره‌برداری نادرست از منابع و ظرفیت‌های داخلی است که با برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری‌هایی که در جلسات دولت و دیگر بخش‌های کشور انجام شده است، از این مرحله عبور خواهیم کرد که البته تا حدود زیادی نیز عبور کرده‌ایم.»

وزیر دفاع با اشاره به دستاوردهای دفاعی کشور در وضعیت تحریم ۴۰ ساله بیان کرد: «عرصه دفاعی کشور که همواره در تحریم همه‌جانبه و با کارشکنی‌های نظام سلطه در رسیدن به فناوری و دانش در عرصه‌های گوناگون با مشکلات عدیده روبه‌رو بوده است، امروز در حوزه هوافضا، رزم زمینی، دریایی و ارتباطات و رادارها به حد بالای بازدارندگی فعال و به یکی از قدرت‌های جهانی تبدیل شده است.»

وی در همین زمینه افزود: «عرصه فضا امروز در انحصار دشمنان نیست و نظام جمهوری اسلامی به چنان اقتداری دست یافته است که اگر متجاوزی در عرصه فضا اقدامی علیه ایران اسلامی از خود نشان دهد، با چنان پاسخی مواجه می‌شود که از کرده خود پشیمان خواهد شد.»

امیر حاتمی در پایان تأکید کرد: «پیشرفت‌های صنعت دفاعی و نیروهای مسلح در شرایط کنونی با تدابیر حکیمانه فرمانده معظم کل قوا، اتکا بر ظرفیت‌های داخلی و توان دانشمندان متخصص صنعت دفاعی محقق شده است و این در حالی است که دیگر بخش‌های کشور شرایطی به مراتب آسان‌تر از شرایط دفاعی و نظامی را دارند و می‌توانند با توجه به بهره‌برداری صحیح از ظرفیت‌های عظیم کشور بر مشکلات فایق آیند.»

یادداشت

بازتولید نگاه قجری برای مدیریت شهری

ادامه از صفحه اول

۲ـ آیا اداره کلانشهر تهران سخت‌تر است، یا خنثی‌سازی توطئه‌های دشمن طی چهل سال گذشته و از جمله توطئه گروه‌های تروریستی ـ تکفیری که قصد سوری‌سازی ایران را داشتند؟

۳ـ در دوره‌های گذشته، تهران چگونه اداره شده است؟

۴ـ در حوزه ورزش، موفقیت‌ها عمدتاً در کدام حوزه‌ها بوده است؟ حوزه‌هایی که از مربی خارجی با صرف میلیاردها پول برخوردار بوده، یا حوزه‌هایی که از مربیان دلسوز داخلی استفاده شده است؟

به نظر می‌رسد، آقایان نباید «ناتوانی» و «نمی‌توانیم» خود را به دیگر آحاد ملت و به ویژه جوانان انقلابی و مدیران با تفکر و رویکرد جهادی تعمیم بدهند. رفتن به سمت استفاده از کارشناسان و مدیران خارجی برای مدیریت شهری، یک نوع ارتجاع خطرناک است و معنایی جز بازتولید تفکر و نگاه قجری برای اداره کشور ندارد. انقلاب اسلامی این نوع تفکر و نگاه‌ها را به تاریخ سپرده، هرگز اجازه بازتولید آن را نمی‌دهد.

اخبارویژه

افول نظامی آمریکا

«کمیسیون استراتژی دفاع ملی» نتیجه‌گیری می‌کند که ایالات متحده به دلیل کاهش برتری نظامی تاریخی خود دچار بحران امنیت ملی شده و وزارت دفاع این کشور از نظر مالی و از جنبه استراتژیک توان پیروزی در جنگ‌های چندجانبه را نخواهد داشت. این کمیسیون یک آژانس مستقل مشورتی است که اعضای هیئت‌مدیره آن را کمیته سنا و مجلس نمایندگان آمریکا تعیین می‌کنند. در گزارش این کمیسیون آمده است: «برتری نظامی آمریکا دیگر قابل اطمینان نیست و پیامدهای آن برای منافع آمریکا و امنیت این کشور بسیار شدید خواهد بود.» کمیسیون استراتژی دفاع ملی می‌افزاید: «ارتش آمریکا در درگیری‌های آینده می‌تواند تلفات غیرقابل قبول و زیادی را متحمل شود و بسیاری از منابع و دارایی‌های مهم را در جنگ از دست بدهد.» گفتنی است، دونالد ترامپ، هفته گذشته از وزارت دفاع این کشور خواست تا ۱۶ میلیارد دلار از بودجه نظامی ۷۱۶ میلیارد دلاری این وزارتخانه را کاهش دهد.

پیام سفر برهم صالح

حسن کاظمی‌قمی، سفیر پیشین ایران در عراق گفت: «سفر برهم صالح، رئیس‌جمهور عراق به تهران در شرایطی انجام می‌شود که آمریکا به دنبال تشدید تحریم‌ها علیه ملت ایران و فشار هرچه بیشتر علیه نظام جمهوری اسلامی ایران است و در این چارچوب، به کشورهای مختلف دنیا و همچنین منطقه به ویژه عراق برای همسویی با تحریم‌ها فشار می‌آورد.»

علت مقاومت ایران

الیزابت روزنبرگ، از مقامات ارشد وزارت خزانه‌داری ایالات متحده در سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ بوده و به نظارت بر تشدید تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران کمک کرده است و اکنون یکی از اعضای ارشد برنامه انرژی، علوم اقتصادی و امنیت در اندیشکده «مرکز امنیت جدید آمریکایی» به شمار می‌رود.

وی در مصاحبه‌ای گفته است: «در قیاس با مشکلات عدیده اقتصادی دهه ۱۹۸۰، زمانی که ایران درگیر جنگ با عراق بود، مشکلات اقتصادی ناشی از تحریم‌های اخیر نسبتاً ناچیز است.

در زمان شروع جنگ در سال ۱۹۸۰، تولید ناخالص داخلی ایران بیش از ۲۷ درصد کاهش یافت و با وجود احیای مجدد آن، در سال‌های ۱۹۸۴ و ۱۹۸۶ نیز به ترتیب ۸ و ۱۰ درصد کاهش یافت؛ اما در سال‌های اوج فشار تحریم‌ها، یعنی ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳، تولید ناخالص داخلی ایران تنها ۷/۴ و ۰/۲ درصد کاهش یافت.»

روی خط خبر

کپی اصلاح‌طلبان

محمدرضا تاجیک، از نظریه‌پردازان برجسته جریان اصلاحات در مصاحبه‌ای گفته است: «جریان اصلاح‌طلبی نمی‌توانست به طور مستقیم با کارت خودش بازی کند؛ سرمایه اجتماعی‌اش را تجمیع و تجهیز کرد و پشت جریانی قرار داد که هویت غیرشفاف و خاکستری داشت؛ نه کاملاً اصلاح‌طلب بود، نه اصولگرا. در یک مقطع زمانی بین اصلاح‌طلبان و روحانی عقد و صیغه موقت جاری شد؛ چنین عقدی نمی‌توانست ذاتاً دائم باشد. در پس ذهن برخی اصلاح‌طلبان این عقد دائمی بوده، اما از نظر من نمی‌توانست دائمی باشد و اکنون هم شاهد نوعی واگرایی میان جریان اصلاح‌طلبی و جریان کنونی دولت هستیم. برخی از دوستان به نام عقلانیت سیاسی جریان اصلاح‌طلبی را در پای نیروهای دیگری که اصالتاً اصلاح‌طلب نبودند، ذبح کردند. معتقدم جریان‌های اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی برای اینکه خود را نجات دهند، باید پوست‌اندازی کنند؛ در غیر این صورت به حاشیه رانده خواهند شد. شبه اصلاح‌طلبانی که از اصلاح‌طلبی یک برج بابل ساختند، برای اینکه از آن بالا بروند و به عرش قدرت برسند. عده‌ای خاص به نام جریان اصلاح‌طلبی همه جا و همه وقت هستند؛ کسانی که همواره در مناصب گوناگون کپی و جایگزین می‌شوند و حد یقف ندارد.»

مشروعیت دادن به تحریم؟!

«عباس عبدی» ۲۲ آبان ۱۳۹۷ در مصاحبه‌ای که با روزنامه «بهار» انجام داده، سخنان حیرت‌انگیزی را به زبان می‌آورد. او در پاسخ به این پرسش که «آقای روحانی گفته است ما این بار با افتخار این تحریم‌ها را دور می‌زنیم. آیا این جمله تلویحاً به این معنا نیست که قبلاً حق نداشتیم تحریم‌ها را دور بزنیم؟ به نظرتان بیان چنین جمله‌ای از سوی رئیس‌جمهور ایران سنجیده بود؟» گفته بود: «من فکر نمی‌کنم این جمله ایراد داشته باشد. چون تحریم‌های قبلی حداقل به لحاظ عرف بین‌المللی از نوعی مشروعیت برخوردار بود... وقتی شما امری را که حداقل از نظر بین‌المللی مشروع است، دور می‌زنید، این کار را با افتخار اعلام نخواهید کرد. ممکن است یواشکی و دزدکی این کار را انجام بدهید؛ ولی تحریم‌های کنونی مطلقاً مشروع نیست. کسی در آمریکا به قدرت رسیده که تقریباً همه کشورهای دنیا با او مسئله دارند...بنابراین دورزدن این تحریم‌ها می‌تواند افتخارآمیز و مایه سربلندی باشد. به نظرم به آن جمله آقای روحانی ایرادی نمی‌توان گرفت.»

تاریخ‌سازی!

«سیدمحمد صدر» فعال اصلاح‌طلب و از دیپلمات‌های سابق به تازگی در بخشی از مصاحبه با خبرگزاری دولتی «ایرنا» درباره محمدجواد ظریف گفته است: «ظریف بهترین و قوی‌ترین وزیر خارجه‌ای است که جمهوری اسلامی به خود دیده است.» او همچنین با اشاره به موضوعات افغانستان و عراق، اظهار داشته است: «انجام مذاکرات در جهت ایجاد حکومت مطلوب در افغانستان برای مردم این کشور و دفع خطر طالبان در مرزهای شرقی کشور، از زحمات او (ظریف) بود. اگرچه آقای ظریف در آن مقطع به عنوان یک کارمند وزارت خارجه و در ذیل مدیریت دکتر ولایتی، وظایفی را انجام داده است؛ اما اینکه نقش محوری داشته است؛ اصطلاحاً از آن حرف‌هاست!»

فراموشی ظریف

محمدجواد ظریف که تا دیروز از باغ برجام عناوینی چون امیرکبیر را دشت می‌کرد، امروز معتقد است دولت نباید برجام را بزک می‌کرد و توقع مردم را بالا می‌برد؛ این در حالی است که تاریخ می‌گوید ظریف خود مهم‌ترین عامل بزک کردن برجام و بالا رفتن توقع مردم بوده است. این ادعا در صورتی است که شخص محمدجواد ظریف شهریورماه سال ۱۳۹۴ در کمیسیون برجام گفته بود: «کل تحریم‌های اقتصادی، مالی و پولی اتحادیه اروپا و کل تحریم‌های ایالات متحده که بر شخصیت‌های غیرآمریکایی اعمال می‌شود، از روز اجرا لغو خواهد شد، علاوه بر آن تحریم ۳۵ ساله هواپیمایی نیز لغو می‌شود.»

وحدت اساس مقاومت

آیت‌الله اراکی، دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی گفت: نقش وحدت باید در بحث مقاومت برجسته شود؛ زیرا اساس هر مقاومتی، همبستگی است. جریانی با محوریت آمریکا می‌خواهد خود را به جهان تحمیل کند که کاملاً ضد ارزش‌های انسانی است؛ بنابراین جنگ علیه ایران جنگ علیه یک ملت نیست؛ بلکه جنگ علیه ارزش‌های بشری است و این جنگ، ارزش مقاومت دارد، زیرا آینده بشری در خطر است و باید در این راه هزینه پرداخت کنیم.

روی خط خبر

عاشقانه‌های نجیبانه

در همایش نکوداشت مرحوم آیت‌الله سیدعلی قاضی(ره) در حرم مطهر رضوی، از والدین شهید مصطفی احمدی‌روشن تجلیل شد. پدر شهید پشت تریبون آمد و در سخنانی متفاوت گفت: «مادر مصطفی به علت پا درد، قصد حضور در جلسه را نداشت؛ ولی من او را با اصرار آوردم تا در حضور او چیزی به شما بگویم.» وی سپس در حضور مادر شهید گفت: «می‌خواستم بگویم اگر مصطفی، مصطفی شد، از برکت این زن بود. این زن که هم از سلاله رسول است و هم از نسل عالمان یزد، در دامن مطهرش مصطفی را پروراند. مصطفی از قِبل این مادر مصطفی شد، نه از جانب من.» پدر شهید، ابراز علاقه خود به مادر شهید را با این جملات لبریز کرد که حاضرم در حضور این جمع، دست و چادر مادر مصطفی را ببوسم و بابت تربیت این فرزند از او تشکر کنم. توقع این بود که این سخنان فضای مجازی را پر کند. اما وقتی عاشقانه‌های نجیبانه و مؤمنانه این چنینی را ضریب نمی‌دهیم، کار به آنجا می‌رسد که مجری خام برنامه زنده، به همسر جوان یک روحانی می‌گوید به شوهرت ابراز علاقه کن تا مردم ببینند این قشر هم اهل این عاشقانه‌ها هستند.

پایان نیلی!

مسعود نیلی پس از دو هزار روز مشورت اقتصادی به دولت روحانی این دولت را ترک کرد؛ نیلی در اوایل ورود خود به دولت یازدهم، اعلام کرد: «حسن روحانی تنها رئیس‌جمهوری است که اعتقادی به افزایش پایه پولی و رشد نقدینگی ندارد.» این در حالی است که براساس آمار موجود، نقدینگی از ۶۴۰ هزار میلیارد تومان در سال ۹۲، به ۱۶۰۲/۲۵ هزار میلیارد تومان در سال ۹۷ رسید. مسعود نیلی عضو اصلی تیم تدوین‌کننده بسته اول و دوم خروج از رکود، نقش مهمی در نگارش بندهای این مصوبه داشت و معتقد بود با ارائه این بسته، اقتصاد کشور از رکود خارج می‌شود. بسیاری از کارشناسان اقتصادی معتقدند اظهارنظرها و مشاوره‌های مسعود نیلی تأثیر مستقیمی بر بازار ارز داشته و حتی در اتفاقات اخیر بازار ارز، وی نقش پررنگی ایفا کرده است. نیلی معتقد است، دلار در ایران باید به بالاترین نرخ خود برسد. بدیهی است، این نظریه می‌تواند مؤید نقش او در نوسانات بی‌سابقه نرخ ارز در کشور باشد.

اهمیت بندر الحدیده

«دیوید بیسلی» مدیر برنامه جهانی غذا در یک نشست خبری در مقر سازمان ملل در نیویورک بر ضرورت باز بودن بندر الحدیده برای حرکت کشتی‌های تجاری تأکید کرد و گفت: «باید به هر قیمتی که شده بندر الحدیده باز باشد؛ چرا که حدود ۸۰ درصد از واردات کالا برای یمن از طریق این بندر صورت می‌گیرد.» مدیر برنامه جهانی غذا اظهار داشت: «بخش‌هایی از شهر الحدیده به شهر ارواح تبدیل شده است.» وی از کشورهای کمک‌کننده خواستار حمایت مالی از ملت یمن شد و گفت: «ما هر ماه به ۲۰۰ میلیون دلار نیاز داریم تا با تزریق آن به اقتصاد یمن ثبات اقتصادی را در این کشور تضمین کنیم.»

تصمیم انفرادی ممنوع

سیدمحمدرضا میرتاج‌الدینی درباره آسیب‌شناسی تصمیم‌گیری‌ها و حرکت‌های تشکیلات جریان اصولگرا گفت: «جریان اصولگرا باید گفتمان مشخصی ارائه دهد و با توجه به شرایط جدید خود را بازسازی کند. در گام نخست هم نیروهای این جریان باید از تشتت به انسجام واقعی برسند و از تصمیم انفرادی بپرهیزند.» وی افزود: «وقتی با بعضی شخصیت‌های اصولگرا صحبت می‌کنیم، از دیدگاه‌های آنها بر می‌آید که حرکت انفرادی دارند، در حالی که تاریخ انقلاب نشان می‌دهد، نیروهای انقلابی فردی تصمیم نمی‌گرفتند و جمعی حرکت می‌کردند. این را به منزله اصل باید بپذیریم و تصمیمات فردی را کنار بگذاریم.»

رهیافت

سه‌گانه ترکیبی برای به ثمر نشاندن تحریم‌ها

□ **یاسر سعیدنژاد/** خروج آمریکا از توافق هسته‌ای و اعمال تحریم‌های اولیه و ثانویه، سبب به نتیجه رسیدن توافق مجدد یا مذاکره و از همه مهم‌تر تغییر نظام در ایران برای آمریکا نشده است. اکنون که تیم سیاست خارجی ترامپ از رویکرد تغییر نظام به تغییر رفتار ایران روی آورده، مباحث و تصمیمات بسیاری در جهت رسیدن به نتیجه مطلوب برای مفید بودن تحریم‌ها مطرح شده است. در کنار این مسئله، اولویت‌هایی برای فشار بر ایران در جهت به ثمر نشاندن تحریم‌ها مطرح می‌شود که یک سه‌گانه ترکیبی در جهت اعمال فشار بر ایران است. این سه راهبرد یا رویکرد مبتنی بر اقدامات گوناگون اقتصادی، سیاسی و دیپلماسی است که عبارتند از:

۱ـ ترمیم شکاف میان متحدان اروپایی و آمریکا: اروپایی‌ها اگرچه با خروج آمریکا از توافق هسته‌ای مخالفت کردند؛ اما در بسیاری از موضوعات همچون بحث نفوذ منطقه‌ای ایران و موشک‌های بالستیک هم‌پوشانی دارند. اکنون اروپا با ایران به دنبال یک توافق موقت است. در صورت چنین توافقی، از منظر اروپایی‌ها، آمریکا باید انعطاف‌های گوناگونی را در برابر اروپا داشته باشد. اکنون پرسش این است که دلیل اصلی این انعطاف یا همراهی اروپا با ایران از چه منظری برای آمریکا مفید خواهد بود؟

چنانچه اروپا بتواند به توافق جدیدی با ایران دست یابد، این همکاری می‌تواند به همکاری دوجانبه میان ایران و آمریکا در جهت توافق جدید اعمال شود. هنگامی که ایران با اروپا به توافق برسد، اروپا می‌تواند ایران را در مسیر مذاکره با آمریکا قرار دهد؛ به گونه‌ای که ایران برای دسترسی به برخی منافع اقتصادی ناگزیر به همکاری با آمریکا باشد. بنابراین آمریکا باید برای اعمال تحریم‌های خود به اروپایی‌ها معافیت‌هایی را اعمال کند که این امر به فشار بر ایران در جهت مذاکره مجدد با آمریکا در زمینه مسائل موشکی و منطقه‌ای منجر خواهد شد.

۲ـ متوقف کردن فعالیت‌های منطقه‌ای ایران: برای متوقف کردن فعالیت‌های منطقه‌ای ایران تنها اقدامات نظامی کافی نیست و هر اقدام ایران بر مبنای این تصور است که اولویت‌های آمریکا به طور روزافزون به خارج از خاورمیانه منتقل می‌شود. اکنون جای این پرسش است که چرا در این مرحله آمریکا بر روی فعالیت‌های منطقه‌ای متمرکز شده و چه اقداماتی را برای متوقف کردن فعالیت‌های منطقه‌ای ایران آغاز کرده است؟

تصور آمریکایی‌ها این است که در صورت توقف فعالیت‌های منطقه‌ای ایران، دست آنها در مذاکرات جدید بازتر خواهد بود. از سوی دیگر، یکی از اهرم‌های قدرت ایران را نیز سلب کرده است.

در بحث اقدامات آمریکا نیز این کشور افزون بر اقدامات نظامی، از اصول دیپلماسی هم بهره گرفته است. این دیپلماسی شامل حل‌وفصل بحران یمن و جلوگیری از نفوذ ایران در منطقه است. محدود کردن نفوذ ایران مشمول کل منطقه خواهد بود و اصول دیپلماسی از نظر آمریکایی‌ها مفیدتر از اصول نظامی است.

۳ـ به حداقل رساندن تأثیر تحریم‌ها بر مردم عادی: شعاری که اکنون دولتمردان آمریکایی مطرح می‌کنند و ادعا دارند، حریم‌ها علیه فعالیت‌های مخرب جمهوری اسلامی اعمال شده است! اما در این مرحله هدف چیست؟ هدف در این مرحله جداسازی مردم از حاکمیت است. در این زمینه نشریه «فارین پالیسی» به ترامپ پیشنهاد می‌دهد در این مرحله ترامپ باید از راهبرد ریگان استفاده کند. ریگان هیچ موقع این واقعیت را فراموش نکرد که در مقاومت علیه «امپراتوری شر» شهروندان عادی در سراسر بلوک شرق قربانیان اصلی کمونیسم و عوامل باارزش تغییر بودند. دست آخر آنها بودند که دیوار برلین را فرو ریختند. این همان استفاده از ظرفیت مردم در جهت اقدامات متقابل علیه حاکمیت است.

در مجموع، این واقعیت برای دولتمردان آمریکایی اثبات شده است که تحریم‌ها به آن نتیجه مطلوبی که در ذهن تداعی کرده بودند، نخواهد رسید و نیازمند راهبردهای جدیدی برای فشار بر ایران از هرگونه اقدام داخلی، دیپلماسی و منطقه‌ای هستند.

دیدگاه

تحریم؛ از ابوجهل تا ترامپ

□ **حسین عبداللهی‌فر/** ادبیاتی که این روزها مقامات آمریکا درباره ملت ایران به کار می‌برند، بیان‌کننده نگرانی و نومیدی از بی‌نتیجه بودن تحریم‌هاست. وزیر خارجه آمریکا می‌گوید: «ایران اگر می‌خواهد مردمش غذا بخورند، باید به حرف آمریکا گوش کند.» جان بولتون نیز گفت: آنقدر به ایرانی‌ها فشار می‌آوریم تا جان‌شان درآید.

اگرچه استفاده از حربه «نان و غذا» برای وادار کردن دیگران به دست کشیدن از ایمان و باورهای خود سابقه طولانی در تاریخ دارد؛ اما رفتار و ادبیات این روزهای سران آمریکا مردم ایران را به یاد رفتار سران قریش در عصر جاهلیت انداخته است که پس از هفت سال مقابله با مسلمانان و فشار به آنها برای روی‌گرداندن از اسلام وقتی از همه تلاش‌های خود نومید شدند، آنها را در شعب ابی‌طالب محاصره کرده و از هرگونه خرید و فروش کالا تحریم کردند.

اگر چه میان جاهلیت مدرن با جاهلیت کهن تفاوت‌هایی وجود دارد؛ اما در رفتار و ادبیات سران آمریکا با سران قریش در تحریم مسلمانان شباهت‌های بسیاری وجود دارد که عبارتند از:

۱ـ سران قریش هم مانند سران کاخ سفید در شرایطی از حربه تحریم استفاده کردند که هیچ راه دیگری در مواجهه با مسلمانان نداشته و از روش‌های دیگر آنها، از جمله تلاش برای کشتن دسته‌جمعی پیامبر اسلام(ص) نومید شده بودند. این در حالی بود که با ایمان آوردن «حمزه» عموی پیامبر(ص)، امکان برخورد سخت و نظامی را از دست داده بودند. ضمن آنکه به شدت از ماجرای پناهنده شدن مسلمانان به حبشه و ناتوانی در بازگرداندن آنها عصبانی بودند.

۲ـ نوع تحریم‌های سران قریش نیز شباهت زیادی با تحریم‌های سه‌گانه آمریکا در شرایط فعلی دارد. مطابق با ادعای سران کاخ سفید، تحریم‌های ایران در سه زمینه تجاری، پولی و بانکی و خدماتی صورت می‌گیرد. سران قریش نیز تصمیم گرفته بودند مسلمانان را در زمینه تجاری (انجام هرگونه معامله و دادوستد)، اقتصادی (کمک و دستگیری) و... تحریم کنند.

۳ـ روند تحریم‌ها علیه ایران و مخالفت سران اروپا با آمریکا در ادامه تحریم‌ها شباهت زیادی با رفتار سران قریش دارد. آنها نیز در ابتدا تلاش کردند اجماع کفار را در زمینه تحریم مسلمانان داشته باشند؛ از این رو پیمان‌نامه‌ای نوشتند که مهر ۴۰ نفر از سران قریش در پای آن قرار داشت. آنها این پیمان را در خانه کعبه قرار دادند تا ضمانت اجرایی بیشتری داشته باشد؛ اما اندکی نگذشت که عده‌ای از آنها نسبت به ادامه تحریم‌ها تردید کرده و از اعمال تحریم‌های ظالمانه پشیمان شدند.

۴ـ اعمال زور علیه کسانی که تحریم را بشکنند، از دیگر وجوه تشابه رفتار سران قریش با دولتمردان آمریکا است. سران کاخ سفید در حالی کشورها را تهدید به همکاری نکردن با ایران می‌کنند که ابوجهل نیز همین رفتار را با حکیم‌بن‌حزام (از اقوام حضرت خدیجه) داشت، وی وقتی دید حکیم در حال حمل مقداری گندم برای خدیجه بود، با او برخورد کرد و کارشان به درگیری کشید.

تحریم مسلمانان در شعب ابی‌طالب برخلاف خواست سران قریش نه تنها به تضعیف نهضت نبی مکرم اسلام(ص) نینجامید؛ بلکه به دنبال این تحریم‌ها بود که سبب شد مسلمانان از مکه به مدینه هجرت کرده و با تشکیل حکومت اسلامی دارای قدرتی شوند که دیگر امکان حذف آن برای هیچ قدرتی ممکن نبود.

سران آمریکا که ۴۰ سال است ملت ایران را تحریم کرده و برای وادار کردن آنها به عقب‌نشینی از هیچ کوششی فروگذار نکرده‌اند، از همان سال‌های اول انقلاب ملت ایران و در جریان حوادث گوناگونی از جمله حمله نظامی به طبس، لو رفتن کودتای نوژه، پیروزی ملت ایران در هشت سال جنگ تحمیلی و خنثی شدن توطئه‌های گوناگون، دست قدرت خداوند را دیده‌اند که چگونه به یاری مردم مسلمان ایران آمده است؛ اما درس عبرت نگرفته‌اند.

تبیین

چیستی مدیریت انقلابی در اندیشه امام خامنه‌ای

□ **حسن خدادی/** مفهوم مدیریت انقلابی، چنانکه درخور این کلیدواژه باشد، در مجامع علمی مطرح نشده است و در منابع دانشگاهی، تعریف جامع و معینی بین اندیشمندان ندارد؛ از این رو این مقاله با وام‌گیری از بیانات امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) قید انقلابی را به مفهوم مدیریت اضافه کرده تا با ارائه مفهومی جدید، کاستی‌های انواع گوناگون مدیریت را جبران کند. پیش از تشریح مفهوم مدیریت انقلابی ذکر این نکته خالی از لطف نیست که زمینه‌های صورت‌بندی و طرح مفهوم مدیریت انقلابی را می‌توان با نیاز انقلاب اسلامی به بسط ید «تکنوکراتیسم» مرتبط دانست؛ اما مصادیق آن به تجربههای صدر انقلاب اسلامی بازمی‌گردد که در سیاست‌گذاری و مدیریت مسائل اجتماعی اعمال شد.

مدیریت انقلابی، یک مفهوم فاقد مابه‌ازاء تاریخی نیست. تجربه مدیریتی صدر انقلاب اسلامی در نهادهای بی‌بدیلی که تحت عنوان نهادهای انقلاب اسلامی ایجاد شد، کمک شایانی به درک زوایای این مفهوم خواهد کرد. اگرچه امروزه بیشتر نهادهای انقلاب منحل یا در نهادهای بوروکراتیکِ موجود حل شده‌اند؛ اما تجربه پیدایش، عملکرد و کارآمدی آنها در صدر انقلاب تجربه‌ای پردامنه و قابل توجه است. بی‌شک، اگر در این سال‌ها فراتر از کلی‌گویی‌ها در زمینه علوم انسانی، «تجربه‌های متراکم انقلاب» به منزله یک کار علمی نگریسته و تدوین شده بود، امروز برای تشریح این مفهوم چارچوب‌های کارآمدتری وجود داشت.

بنابراین، به طور کلی مدیریت انقلابی ورای یک مکتب یا نظریه مدیریتی، حاصل جمع مکاتب و نظریه‌های مدیریتی و ارزش‌های الهی است. بی‌شک، موفقیت این مدیریت در میدان‌ها و عرصه کاری در سایه خودباوری، ایجاد روابط صمیمانه انسانی، معاشرت و مشاورت، پیشگامی در کارها، دوری از صفات زشت نفسانی همچون خودپسندی و افزون‌خواهی، اخلاص در عمل، دوری از منت نهادن و دوری از جدایی از مردم و دیگر اخلاقیات و شئون مدیریت اسلامی است که در محیط انقلابی، در طول دوران عمر جهاد سازندگی و دیگر نهادهای انقلابی، به برکت انقلاب اسلامی، رعایت و به کار گرفته شده و تلاش‌ها مضاعف و موفقیت‌ها زودتر حاصل شده و پیشرفت و توسعه و رفاه محقق شده است و در ادامه راه نیز باید از سوی دیگر سالکان این مقصد، مورد توجه قرار گیرد.

مدیریت انقلابی تلاش مستمر در به کارگیری نهایت توان و کنترل فعالیت‌های افراد، مبتنی بر مبارزه در همه عرصه‌ها، اعم از علمی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره با نیت الهی با هدف نیل به اهداف والای معنوی و مادی جامعه و رفع موانع موجود است. در این نظام مدیریتی، احکام دین مبین اسلام و شریعت الهی و ائمه اطهار به مثابه راهبردی در نظر گرفته شده و هدف این نظام مدیریتی، پیاده‌سازی ارزش‌ها در جامعه به منظور تبدیل آنها به کیفیت زندگی است که به تعبیر معظم‌له «اگر مدیریت انقلابی یا همان کار و تلاش با نیت الهی و مبتنی بر علم و درایت حاکم باشد، مشکلات کشور، در شرایط کنونیِ فشارهای خباثت‌آمیزِ قدرت‌های جهانی و در شرایط دیگر، قابل حل است و کشور حرکت روبه‌جلو را ادامه خواهد داد.»(۱۳۹۲/۱۰/۲۳)

به طور خلاصه، بر اساس الگوی تفکر اسلامی و فرهنگ کار و تلاش در اسلام، هر عمل و فعالیتی باید با نیت الهی و در جهت کسب رضایت پروردگار انجام گیرد و انسان در این راه، باید از همه ظرفیت‌ها و توانایی‌های خود به درستی استفاده کند تا کیفیت و اثربخشی کار خود را بالا برده و به هدف مورد انتظار که رضای خدا در آن نهفته است، دست یابد. در اینجا صرف انجام عمل ملاک نیست و باید کار مورد نظر با اهتمام لازم و از روی تدبیر، دانش و تجربه کافی انجام شود تا به کسب حداکثر بازدهی منجر شود و میزان رضایت از نتیجه کار افزایش یابد. در بحث مدیریت بر این نکته تأکید می‌شود که مدیریت، یعنی استفاده مؤثر و کارآمد از منابع برای تحقق اهداف تعیین‌شده و مبتنی بر نظام ارزشی مورد قبول.

اخبار

تصویب ۹ قطعنامه در سازمان ملل علیه رژیم صهیونیستی

کمیته چهارم مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نشست اخیر خود، ۹ قطعنامه علیه رژیم صهیونیستی تصویب کرد. در هشت قطعنامه این کمیته، اقدامات رژیم صهیونیستی در نقض حقوق بشر مردم فلسطین محکوم شده است.

مجمع عمومی سازمان ملل در این قطعنامه‌ها نگرانی شدید خود را از تداوم اقدامات غیرقانونی رژیم صهیونیستی از جمله توسل شدید به زور نیروهای اشغالگر علیه شهروندان فلسطینی و تداوم سیاست‌ها و اقدامات این رژیم در نقض حقوق بشر شهروندان فلسطینی و دیگر اعراب ساکن سرزمین‌های اشغالی ابراز کرده است. بر اساس مفاد یکی از این قطعنامه‌ها، مجمع عمومی مراتب نگرانی عمیق خود را از ادامه شهرک‌سازی در سرزمین‌های اشغالی قدس شرقی اعلام کرد و اقدامات خشونت‌بار نیروهای صهیونیستی علیه غیر نظامیان، اقدامات تحریک‌کننده شهرک‌نشینان علیه شهروندان فلسطینی در سرزمین های اشغالی را محکوم کرده است.

مجمع در قطعنامه دیگر از رژیم صهیونیستی می‌خواهد به سرعت به اقدامات ناقض حقوق بشر مردم فلسطین، از جمله کشتار و مجروح کردن غیر نظامیان و بازداشت‌های خودسرانه و زندانی کردن فلسطینیان پایان دهد. در دیگر قطعنامه‌های مصوب، مجمع عمومی مراتب نگرانی خود را از درد و رنج فلسطینیان که متعاقب اقدامات رژیم صهیونیستی از سال ۱۹۶۷ از خانه و کاشانه خود آواره شده‌اند، اعلام کرده و خواستار بازگشت این آوارگان به وطن خود شده است.

همچنین از دبیرکل سازمان ملل خواسته شده است، اقدامات لازم برای حفاظت از املاک، دارایی‌ها و حق مالکیت اعراب در سرزمین‌های اشغالی را با مشورت کمیته «مصالحه سازمان ملل متحد برای فلسطین» انجام دهد.

مدیر خارجی وارد کنیم!

فیلمی از اظهارات «پیروز حناچی» شهردار جدید تهران در فضای مجازی منتشر شده است که نکات قابل توجهی از عمق نظر و عقاید مدیریتی وی را نشان می‌دهد.

حناچی در این فیلم می‌گوید: «برای این کار ما به بهترین متخصصان شهری نیاز داریم. مگر ما برای تیم ملی نمی‌رویم مربی خارجی می‌گیریم. شهرسازی کشور از تیم ملی کشور کمتر است؟ ما باید قبول کنیم که خیلی از تجربیات را نداریم.

ما باید قبول کنیم تجربه منطقه‌ای در مقیاس کلانشهر را به طور کامل نداریم. ما تجربیاتی که میکس می‌کند سیاست‌های اقتصادی را با سیاست‌های تعادل منطقه‌ای در دانشگاه تجربه نکردیم.»

پس از این شهرداری تهران با انتشار بیانیه‌ای با تکذیب این باورهای مدیریتی، اعلام کرد: «فیلمی که به تازگی از حناچی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است، در حاشیه انتخابات دانشکده فنی دانشگاه تهران و در زمان معاونت معماری و شهرسازی ایشان ضبط شده و حناچی در آن بر انتقال دانش و تجربیات کارشناسان خارجی به کشور پرداخته است.»

همین موضوع نشان می‌دهد، افکار و عقاید واقعی و بدون پوشش و روتوش مدیریتی وی چیست. از سوی دیگر، چطور می‌شود فردی در یک دوره مدیریتی حرفی را شفاف و پشت تریبون زده و پس از اینکه مسئولیتی بالاتر گرفته، آن باور را به طور کل کنار بگذارد؟

«اکبر ترکان» مشاور حسن روحانی در دولت یازدهم پیش از این گفته بود: «اگر تعرفه واردات برداشته شود، قابلیت رقابت در هیچ تکنولوژی و هیچ صنعتی به جز آبگوشت بزباش و قرمه‌سبزی را نخواهیم داشت.»

نکته‌گرام

محسن مهدیان: آقای ظریف در اظهارات عجیبی اتهام پولشویی در ایران را تأیید و به نقش برخی نهادها در آن اشاره کرد که وقتی هزاران میلیارد تومان گردش پولشویی دارند، ده‌ها میلیارد هزینه برای کار تبلیغاتی علیه cft و غیره خیلی عجیب نیست. این ادعا ضمن اینکه تهمت زننده‌ای به منتقدان است، در حالی بیان می‌شود که مدت‌هاست دولت‌های ضد ایرانی با همین اتهام به دنبال تحریم مضاعف جمهوری اسلامی هستند. هر چند این اظهارات اگر درست باشد که نیست، ابتدا انگشت اتهام را سمت خود دولت می‌برد. پرسش اصلی این است که این سطح از اظهارات ناشیانه و ضد ملی، با کدام معیار دیپلماتیک قابل توجیه است؟

یاسر جبرائیلی: آقای عباس آخوندی پنج سال عهده‌دار وزارت راه و شهرسازی این کشور بود، اما مردم کارنامه او را به حساب انقلاب اسلامی ننویسند، مردم بدانند این جماعت هیچ نسبتی با امام و انقلاب و ولایت فقیه ندارند... مردم بدانند وقتی می‌گوییم چوب لیبرالیسم باید از لای چرخ اقتصاد خارج شود تا به پیشرفت برسیم، منظورمان دقیقاً این جماعت بی‌سواد و متوهمند که در خانه‌های هزاران متری لواسان زندگی می‌کنند، خودروهای میلیاردی سوار می‌شوند و مسکن مهر را مزخرف می‌دانند؛ اما این را هم بدانیم که این خسارت‌ها که می‌بینیم، حاصل آرای خود ماست.

حسام‌الدین آشنا: تیر ناتوی عربی کمانه کرد و به سوی خودشان بازگشت. آن که به دنبال تشکیل ناتوی عربی علیه ایران بود، امروز تکاپوی آرام ارتش اروپایی علیه خودش را نظاره می‌کند. اولی هرگز شکل نخواهد گرفت؛ چون ایران تهدیدی برای همسایگانش نیست و دومی دیر یا زود قوام خواهد گرفت، چون آمریکا خطری برای همه جهان است.

عکس خبر

حضور مدال‌آوران بازی‌های پاراآسیایی در محضر امام خامنه‌ای

کودک مسیحی لبنانی که از مسابقه با نماینده رژیم صهیونیستی سر باز زد

وقتی معمار عاشق محیط زیست باشد!

شکست فاجعه‌بار صهیونیست‌ها در خان یونس

هوا کردن ترامپ در اعتراضات مردم پاریس به سیاست‌های آمریکا

کشته شدن ۳۰ نفر بر اثر سیل در عربستان

نسیه داده می‌شود!

جاسازی مواد مخدر در کفش!

اوضاع آمریکا خوب نیست

دکتر فؤاد ایزدی، استادیار دانشکده «مطالعات جهان» دانشگاه تهران گفت: امروز میزان بدهی‌های دولت آمریکا بیش از ۱۶ هزار میلیارد دلار است. اگر بدهی‌های مردم آمریکا را هم به این رقم اضافه کنیم که حدود ۵۰ هزار میلیارد دلار است، می‌شود ۶۵ تریلیون دلار. حتی دموکراسی که جزء بزرگ‌ترین مدعاهای آمریکایی‌ها است، در بند این نظام است؛ نظام سیاسی آمریکا نظام دو حزبی است و امکان ندارد حزب سومی به این عرصه راه پیدا کند. بنابراین اوضاع در آمریکا خوب نیست، اما غربی‌ها با قدرت رسانه‌ای‌شان این ضعف را از چشم مردم می‌پوشانند.

«روند کاهش قدرت ایالات متحده» در نشست تخصصی صبح صادق با حضور دکتر عبدالله مبینی، کارشناس ارشد مسائل راهبردی بین‌الملل بررسی شد

آمریکا در سراشیبی افول

به اعتقاد بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران مهم‌ترین مشخصه دهه سوم قرن ۲۱، کاهش تدریجی قدرت نسبی ایالات متحده آمریکاست. از دیدگاه اغلب ناظران آگاه، از آنجایی که عمده رقبای آمریکا در امور نظامی و به ویژه اقتصادی در آسیا قرار دارند، این جابه‌جایی قدرت از غرب به شرق به مفهوم خاتمه چیرگی تمدن غربی بر سیاست و فرهنگ جهانی خواهد بود. به همین مناسبت رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با دانشجویان و دانش‌آموزان به مناسبت ۱۳ آبان که روز ملی مبارزه با استکبار خارجی است، به مسائل مهمی اشاره کردند که یکی از آنها مسئله افول آمریکا بود. در بیانات ارزشمند رهبر فرزانه انقلاب اسلامی به برخی از نشانگان این افول پرداخته شد. در راستای تبیین ابعاد و زوایای مختلف این موضوع مهم می‌توان وضعیت آمریکا را در پنج دوره مورد مطالعه قرار داد و شکست‌های گوناگون امپراتوری زر و زور و تزویر را فهرست کرد تا به راز و رمز بیان حکیمانه رهبری بیشتر پی برد که در این خصوص موضوع «روند کاهش قدرت ایالات متحده» در نشست تخصصی صبح صادق با حضور دکتر عبدالله مبینی، کارشناس ارشد مسائل راهبردی بین‌الملل بررسی شد که مشروح آن در ادامه می‌آید.

عکس: حامد گودرزی

بررسی قدرت آمریکا در پنج دوره

در واقع، این سطور درصدد است به این پرسش پاسخ دهد که آمریکایی که قرن بیستم یکی از ابرقدرت‌ها بود، با شرایط فعلی ۱۰، ۲۰ سال آینده چه می‌شود و چرا و به چه دلیل در مسیر فروپاشی قرار گرفته است؟ برای پاسخ به این پرسش مهم ناگزیر آمریکا را در پنج دوره از زمان آغاز امپراتوری تا الآن بررسی می‌کنیم. در این پنج دوره هر دوره به چند موضوع می‌پردازیم. تا جایگاه آمریکا در ۲۵۰ سال اخیر کجا بوده و الآن کجاست، مشخص شود. سپس بر اساس این روندها به طور منطقی آینده این کشور را بررسی می‌کنیم. البته ده سال پیش کسی این بحث‌هایی را که امروز اتفاق افتاده، باور نمی‌کرد. حمله رژیم صهیونیستی به لبنان و جنگ ۳۳ روزه چه شد؟ و خیلی دیگر از اتفاقات... .

دوره اول
از جنگ جهانی دوم تا فروپاشی شوروی؛

این دوره دوره نظام دو قطبی است. جهان بین دو ابرقدرت تقسیم شده که حرف آول و آخر را اینها می‌زنند. جهان را از لحاظ جغرافیایی و سیاسی تقسیم و یک توازن قوا برقرار کردند. از لحاظ نظامی، پیمان‌های ناتو و ورشو و از نظر سیاسی، مکاتب سوسیالیسم و لیبرال دموکراسی نمادهای این دو قطب هستند که در مقابل هم صف‌آرایی کرده‌اند. توافق دو طرف این است که باید جهان را بین هم تقسیم و اداره کنند و یک زیست مسالمت‌آمیز بین دو ابرقدرت حاکم باشد. جنبش‌ها و انقلاب‌ها هم باید خود را ذیل یکی از این دو تعریف کنند. از پینوشه تا جمال عبدالناصر و... ناگزیر از تعریف خود در ذیل یکی از این دو ابرقدرت بودند و هر صدای مستقلی غیر از این دو به جایی نمی‌رسید.

اما انقلاب اسلامی جبهه ثالث را به وجود می‌آورد و شعار استقلال از هر دو را با «نه غربی و نه شرقی» سر می‌دهد. تنها انقلابی که در این پنجاه و چند سال از این راهبرد جان سالم به در برد، انقلاب اسلامی است. این به معنای آن نیست که کاری علیه انقلاب اسلامی نکردند. اتفاقاً همه کار از کودتا و حمله نظامی تا دیگر اقدامات سخت و نیمه‌سخت و نرم را علیه آن به منصه ظهور رساندند. برای نمونه، در جنگ تحمیلی هشت ساله علیه ما کل جهان، عراق را پشتیبانی می‌کرد. شرق و غربِ رقیب در مقابله با ما شریک شده بودند. از اطلاعات و سلاح تا تاکتیک‌های جنگ همه از شرق و غرب به عراق می‌رسید. تنها جایی که اجماع می‌کنند، علیه انقلاب اسلامی است؛ اما از سال ۱۹۹۱ به بعد کمونیسم به موزه‌ها رفت و شرق فروپاشید.

دوره دوم،
نظم نوین جهانی؛

اتحاد جماهیر شوروی به عنوان یکی از دو قطب قدرت فرو ریخت و پیمان ورشو از بین رفت و کشورها استقلال پیدا کردند. ناتو قدرت گرفت، سازمان سیا ابهت یافت و آمریکایی‌ها قدرت بلامنازع شدند. فرهنگ لیبرالیسم فرهنگ برتر تلقی شد و در این دوره آثاری چون «پایان تاریخ و واپسین انسان» به قلم فرانسیس فوکویاما در زمینه برتری فرهنگ لیبرال دموکراسی به رشته تحریر درآمد و غروری کاذب در آمریکایی‌ها ایجاد شد. حاکمان آمریکایی در دهه آخر قرن بیستم استراتژی واشنگتن را «نظم نوین جهانی» اعلام کردند. نظم نوین جهانی یعنی آمریکا در نقطه اوج و مبانی بدون رقیب است. نظام تک‌قطبی، بحث جهانی شدن و حرکت به سمت دهکده جهانی با یک کدخدا و یک فرمانده با قانون یکسان و قواعد فرهنگ لیبرال دموکراسی و اقتصاد و... مطرح شد. ناتو به مثابه بازوی نظامی و ژاندارم آمریکا در کل جهان مطرح شد. این در حالی است که رهبر معظم انقلاب تعابیر و نکات مهمی در آن سال‌ها در نقد نظم نوین آمریکایی و نظریات امثال فوکویاما و هانتینگتون ارائه کردند که رجوع به آنها برای امروز نیز مفید است. ایشان به زیبایی، چهره پشت نقاب سیاست مزورانه آمریکایی‌ها را برملا می‌کنند و نشان می‌دهند، این طرح ضمن اینکه ظاهر خوبی دارد، اساسش سلطه بر کل جهان است نه برقراری نظم جدید، صلح و حقوق بشر.

در حمله صدام به کویت بدون توجه به جامعه جهانی مداخله می‌کنند و با سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه، قلدرمآبانه و کدخدامنشانه خودشان را در منطقه حاکم می‌کنند. جنگ بوسنی و مسائل دیگر هم هست. آرام‌آرام جامعه جهانی متوجه می‌شود این نظم جهانی منظورش چیست. اینجا آمریکا همه چیز را در اختیار خودش می‌داند و به نهادهای بین‌الملل توجهی نمی‌کند. این ادامه دارد تا آغاز قرن بیست‌ویکم که در واقع آغاز حرکت آمریکا از نقطه اوج به سمت حضیض است که به عنوان دوره سوم در این یادداشت دسته بندی شده‌است.

دوره سوم،
استراتژی خاورمیانه بزرگ

آمریکایی‌ها ده سال دشمن و تفکر دشمنانه در دهه آخر قرن بیستم نداشتند؛ لذا بر اساس نیازشان دشمن فرضی و جدیدی معرفی می‌کنند تا بتوانند اهداف و سیاست‌های خودشان را در پرتو مقابله با آن پیاده کنند. آنها استراتژی خاورمیانه بزرگ را طراحی می‌کنند و در آن به دنبال اهداف پنج‌گانه‌ای، نظیر تأمین امنیت رژیم صهیونیستی، تأمین انرژی، توسعه فرهنگی لیبرال دموکراسی، مقابله با بنیادگرایی اسلامی و تغییر ژئوپلیتیک منطقه غرب آسیا هستند. از نظر آنها، امنیت رژیم صهیونیستی باید به منزله قدرت برتر و بلامنازع منطقه خاورمیانه برقرار شود. از منظر استراتژیست‌های آمریکا، تحقق امپراتوری جهانی، مستلزم تسلط بر انرژی در منطقه خاورمیانه است. مهم‌ترین عامل اقتصادی انرژی است و در انرژی مهم‌تر از همه نفت و گاز است که بالای ۷۰ درصد انرژی در منطقه خاورمیانه قرار دارد.

توسعه فرهنگ لیبرال دموکراسی غرب هدف دیگری است که نرم‌افزار تفکر غرب را از منظر ایدئولوگ‌هایی، چون فوکویاما تشکیل می‌دهد که در کنار هدف چهارم، یعنی مقابله با بنیادگرایی و اندیشه انقلاب اسلامی باید در دستور کار آنها از طریق هدف پنجم‌شان در حوزه ژئوپلیتیک قرار گیرد. خودزنی آمریکایی‌ها در یازده سپتامبر - که در این مقاله مجال پرداختن به علل و عوامل آن را نداریم که کار سیا بود یا القاعده - دستاویزی که آمریکا می‌خواست، ایجاد شد و این طرح را علنی کردند. بیست سال پیش‌تر از آن صهیونیست‌ها آماده و اصلاحاتی را در دوران شیمون پرز بر روی صورت داده و اسمش را «خاورمیانه بزرگ» گذاشته بودند. رفتند به سمت اینکه منطقه خاورمیانه را به دلیل اهدافی که دارند، بر اساس اعتقاد و مذهب به واحدهای کوچک‌تر تقسیم کنند. یعنی برداشتن قدم بعدی پیمان وستفالی که یهودیان پس از سقوط امپراتوری عثمانی به نتیجه رسانده بودند.

برنامه‌ای که براساس یک برآورد دقیق و حاصل مطالعه وضعیت منطقه ، از لحاظ فقر و ثروت و وضعیت اجتماعی کشورها نوشته شده بود و نشان می‌داد که ۸۰ درصد جمعیت کشورهای عرب منطقه در آغاز قرن بیستم بی‌سواد هستند و با فقر و مشکلات عدیده امنیتی، اجتماعی و فرهنگی و بیکاری وحشتناک دست به گریبانند و هر کسی از این کشورها هم که استعدادی داشت و تحصیل می‌کرد، خود غربی‌ها وی را جذب می‌کردند. نظام‌های استبدادی، دیکتاتوری و عشیره‌ای منطقه در برابر دموکراسی بی معنا بودند؛ از این رو بر اساس آگاهی از این وضعیت آمریکایی‌ها گفتند باید نوعی وحشت در دل کشورهای منطقه و مستبدان ایجاد و حکومت‌ها را تغییر داده و کشورها را تجزیه کنند.

در واقع سناریو ۱۱ سپتامبر پر کردن خلا دشمن و ایجاد دشمن فرضی بود. در واقع بهانه در خلأ دشمن فرضی جور شده بود؛ لذا تروریسم را جایگزین کمونیسم کردند و وارد منطقه شدند و در دوره استراتژی «خاورمیانه بزرگ» برخلاف گذشته که اهداف خود را از طریق کار سیاسی، نرم و فرهنگی دنبال می‌کردند، در این مقطع دست به لشکرکشی کردند. بیش از ۱۸۰ هزار نیرو در عراق و همچنین بیش از ۷۰ هزار نفر در افغانستان پیاده کردند.

اتفاقات یکی پس از دیگری می‌افتد. در جایی که آمریکا خودش را در نقطه اوج تصور می‌کند، از همان جا یکسری اقدامات و تحولات و رویدادها به وقوع می‌پیوندد که روز به روز ابهت و هیمنه آمریکا را به چالش می‌کشد که در ادامه به آنها می‌پردازیم:

استراتژی‌های مقابله‌ای انقلاب

از اینجا به بعد در مقابله با آمریکا، انقلاب اسلامی هم استراتژی‌هایی طراحی می‌کند که بعدها به فرصت‌های ما تبدیل می‌شوند. برای نمونه وقتی نگاه می‌کنید در هشت سال جنگ نتوانستیم دولت عراق را ساقط کنیم؛ ولی وقتی آمریکایی‌ها با هدف انهدام انقلاب اسلامی به منطقه یورش آوردند، فرصت‌های را برای شکوفایی ظرفیت‌های انقلاب اسلامی ایجاد می‌کند.

بر اساس این نگرانی در کشور باید استراتژی مقابله طراحی می‌شد که مانع از تحقق اهداف آمریکایی‌ها شود. در گذشته حضور آمریکایی‌ها در منطقه در نهایت با یکی دو ناو و ناو هواپیمابر و اینها بود و یک پایگاه در بحرین داشتند؛ ولی اینجا در شرق و غرب ایران نیرو پیاده کردند، از جنگ اول خلیج‌فارس در جنوب ایران نیرو مستقر کردند، در قطر، عربستان، امارات، شمال آذربایجان، ترکمنستان، قرقیزستان و حتی تاجیکستان پایگاه زدند و دور تا دور ایران را محاصره کردند. در نهایت، اگر در افغانستان و عراق موفق می‌شدند، بعد به سراغ ایران می‌آمدند؛ اما در جبهه مقاومت بنا بر این گذاشته شد که اینها شکست بخورند یا حداقل به استراتژی‌ها و اهداف خود نرسند. در افغانستان جبهه متحد اسلامی سازمان‌دهی شد و بلافاصله کابل و هرات را گرفتند و برخلاف اینکه آمریکایی‌ها به آنها می‌گفتند حق جلو رفتن ندارید، اما اینها پیش رفتند و نهایتاً پس از پیروزی بر آمریکا حاکم شدند. در عراق هم وضعیت به نوعی دیگر بود، چنان که به اذعان کارشناسان آمریکایی، دو دشمن جمهوری اسلامی ایران، یعنی طالبان و صدام، یکی در شرق و دیگری در غرب کشور ایران، با حماقت تحت حمله آمریکا به منطقه از بین رفتند؛ در حالی که آمریکایی‌ها قصد داشتند از طریق آنها محاصره ما را کامل کنند. از این رو، اولین دستاورد سیاست خاورمیانه بزرگ آمریکا این بود که با دست خودش افغانستان را در جبهه مقاومت اسلامی به رهبری جمهوری اسلامی ایران قرار داد.

در همین حین صهیونیست‌ها که از چند سال پیش در دوره نظم نوین جهانی بخش‌هایی از جنوب لبنان را اشغال کرده بودند، مجبور به عقب‌نشینی شدند و در عراق نیز نتوانستند مطابق با سیاست‌گذاری‌ها و اهداف جلو بروند.

هزینه‌ها و شکست‌های آمریکا

پس از عدم توفیق در نیل به اهداف با ابزار نظامی، اقدامات گسترده سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و بخشی هم امنیتی آمریکا شروع شد که هزینه‌های سنگین و سختی را در شش محور به آمریکا تحمیل کرد. آمریکایی‌ها در طرحشان موفق نشوند و هزینه‌های سخت و سنگینی متحمل شوند. در شش محور اول اقتصاد بیش از شش تریلیون دلار در آنجا هزینه کردند که خیلی سنگین بود و در نهایت سبب شد آمریکا برای اولین بار در فاز اقتصادی بدهی بزرگ ۱۶ تریلیون دلاری داشته باشد؛ آمریکایی‌هایی که از آغاز امپراتوری خود هیچ‌گاه دچار کسری

دیگر آمریکا ابرقدرت نیست؛ بلکه به یکی از قدرت‌های جهان در کنار دیگر قدرت‌ها تبدیل شده است. نظام تک قطبی و دو قطبی دیگر نداریم. قدرت‌های نوظهور منطقه‌ای و محلی در حال ظهور هستند. در واقع در نظام بین‌الملل تغییر داریم و هرچه جلوتر برویم، افول آمریکا سریع‌تر می‌شود؛ از این رو برآورد بسیاری از کارشناسان این است که سال ۲۰۵۰ دیگر ایالات متحده آمریکا وجود ندارد.

بودجه نشده بودند و این نشانه افول است.

دوم نیروی انسانی است، آنها ده هزار کشته و پنج هزار خودزنی داشته‌اند. بیش از پنج هزار نفر معلول هم داشته‌اند که همه اینها از دید جامعه رفاه‌زده آمریکا فاجعه است؛ چرا که این همه مالیات داده‌اند؛ اما این همه تلفات انسانی داشته‌اند. این موضوع سبب تحمیل هزینه سوم که همان ضدیت و اعتراضات افکار داخلی و جهانی است به آنها شد. از سوی دیگر زمینه را برای تحمیل هزینه چهارم یعنی از بین رفتن وجهه آمریکا در جهان شد. به عبارتی، ابهت پوشالی آمریکا از بین رفت؛ در حالی که در جهان از حقوق بشر و صلح امنیتی و آزادی سخن می‌گفتند؛ عملکردشان در منطقه مغایرت داشت و این وجهه آنها را در جهان و منطقه فروریخت. مهم‌تر از همه هیمنه و اقتدار و مجد و عظمت‌شان به منزله تنها ابرقدرت جهان فرو ریخت و با اینکه این همه لشکر و تجهیزات به عراق آوردند، نتوانستند نقش اساسی در این کشور ایفا کنند.

جنگ ۳۳ روزه
و شکست هیمنه رژیم صهیونیستی

در این میان یکی دو اتفاق دیگر هم می‌افتد که به این دیدگاه کمک می‌کند. یکی جنگ ۳۳ روزه لبنان هست. با توجه به اینکه یکی از هدف‌های اینها تأمین امنیت رژیم صهیونیستی است، برای از بین بردن حزب‌الله به لبنان حمله می‌کنند، اما برخلاف تصور آنها در جنگ ۳۳ روزه با یک گروه کوچک نظامی که کلاً چهار تا پنج هزار نیروی رزمنده داشت شکست خوردند.

حزب‌الله توانست متحد راهبردی آمریکا و سومین ارتش جهان را شکست دهد که بی‌سابقه بود. حتی دورانی که کل اعراب یک طرف و رژیم صهیونیستی طرف دیگر بود، این سابقه وجود نداشت. کل جمعیت ثابت رژیم صهیونیستی یک و نیم میلیون نفر بودند و ارتشش صد هزار نفر که در برابر اعراب پیروز شدند؛ اما حالا معادله برعکس شده و حتی یک دولت نیست که با این رژیم می‌جنگد؛ بلکه یک تشکیلات کوچک است که در مقابل رژیمی می‌ایستد که در زمینه هوایی، دریایی و زمینی و همچنین در نیرو و تجهیزات اصلاً قابل قیاس با این رژیم تا بن دندان مسلح نیست. هدف آن‌ها نابودی حزب‌الله بود؛ اما نتیجه شکست آن هیمنه شد و رژیم صهیونیستی برای اولین بار شکست سختی را متحمل شد که خود در شکست سیاست‌های کلان آمریکا نقش مهمی داشت.

اهداف‌شان تأمین امنیت رژیم صهیونیستی، تسلط بر انرژی در منطقه و مهار شعاع گسترش تفکر انقلاب اسلامی بود که نتوانستند هیچ کدام را محقق کنند. هدف چهارمی هم داشتند و آن، اینکه ژئوپلیتیک منطقه را تغییر دهند که در این اهداف نه تنها عقیم ماندند، بلکه بستر را برای حضور و بروز بازیگران دیگر فراهم کردند. در واقع، به جای تحقق خاورمیانه جدید وقایع دیگری اتفاق می‌افتد که رهبر معظم انقلاب درباره آن اصطلاح «خاورمیانه اسلامی» را به کار بردند.

در عراق، در لبنان و جاهای دیگر هیمنه ابرقدرتی آمریکا فرو ریخت و نشان داد در عمل و میدان واقعی هیچی نیست که این زمینه‌ای برای موج سوم بیداری اسلامی شد. این بیداری اسلامی در ۲۰۱۱ آغاز شد؛ اما زمینه‌های آن در همین دوران بود. ترس مردم منطقه از رژیم صهیونیستی ریخت و هیمنه صهیونیست‌ها که می‌گفتند ما مورد تأیید «یهوه» هستیم و در هر جنگی که شرکت کنیم، پیروز می‌شویم، از هم پاشید. یک دورانی شش روزه بر ارتش کل جهان عرب پیروز شدند، اما حالا اول ۳۳ روز، بعد ۲۲ روز، بعد ۸ روز و در روزهای اخیر هم دیدیم که دو روزه شکست می‌خورند.

آمریکا هم که مدعی بود شوروی را کنار زده و تنها ابرقدرت است، دیگر هیمنه نداشت. این یک مرحله از روند افول قدرت آمریکا است. اینجا اگر جمله رهبری را به یاد بیاوریم که می‌فرمایند «ما شاه را از منطقه بیرون کردیم و حالا شما را هم از منطقه بیرون می‌کنیم»، دقت پیش‌بینی تحلیلی معظم‌له و ترسیم آینده پیروز اسلام را خواهیم دید.

آمریکا در سراشیبی سقوط

قرن ۲۱ آغاز سریع و شتابان فروپاشی آمریکا است. چنانکه قرن بیستم آغاز قدرت گرفتن و به اوج رسیدن این امپراتوری بود. الآن در سراشیبی سقوط است و این سراشیبی هم تدریجی است و هرچه جلوتر برود سرعتش بیشتر می‌شود.

الآن ترامپ نماد ناسیونالیسم افراطی است. در قرن بیستم نمونه‌هایی از ناسیونالیسم افراطی داشتیم. نازیسم و اتفاقات اروپا را داشتیم. اما در آمریکا به دلیل کسب تجربه از اروپا این اتفاقات نیفتاد و امروز ترامپ برای اولین بار آمده و یک ناسیونالیسم افراطی را در این کشور به راه انداخته است. اروپایی‌ها می‌گویند نگران تجدید حیات دوباره ناسیونالیسم هستیم. جمع‌بندی این است که عملکرد ترامپ خسارت‌هایی برای ما دارد؛ اما همین بی‌خردی و اقداماتش بیشترین فایده را برای ما دارد؛ چرا که روند فروپاشی و افول را سرعت می‌دهد و جامعه آمریکا را دچار شکاف و تزلزل می‌کند. همین الآن جامعه آمریکا مستعد تجزیه است و این روند تشدید می‌شود و یکی از اساسی‌ترین مسائل در افول و فروپاشی آمریکا همین تجزیه آن است.

نکته دیگر، شکاف بین آمریکا و اروپا است که هر روز بیشتر می‌شود و چون ترامپ فرد کاسبکاری است و اساس کارش را روی تجارت گذاشته است و شخصیت تعریف شده دیپلماتیک ندارد، اروپایی‌ها هم احساس خطر می‌کنند و درصدد راه‌اندازی بانک جدا و تشکیلات نظامی جداگانه هستند. پیروی محض و بی‌چون و چرا دیگر ندارند و اختلافات زیادی پیدا کرده‌اند. ناسیونالیسم افراطی هم نگرانی اروپایی‌ها را تشدید کرده است. از این رو، اگر بگوییم انتخاب ترامپ عطیه خفیه الهی برای جبهه مقاومت و انقلاب اسلامی است، به گزاف نگفته‌ایم؛ چرا که خود آمریکایی‌ها هم از آن ناراحتند.

دوره چهارم،
استراتژی قدرت هوشمند

مرحله بعد که به آن اشاره می‌کنیم استراتژی قدرت هوشمند نام دارد که برگرفته از استراتژی خاورمیانه بزرگ است. شعار اصلی اوباما تغییر بود. وی تصور می‌کرد، با بدهی ۱۶ تریلیون دلاری که قدرت و قوت آمریکا به لحاظ مالی مثل قبل نیست، پس نمی‌توان سیاست‌های آمریکا را با قدرت سخت دنبال کرد، در ضمن آن‌ها تلفات سنگینی هم داده بودند که برای جامعه مرفه آمریکا قابل پذیرش و ادامه دادن نبود. آبروی آمریکا هم در جهان رفته بود؛ از این رو به اجبار به سمت تدوین استراتژی قدرت هوشمند رفتند. سران کاخ سفید با تجربه دوره نظم نوین که رویکرد نرم داشتند و تجربه دوره خاورمیانه جدید که رویکرد سخت داشتند، این بار با رویکرد ترکیبی عمل کردند و گفتند چرا هزینه‌های تحقق اهداف را باید ما بدهیم، لذا هزینه‌ها برعهده شیوخ عرب، از جمله عربستان، امارات کویت و قطر افتاد. در مسئله بعدی هم گفتند چرا ما باید نیرو بیاوریم، لذا رفتند به سمت سازمان‌دهی نیروهای تکفیری در منطقه که یک مرتبه شما دیدید حجم عظیمی از نیروهای تکفیری و وهابی سازماندهی شده و آموزش دیده و با فرماندهی دقیق وارد صحنه منطقه شدند که بر عکس سربازان آمریکایی انگیزه هم داشتند.

آنها نه تنها تناقض عمل با شعارهای لیبرال دموکراسی و حقوق بشر و آزادی را می‌پوشاندند بلکه اوباما در عملی هوشمندانه در وهله بعدی برای ترمیم و تقویت وجهه بین‌المللی آمریکا به ایجاد ائتلاف جهانی مبارزه با تروریسم به رهبری این کشور اقدام کرد.

در این دوره اتفاقاتی می‌افتد که هر کدام زیبایی‌های خود را دارد. روند اتفاقات در تداوم اتفاقات قبل سرعت بیشتری می‌گیرد. در دوره نظم نوین رویدادهای اساسی مهم نیفتاد، کلاً حمله صدام به کویت و جنگ خلیج‌فارس و شکل‌گیری اتحادیه اروپا و... را داشتیم. اما در دوره بعد سه واقعه مهم سقوط صدام، سقوط طالبان و جنگ ۳۳ روزه و مابقی جنگ‌ها با رژیم صهیونیستی اتفاق می‌افتد که علی‌رغم تلاش اوباما برای مدیریت، اما کار از دستش خارج شده و نشانه‌ای دیگر از افول آمریکا نمایان شد.

جنگ ۲۲ روزه و هشت روزه دو اتفاق مهم بود. فلسطین تا آن تاریخ فقط شکست و تحقیر در مقابل رژیم غاصب صهیونیستی را تجربه کرده بود، اما در جنگ ۲۲ روزه و هشت روزه اولین شکست‌های سخت از سوی مبارزان فلسطینی به این رژیم وارد شد. از انقلاب سنگ سال ۲۰۰۰ تا این دو جنگ تفاوت سلاح را ببینید، در دوازده سیزده سال اعتماد به نفس پیدا کردند و شکست نخوردند.

دومینوی سقوط دیکتاتورهای منطقه که جریانی ضدآمریکایی بود، از ۲۰۱۱ شروع شد. بن‌علی، مبارک، قذافی، علی‌عبدالله‌صالح و... ان‌شاالله سقوط مابقی هم اتفاق خواهد افتاد.

سال ۲۰۱۱ را می‌توان سال خروج آمریکایی‌ها از عراق دانست. ۲۵۰ هزار نیروی نظامی در عراق و افغانستان با توافق آمریکا حدود ۱۵ هزار نفر می‌شوند و نتیجه اینکه آمریکا رسماً می‌پذیرد اشغال نظامی و حضورش جواب نداده است. لذا به سمت جنگ نیابتی می‌روند. بین دوران نوری مالکی و حیدر عبادی یک مرتبه پنج استان عراق اشغال نظامی می‌شود و نیروهای داعش تا ۵ کیلومتری بغداد می‌رسند؛ چون در انتخابات شکست خورده بودند؛ لذا از مرحله سیاسی وارد مرحله نظامی شدند، همانجا به دلیل رعب و وحشتی که داشتند، عراقی‌ها بر اساس برآورد آمریکایی‌ها می‌گفتند مبارزه با داعش ۱۵ سال طول می‌کشد. حالا آمریکا که به وجود آورنده و حرکت‌دهنده و مدیریت‌کننده داعش است، می‌آید و ژست مبارزه با داعش را می‌گیرد. ورود مستشاری جمهوری اسلامی ایران در صحنه تحولات عراق که به درخواست مسئولان این کشور است، تمام تهدیدات را به فرصت‌های جدید تبدیل می‌کند. راهبرد شکست داعش در عراق سپس شکست در سوریه و تولد جریان‌هایی، مانند حشدالشعبی، دفاع وطنی، فاطمیون، زینبیون و... سیاست جنگ نیابتی در استراتژی جنگ هوشمند را با ناکامی مواجه می‌کند.

از ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۶ که این استراتژی حاکم است، دوباره آمریکایی‌ها در اهداف‌شان موفق نشدند. سوریه در جغرافیای مقاومت و پل ارتباط با یگان‌های مقاومت بود. آنها به سمت اسقاط حکومت سوریه رفتند؛ اما نه تنها این اتفاق نیفتاده؛ بلکه سوریه پس از هفت سال مقاومت در برابر نظام سلطه قدرتمندتر شده و جریان‌های دفاعی مردمی و جدیدی ایجاد شده که جان تازه‌ای به ارتش سوسیالیست سوریه بخشیده و آن را به ارتش جدیدی که امروز به راهبردهای نامتقارن جنگ هم احاطه دارد، تبدیل کرده است. حالا تهدید اسرائیل نیز تشدید شده است. قبلاً تهدید اسرائیل فقط از جنوب لبنان بود؛ اما حالا از سوریه هم این تهدید تشدید و امنیت اسرائیل دچار مخاطره شدید شده است. بنابراین روند افول قدرت آمریکا در دوره اوباما نیز از حرکت نایستاد؛ بلکه تشدید شد. توان تغییر در ژئوپلیتیک منطقه را نداشتند و وجهه ابرقدرتی آمریکا از این منظر نیز حفظ نشد. در اقتصاد هم نه تنها امتیازی نگرفتند؛ بلکه بر روند کسری بودجه افزوده شد. البته رکود اقتصادی آنها با فروش سلاح به کشورهای مرتجع منطقه کمی کاهش پیدا کرده است.

پرونده یمن نیز نشانه دیگری از این افول است. یمن سال ۲۰۱۵ به دست انصارالله افتاد. الآن رشد انصارالله بسیار عالی بوده و یک جنبش بدون دولت همه مسائل کشور را به دوش می‌کشد و مقابل تمام دنیا ایستاده و انصافاً کارهای بزرگی کرده‌اند که نسبت به حزب‌الله چندین برابر است.

الآن اضلاع جبهه مقاومت بیشتر شده است. حزب‌الله، حماس، حشدالشعبی و انصارالله و... استعداد انصارالله امروز چندین برابر حزب‌الله است و بیش از یک میلیون نیروی رزمنده دارد.

در این دوره جریان اخوانی از جریان وهابی و تکفیری جدا شدند. کودتای ترکیه، حماقت عربستان در مورد قطر، اتفاقات و خیانت به اخوان در مصر و... قبلاً جنگ شیعه و سنی را مطرح می‌کردند؛ اما الآن جنگ اسلام حقیقی با تکفیر است و نتایج آن را هم در جاهای مختلف می‌بینید.

در کل شما از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸ هر اتفاقی می‌بینید که آمریکایی‌ها برنامه‌ریزی کرده‌اند یا واقع شده، هیچ یک برای آنها موفقیت‌آمیز نبوده و حتی نتیجه معکوس هم داده است و صحنه را تحویل داده‌اند. فقط در مصر موفقیت داشتند و انقلاب مصر را استحاله کردند.

دوره پنجم، ترامپ و
ناسیونالیسم‌افراطی

در دوره آخر که دوره ترامپ است، به دلیل ناشی‌گری ترامپ و شخصیت‌های غیر قابل پیش‌بینی که دارد، استراتژی و دکترین خاصی برای آمریکا دیده نمی‌شود و گویی با سردرگمی خاصی در این برهه مواجهند و حتی سند ملی در دوران ترامپ ارائه نشده است. در کوتاه‌مدت شاید در شاخصه‌های اقتصادی موفق بوده اما در بلندمدت صد درصد آمریکا به سمت تجزیه خواهد رفت. در سطح بین‌الملل هم در برابر همه دنیا گارد می‌گیرند و می‌خواهند اخاذی کنند؛ اما کسی از آنها دیگر حساب نمی‌برد.

نتیجه این روندها این شده است که دیگر آمریکا ابرقدرت نیست؛ بلکه به یکی از قدرت‌های جهان در کنار دیگر قدرت‌ها تبدیل شده است. نظام تک قطبی و دو قطبی دیگر نداریم. قدرت‌های نوظهور منطقه‌ای و محلی در حال ظهور هستند. در واقع در نظام بین‌الملل تغییر داریم و هرچه جلوتر برویم، افول آمریکا سریع‌تر می‌شود؛ از این رو برآورد بسیاری از کارشناسان این است که سال ۲۰۵۰ دیگر ایالات متحده آمریکا وجود ندارد.

ژنرال بازنشسته
سفیر جدید آمریکا در ریاض

در حالی که پست سفیر آمریکا در عربستان سعودی از سال ۲۰۱۴ خالی بوده است، اکنون رئیس‌جمهور این کشور یک ژنرال چهار ستاره بازنشسته ارتش را برای این سمت به مجلس سنا معرفی کرد. ترامپ تمایل خود را برای انتخاب ژنرال «جان ابی‌زید» آمریکایی لبنانی‌تبار به عنوان سفیر جدید این کشور در ریاض اعلام کرده است.

پنجره

اهداف عراق در منطقه

□ **قاسم غفوری/** برهم صالح رئیس‌جمهوری عراق در سفری دوره‌ای راهی کویت، امارات و برخی دیگر از کشورهای عربی منطقه شد. با توجه به اینکه بسیاری از این کشورهای عربی نقشی غیر سازنده در معادلات عراق دارند، در زمان برگزاری انتخابات این سؤال مطرح می‌شود که چرا برهم صالح اولین محور سفر دوره‌ای خود را به کشورهای عربی اختصاص داده است، در حالی که این سفر می‌توانست به جمهوری اسلامی ایران یا کشورهای اروپایی و آمریکا باشد؟

پاسخ به این پرسش را در شرایط داخلی و بیرونی عراق می‌توان جست‌وجو کرد. یکی از نکات مطرح در سیاست خارجی کشورها توجه به شرایط داخل است، عراق نیز از این قاعده مستثنی نیست. بررسی ترکیب جمعیتی عراق نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از این جریان‌های سیاسی و مردم بر اصل عربیت تأکید دارند و بر این اساس نیز ارتباط عربی یکی از اصول سیاست خارجی عراق است. با توجه به این شرایط می‌توان گفت که بخشی از دلایل سفر برهم صالح به کشورهای عربی منطقه برگرفته از مطالبات داخلی بوده است که می‌تواند مؤلفه‌ای برای تثبیت موقعیت وی در مقام رئیس‌جمهور در میان مردم و جریان‌های سیاسی باشد. البته باید به این مهم نیز توجه داشت که صالح بارها تأکید داشته در سیاست خارجی به دنبال تعامل همه‌جانبه با همه همسایگان است و در این مسیر هر تلاشی خواهد کرد.

نکته مهم دیگر نقش برخی از کشورهای عربی در روند تحولات عراق است. برخی از این کشورها از یک سو در فهرست حامیان گروه‌های تروریستی علیه عراق بوده‌اند و از سوی دیگر در روند انتخابات تقلای بسیاری برای برگزار نشدن انتخابات یا وارد کردن جریان‌های همسو با خود در پارلمان عراق داشته‌اند. با توجه به این شرایط سفر برهم صالح را می‌توان نوعی اتمام حجت با این کشورها دانست، چنانکه وی بارها بر لزوم احترام همگان به استقلال عراق و نیز پاسخگویی عراق به مداخلات خارجی تأکید کرده است.

نکته مهم دیگر آنکه، عراق در کنار تحقق روند سیاسی و مبارزه با تروریسم برای رسیدن به امنیت پایدار، رسیدن به موقعیت اقتصادی مناسب به منظور بازسازی ویرانه‌های کشور و تحقق مطالبات مردمی را از اهداف کلان خود می‌داند. این موضوع نیز نیازمند بهره‌گیری از منابع مالی نفتی است، چنانکه عراق تلاش دارد تا خود را در جمع بزرگ‌ترین صادرکنندگان نفت معرفی کند. با توجه به اینکه بخش عمده‌ای از صادرکنندگان نفت از جمله در اوپک را کشورهای عربی تشکیل می‌دهند می‌توان بخشی از اهداف سفر صالح را هماهنگی در حوزه نفت دانست که بی‌ارتباط به وضعیت اقتصادی این کشور نیست. در این میان به این امر باید توجه داشت که از بهانه‌های غرب به ویژه آمریکا و انگلیس برای حضور نظامی و دخالت در امور عراق، مشکلات اقتصادی این کشور است؛ لذا سران بغداد برآنند تا با رایزنی‌های منطقه‌ای با محوریت اقتصادی، تقویت اقتصاد عراق را رقم زده و این بهانه را از کشورهای غربی بگیرند.

با توجه به آنچه ذکر شد می‌توان گفت که سفر برهم صالح به کشورهای عربی نه برگرفته از وابستگی عراق به این کشورها، بلکه برگرفته از نیازهای داخلی و البته مقابله با دخالت‌های منفی است که بسیاری از این کشورها در امور عراق داشته‌اند، در حالی که همزمان عراق سعی دارد ارتقای جایگاه خود را در میان کشورهای عربی به عنوان بازیگری فعال و مؤثر در معادلات منطقه‌ای رقم بزند و لذا ادعای رویکرد یکجانبه عراق به ساختار عربی‌اش ادعایی نادرست بوده، چنانکه سران این کشورها همواره تأکید کرده‌اند که حاضر به کنار نهادن روابط همه‌جانبه با همسایگانی همچون ایران که همواره در کنار ملت و دولت عراق بوده‌اند، نیستند.

فراسو

نگاهی به سخنان متفاوت سران اروپا

تقلای اروپا برای استقلال نظامی از آمریکا

□ **رضا اشرفی/** اگر چه آمریکا بر اساس مهاجرت و فرار کنجکاوان و یاغیان اروپایی شکل گرفت؛ اما تحولات چند دهه بعدی به ویژه پس از دو جنگ جهانی سبب شد اروپا زیرمجموعه قدرت آمریکا قرار بگیرد و استقلال رفتاری خود را از دست بدهد. عمده این تغییر متأثر از ضعف سیاسی، اقتصادی، نظامی و... اروپا بود. به ویژه آنکه کمونیسم شورایی، این منطقه را تهدید می‌کرد و آمریکا همین مسئله را بهانه‌ای قرار داد تا هم مجموعه منافع دوره استعماری اروپایی را در اختیار خودش بگیرد و هم اینکه با تبلیغ علیه کمونیسم با آن مبارزه کرده و راه افزایش قدرت خود را تداوم بخشد.

اروپا نیز چاره‌ای جز همین نداشت و مهم‌ترین دلیل آن نیز این بود که اختلافات بین خودشان برای افزایش قدرت، جنگ‌هایی را در سطح جهانی رقم زد که در نهایت قدرت‌شان را رو به افول برد تا آمریکا بر آنها مسلط شود. بنابراین تمرکز قدرت از اروپا به آمریکا منتقل شد. با وجود این، اروپایی‌ها از همان ابتدا به دنبال راهی بودند که در آینده به بخشی از قدرت خود بازگردند. به همین دلیل راه اتحاد را پیمودند تا اینکه به اتحادیه تبدیل شدند. نمایش و نشانی از اینکه نه تنها از اختلافات خونین قبلی فاصله گرفته‌اند؛ بلکه خواهان توافق با یکدیگر و کسب قدرت هستند. موضوعی که آمریکا از ابتدا زیر نظر داشته و به راحتی اجازه این کار را نداده است.

«جامعه زغال سنگ و فولاد اروپا» و «جامعه اقتصادی اروپا» از اولین گام‌هایی بود که چند کشور اروپایی تشکیل دادند و همین اشتراکات به شکل‌گیری «پیمان اتحادیه اروپا» در ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی انجامید و بر همین اساس اتحادیه اروپا شکل گرفت. همین روند به سمتی پیش رفت که برخی از کشورهای اروپایی پول ملی خود را فدای اتحاد کردند و یورو را به منزله واحد پولی و ارزی برگزیدند. سپس نهادهایی همچون شورای اروپایی، شورای اتحادیه اروپایی، کمیسیون اروپا، دادگاه اروپا، پارلمان اروپا، بانک مرکزی اروپا و دیوان محاسبات شکل گرفتند تا مسیر اتحاد را محکم‌تر کنند.

آمریکا که در منطقه اروپا نفوذ بسیار دارد و بخش قابل توجهی از تسلیحات و زندان‌هایش در این منطقه مستقر هستند، از همان ابتدا مراقب و نگران رفتارهای استقلال‌محورانه این اتحادیه بوده است. آمریکایی‌ها به خوبی می‌دانند اتحادیه اروپا که به دنبال شیوه اتحاد «ایالات متحده» هستند، یورو را در برابر دلار انتخاب کرده‌اند تا در صورت قدرت‌گیری، جایگزین این ارز کنند. موضوعی که کم‌کم در جهان نیز در حال زمزمه شدن است و دیگر کشورها از جمله روسیه و چین خواهان پایان یافتن امپراتوری دلار در جهان هستند. در چنین وضعیتی از اروپا نیز مواضعی در این باره شنیده می‌شود.

امانوئل مکرون در این باره گفت: «تاکنون ما نتوانسته‌ایم یورو را به اندازه دلار تقویت کنیم. ما سال‌های گذشته اقدامات خوبی صورت داده‌ایم؛ اما هنوز کافی نیست. این مسئله برای من موضوع حفظ حاکمیت است. بنابراین می‌خواهم در همکاری بسیار نزدیک با نهادهای مالی‌مان، در سطح اروپا و با تمام شرکا این قابلیت را ایجاد کنیم که وابستگی کمتری به دلار آمریکا داشته باشیم... یورو باید یکی از این جایگزین‌ها باشد و این به معنای آن است که باید ساختارهای

در جنگ آمریکا و اروپا پیروزی هر یک می‌تواند قدرت طرف مقابل را به شدت کاهش دهد. به ویژه اگر آمریکا شکست بخورد، عملکرد روسیه و چین و متحدان‌شان سبب خواهد شد واشنگتن هژمونی جهانی خود را از دست بدهد

مالی خود و همچنین تأمین مالی بازیگران اقتصادی‌مان در سطح منطقه یورو را ارتقا بخشیم.»

رئیس‌جمهور فرانسه که علاقه دارد همچون ژنرال دوگل عمل کرده و شمه‌ای از استقلال را نشان دهد، تنها درباره دلار و یورو موضع نگرفته و درباره ارتش اروپایی و استقلال نظامی تأکید کرده است: «ما نمی‌توانیم از اروپایی‌ها حفاظت کنیم مگر اینکه یک ارتش اروپایی واقعی داشته باشیم.» مکرون این موضوع را به روزنامه آمریکایی «وال‌استریت ژورنال» گفت. در فاصله بسیار کوتاهی فلورانس پارلی، وزیر دفاع فرانسه نیز اظهار داشت: «اروپا نمی‌تواند برای همیشه پشت دیوار دفاعی آمریکا بماند.»

این مواضع تنها متعلق به فرانسوی‌ها نیست؛ بلکه دیگر کشورهای اروپایی نیز خواهان چنین استقلالی هستند. در این زمینه آلمان بسیار جدی است؛ اما مسئله این است که در این برهه فرانسه بی‌پرواتر سخن گفته و همین مسئله موجب شده است دونالد ترامپ به آن واکنش نشان دهد و در توئیتر خود بنویسد این «خیلی توهین‌آمیز است، ولی شاید اروپا بهتر باشد اول سهم عادلانه‌اش را در ناتو که آمریکا خیلی زیاد به آن یارانه داده، بپردازد!» این جنگ لفظی در آینده بیشتر خواهد شد و حتی به سمت میادین قدرت پیش خواهد رفت؛ اما به هر جهت اروپا هنوز دست به عصا حرکت می‌کند؛ زیرا می‌داند از نظر نظامی، اقتصادی و... از آمریکا ضعیف‌تر است.

با توجه به این تمایلات در اروپا، آمریکا نیز به دنبال روش‌هایی است تا از اتحاد این کشورها بکاهد. این مسئله در دوره ترامپ به عینه مشخص است. واشنگتن در این دوره نه تنها از برگزیت و خروج انگلیس از اتحادیه اروپا حمایت می‌کند؛ بلکه معتقد است دیگر کشورها نیز باید همین رویه را ادامه دهند. ترامپ به صراحت از ناسیونالیسم ضد اتحادیه در اروپا حمایت می‌کند. به گونه‌ای که پس از شکست ماری لوپن، رهبر رادیکالیسم ملی‌گرا در فرانسه، بسیاری از دولتمردان اروپا به ویژه در آلمان خوشحال شدند که چهره مورد نظر ترامپ در فرانسه رأی نیاورده است و به همین مناسبت مرکل به مکرون جدای از موفقیت در به دست گرفتن کرسی ریاست، تبریک گفت که اروپا در مسیر اتحاد قرار داده است.

با وجود این، رادیکال‌های مورد حمایت ترامپ در برخی از کشورهای اروپایی همچون نروژ از طریق ائتلاف، قدرت را به دست گرفته و در برخی دیگر از کشورها همچون آلمان وارد پارلمان شده‌اند. نئونازی‌ها پس از جنگ جهانی اول در سال گذشته برای اولین بار توانستند این موفقیت را جشن بگیرند. بنابراین به همان نسبت که اروپا خواهان اتحاد، قدرت و استقلال است، آمریکا در پی واگرایی، ضعف و وابستگی اروپا است. در این جنگ پیروزی هر یک می‌تواند قدرت طرف مقابل را به شدت کاهش دهد. به ویژه اگر در این میان آمریکا شکست بخورد، عملکرد روسیه و چین و متحدان‌شان سبب خواهد شد واشنگتن هژمونی جهانی خود را از دست بدهد. در این میان، رویکرد اروپا به استقلال نظامی از آمریکا مسئله‌ای است که مطالبه مردم اروپا از دولتمردان بوده و آنانی که سوار این موج می‌شوند، می‌توانند به حفظ یا کسب قدرت امیدوار شوند.

رخنه

نفوذ آل‌سعود در جهان اسلام ـ ۳۹

سایه پادشاهی عربستان بر قرقیزستان

□ **عبدالله عبادی/** منطقه آسیای مرکزی تحت عوامل داخلی و خارجی متعددی با تهدیدات جدیدی روبه‌روست که می‌تواند بر رشد رفتارهای سکولاریسم در این کشورها مؤثر باشد و در سرعت حرکت این کشورها به سوی مدرنیزه شدن اثر منفی بگذارد.

افزایش افراط‌گرایی و گسترش سلفی‌گری در کشورهای اتحاد جماهیر شوروی سابق با سرعت بالا رو به رشد است که چنین روندی برای روسیه نیز یک مشکل بزرگ محسوب می‌شود.

بی‌ثباتی و ناپایداری رشد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در این کشورها، پایه و اساسی برای مقابله با ترویج افکار افراطی است و انتقال قدرت به مثابه یکی از روندهای قابل ملاحظه در حوزه امنیت، باید به نحو احسنت انجام شود. گسترش و ترویج افراط‌گرایی در آسیای مرکزی و قفقاز تا حد بسیاری به موقعیت جغرافیایی و نزدیکی این منطقه با افغانستان مربوط می‌شود. مرز مشترک افغانستان با سه کشور آسیای میانه و حفاظت نکردن صحیح از آن موجب شد این منطقه به کریدوری برای انتقال مواد مخدر تبدیل و درآمد آن صرف افراط‌گرایی و رشد وهابیت و در نهایت تروریسم شود، برای نمونه حمله تروریستی در ماه آوریل ۲۰۰۹ در سن پترزبورگ روسیه از سوی یک وهابی قرقیز به نام اکبرجان جلیلوف صورت گرفت.

قرقیزستان یکی از فقیرترین کشورهای حوزه قفقاز است، این کشور دارای ۵/۳ میلیون نفر جمعیت است که بیش از ۸۰ درصد آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند، متأسفانه ضعف اقتصادی این کشور سبب شد از بدو استقلال در اوایل دهه ۱۹۹۰ تا به امروز قرقیزستان به کمک‌های خارجی که عمدتاً از سوی کشورهایی نظیر آمریکا، انگلیس، رژیم صهیونیستی، عربستان، امارات و قطر ارائه می‌شود، وابسته و به نوعی زیر سلطه پنهان آنان باشد.

فقر فرهنگی و اقتصادی سبب شده در ده سال گذشته رشد سلفی‌گری در این کشور سرعت بسیاری داشته باشد و سازمان‌های تروریستی بسیاری چون؛ «حزب التحریر»، «توحید یا الجهاد»، «القاعده»، و «داعش» با نفوذ از مرزهای ازبکستان در این کشور رخنه و شروع به یارگیری کنند.

یکی از مشکلات جامعه مسلمان قرقیزستان این است که علمای مذهبی سنتی از تحصیلات و اطلاعات دینی بسیار پایینی برخوردار بوده و در برابر تحصیلکردگان دانشگاه‌های عربستان، پاکستان و امارات حرفی برای گفتن ندارند؛ ازاین‌رو جوانان رغبت بیشتری نسبت به آنان دارند. همچنین ضعف اقتصادی دولت و تخصیص نیافتن بودجه برای امور اسلامی موجب شده بخش بسیاری از مساجد موجود در این کشور را سازمان‌های وهابی وابسته به عربستان و قطر بسازند و اداره کنند، اما نکته جالب این ماجرا اینجاست که دولتمردان نه تنها درصدد رفع این مشکل نیستند؛ بلکه از ساخت و سازهای اعراب در کشورشان استقبال و پشتیبانی می‌کنند. دریافت رشوه‌های کلان دولتمردان قرقیزی از مسئولان عرب از مهم‌ترین دلایل این تصمیم‌گیری برشمرده می‌شود.

یکی از سازمان‌های تبلیغی عربستان که نقش پررنگی در گسترش وهابیت در قرقیزستان دارد، سازمان جماعت‌التبلیغ است. جماعت‌التبلیغ از اواخر دهه ۱۹۹۰ وارد قرقیزستان شده و طی حدود ۲۰ سال فعالیت‌های عمرانی و اجتماعی فراوانی در این کشور انجام داده است. ساخت جاده، برگزاری کلاس‌های آموزش کشاورزی، اعزام پزشک به مناطق دورافتاده و... از جمله اقدامات این سازمان است

بر اساس اخبار منتشر شده در پایگاه‌های عربی، عربستان سعودی در فاصله زمانی سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶ نزدیک به ۵۰۰ میلیون دلار در پروژه‌های مربوط به حمل‌ونقل، آموزش، بهداشت و انرژی سرمایه‌گذاری کرده که این اقدام نفوذ هرچه بیشتر رژیم آل‌سعود را در این کشور فراهم کرده است. آنچه مسلم است اینکه، ضعف و ناشایستگی مقامات و دولت مرکزی قرقیزستان عامل اصلی نفوذ لجام‌گسیخته سعودی‌ها در این کشور است. «اومورباک بابا نوف» نامزد ریاست‌جمهوری این کشور در مصاحبه با خبرنگاران در مسکو گفته بود، شمار مجرمان متهم به اعمال افراط‌گرایانه در چند اخیر بیش از سه برابر شده است و این زنگ خطر را برای ما به صدا درآورده است. وی گفته بود که افراط‌گرایان همانند آب در میان شن و ماسه در بین مردم و حتی مقامات دولتی نفوذ کرده‌اند.

یکی از سازمان‌های تبلیغی عربستان که نقش پررنگی در گسترش وهابیت در قرقیزستان دارد، سازمان جماعت‌التبلیغ است. جماعت‌التبلیغ از اواخر دهه ۱۹۹۰ وارد قرقیزستان شده و طی حدود ۲۰ سال فعالیت‌های عمرانی و اجتماعی فراوانی در این کشور انجام داده است. ساخت جاده، برگزاری کلاس‌های آموزش کشاورزی، اعزام پزشک به مناطق دورافتاده و... از جمله اقدامات این سازمان است. جماعت‌التبلیغ دارای یک شاخه مذهبی بوده که وظیفه آن ساخت مدارس قرآنی و مسجد است. در این مدارس و مساجد علمای وهابی ضمن آموزش زبان عربی و قرآن افکار ابن تیمیه را ارائه داده و ایدئولوژی وهابیت را تبلیغ می‌کنند. طی ۲۰ سال گذشته تبلیغات وهابیون توانسته تا حدودی مفید واقع شود و برخی از جوانان این کشور پیرو فرقه وهابیت شوند. جوانان فقیر قرقیزی پس از فراگیری آموزش‌های نظامی و تروریستی برای انجام مأموریت‌های انتحاری عازم سوریه و عراق شده و نقش مهمی در فعالیت‌های انتحاری داعش داشته‌اند. حضور بیش از ۱۰۰۰ قرقیزی در صفوف داعش دلیل بر این مدعاست.

یکی دیگر از فعالیت‌های خاص این سازمان حمایت از خانواده‌های بی‌سرپرست و کودکان یتیم است. اعضای این سازمان با شناسایی کودکان یتیم و خانواده‌های بی‌سرپرست با اعطای مواد غذایی و لباس سعی در حمایت از آنان دارد. بسیاری از این افراد و خانواده‌ها از سر مجبوری و فقر شدید جذب این سازمان‌ها شده و آمادگی خود را برای پذیرش وهابیت اعلام می‌کنند.

از دیگر سازمان‌های وهابی حاضر در این کشور می‌توان از سازمان رابطه العالم اسلامی که بزرگ‌ترین سازمان تبلیغی ـ مذهبی عربستان در سراسر جهان است، نام برد، عمال این سازمان با جست‌وجو در دبیرستان‌ها و دانشگاه‌های قرقیزستان افراد مستعد و واجد شرایط را انتخاب و برای آموزش به عربستان اعزام می‌کنند. برگزاری مسابقات قرآن کریم در ماه مبارک رمضان از جمله اقداماتی است که هر ساله این سازمان در مراکز وابسته به خود در قرقیزستان انجام می‌دهد و افراد برتر برای شرکت در مسابقات جهانی قرآن که هر ساله در ریاض برگزار می‌شود، انتخاب می‌شوند.

پارلمان قرقیزستان در سال ۲۰۱۶ و پس از تصدی پست پادشاهی از سوی سلمان‌بن‌عبدالعزیز در یک اقدام اشتباه به شهروندان کشورهای عرب حوزه خلیج‌فارس اجازه داد تا بدون روادید وارد این کشور شده تا به این ترتیب امکان سرمایه‌گذاری بیشتری را موجب شود، این قانون دروازه را بر وهابیت با اندیشه‌های تروریستی‌اش بر روی کشوری گشود که در یک منطقه بسیار حساس و مهم واقع شده که از چین شروع می‌شود و با گذر از روسیه و قفقاز تا خاورمیانه ادامه دارد.

رخداد

آتش‌بس ترامپی

□ **محمدرضا مرادی/** حدود دو هفته پیش وزرای خارجه و دفاع آمریکا در اقدامی هماهنگ تأکید کردند مذاکرات برای پایان دادن به بحران در یمن باید تا یک ماه آینده آغاز شود. وزیر خارجه آمریکا بر لزوم آتش‌بس در یمن تأکید و آن را ضامن ثبات یمن دانست. در ادامه این روند آمریکا اعلام کرد که از سوخت‌رسانی به جنگنده‌های ائتلاف سعودی در یمن خودداری خواهد کرد. در واقع آمریکا طی چند هفته اخیر در موضوع یمن خود را حامی آتش‌بس و پایان درگیری در یمن معرفی کرده است. اما این موضع و نگاه آمریکا با سابقه ۴۲ ماهه این کشور در جریان جنگ یمن همخوانی ندارد؛ چرا که آمریکا به عنوان بزرگ‌ترین حامی عربستان در این تجاوز بیشترین سهم را در طولانی شدن نبرد یمن داشته است. بنابراین ادعای آتش‌بس از همان ابتدا با نوعی فریب رسانه‌ای همراه بود.

چند روز پس از این ادعا ۱۰ هزار سرباز و مزدور ائتلاف سعودی به سمت مناطق غربی یمن اعزام شدند و به این ترتیب دروغ بودن تلاش آمریکا برای آتش‌بس در یمن ثابت شد. اما اوج این موضوع به شروع دور جدید حملات ائتلاف سعودی به بندر الحدیده برمی‌گردد. نبرد الحدیده که از خرداد ماه گذشته شروع شده بود با ناکامی ائتلاف سعودی به بن‌بست رسیده بود. اما پس از اعلام آتش‌بش آمریکا، این درگیری‌ها تشدید شد و عربستان و امارات یکی از شدیدترین موج حملات خود را علیه مردم الحدیده شروع کردند. در واقع، این حملات اثبات‌کننده ادعاهای دروغین آمریکا درباره پایان جنگ در یمن است.

در همین زمینه خبر دیگری منتشر شده است که تأییدی دیگر بر شعاری بودن تلاش آمریکا برای پایان جنگ یمن است. رژیم صهیونیستی و عربستان یک معامله تسلیحاتی بزرگ و محرمانه برای خرید ۵۰۰ دستگاه تانک مرکاوا امضا کردند. بر اساس گزارش منابع رسانه‌ای عربی، این تانک‌ها به نام اسپانیا خریداری شده، اما «محمدبن‌سلمان» ولی‌عهد سعودی به صورت نقدی هزینه این تانک‌ها را پرداخت کرده است و تانک‌ها از طریق نیروی دریایی اسپانیا و طی شش ماه به ارتش عربستان تحویل داده می‌شود. قرار است از طریق همین شرکت اسپانیایی افسران صهیونیست اقدام به آموزش نظامیان سعودی برای استفاده از تانک‌ها کنند. ولی‌عهد عربستان تلاش دارد، ۱۰۰۰ دستگاه تانک دیگر از نوع مرکاوا را از رژیم صهیونیستی خریداری کند تا یک لشکر کامل زرهی متشکل از یک هزار و ۵۰۰ تانک مرکاوا، در اختیار داشته باشد. در واقع، معنا و پیام این خبر این است که آمریکا از یک سو بر آتش‌بس در یمن و توقف سوخت‌رسانی به جنگنده‌های سعودی در یمن تأکید می‌کند، از سوی دیگر نتانیاهو به عنوان شریک راهبردی ترامپ به عربستان تانک‌های مرکاوا می‌فروشد. این تانک‌ها به طور طبیعی برای انبار کردن نبوده و برای استفاده در میدان نبرد است و تنها نبرد کنونی عربستان نیز یمن است.

از کنار هم قراردادن تشدید حملات ائتلاف سعودی به الحدیده و فروش تانک‌های مرکاوا به عربستان می‌توان به این نتیجه رسید که آمریکا در اوضاع کنونی به نوعی با طرح آتش‌بس زمینه را برای تشدید حملات در الحدیده فراهم کرد. رهبر انصارالله نیز تأکید کرده که هر زمان آمریکا از آتش‌بس سخنی به میان آورده به معنای آن بوده که قرار است حملات ائتلاف سعودی تشدید شود. در واقع، ائتلاف سعودی سعی دارد با حمله به الحدیده و اشغال بخش‌هایی از آن ابزار مناسبی برای مذاکرات به دست آورد و وظیفه آمریکا نیز فراهم کردن زمینه برای دستیابی عربستان به یک پیروزی حداقلی برای استفاده از آن در مذاکرات است. اما نکته مهم این است که تشدید حملات به الحدیده سبب خلق یک تراژدی انسانی دیگر در یمن خواهد شد و ائتلاف سعودی همانند ۴۲ ماه گذشته قادر به شکست انقلابیون یمن نخواهد بود.

کندوکاو

نگران سازوکار اروپا با ایران نیستیم

خبرگزاری فارس: «سیگال ماندلکر» معاون وزیر خزانه‌داری آمریکا در لندن گفته است واشنگتن هیچ نگرانی در زمینه سازوکار ویژه مالی اتحادیه اروپا در قبال ایران ندارد و می‌خواهد به صورت سفت و سخت تحریم‌های ایران را اجرایی کند. معاون وزیر خزانه‌داری آمریکا در امور تروریسم و اطلاعات مالی در پایتخت انگلیس در پاسخ به پرسش خبرنگاران درباره سازوکار مالی ویژه اروپا گفت: «به نظر من خبر بزرگ‌تر در اروپا این است که شرکت‌ها دسته‌دسته در حال خروج از ایران هستند. من اصلاً هیچ نگرانی درباره سازوکار ویژه ندارم و معتقدم ما سازوکارهای اضافه‌تری خواهیم یافت که از طریق آنها بتوانیم با هم کار کنیم.» این مقام آمریکایی با تأکید بر قصد دولت این کشور برای اجرای سفت و سخت تحریم‌های ایران، افزود: «در قبال ایران، شما شاهد اقدامات بسیار بیشتری از سوی ما خواهید بود.»

به تنهایی نمی‌توانیم محاسبات ایران را عوض کنیم

خبرگزاری فارس: هماهنگ‌کننده امور تروریسم در وزارت خارجه آمریکا اعتراف کرد این کشور به تنهایی و بدون حمایت متحدانش نمی‌تواند محاسبات ایران را عوض کند. «ناثان سلز» هماهنگ‌کننده امور مبارزه با «تروریسم» در وزارت خارجه آمریکا خواستار کمک متحدان کشورش برای تغییر «محاسبات ایران» شد. این مقام وزارت خارجه آمریکا که در اندیشکده «سیاست‌های واشنگتن برای خاور نزدیک» سخنرانی می‌کرد، گفت: «لازم است کارهای بیشتری برای تغییر محاسبات حکومت ایران و پایان دادن حمایت آن از تروریسم انجام دهیم.» وی اضافه کرد: «ما این را می‌دانیم که ایالات متحده به تنهایی نمی‌تواند این کار را انجام دهد و به همین دلیل است که ما شریکان بین‌المللی‌مان را برای مقابله با تروریسم تحت حمایت ایران تحت فشار گذاشته‌ایم.»

گفت‌وگو جان بولتون با مقامات امارات درباره ایران

خبرگزاری مهر: جان بولتون، مشاور امنیت ملی کاخ سفید می‌گوید با مقامات امارات دیدار و با آنها درباره مسائل گوناگون از جمله ایران رایزنی کرده است. وی در توئیتر خود نوشت: «امروز نشست‌های جدی و اساسی در امارات با ولی‌عهد محمدبن‌زیاد آل‌نهیان و مشاور امنیت ملی امارات، طحنون‌بن‌محمد آل‌نهیان برگزار کرده و درباره ایران، یمن، افغانستان، مقابله با تروریسم و مجموعه‌ای از مسائل دیگر گفت‌وگو کردیم.» دولت آمریکا پس از خروج از برجام کارزاری همه‌جانبه برای اعمال فشار علیه ایران به راه انداخته و در تلاش است کشورهای دیگر را به حمایت از تحریم‌های یکجانبه علیه ملت ایران فرا بخواند.

سیاست ترامپ در قبال ایران شکست خواهد خورد

خبرگزاری ایرنا: مدیر سابق اطلاعات ملی آمریکا تأکید کرد، سیاست‌های ترامپ در قبال ایران بدون حمایت متحدان آمریکا به موفقیت نخواهد رسید. «جیمز کلپر» مدیر سابق اطلاعات ملی آمریکا و «توماس پیکرینگ» سفیر سابق آمریکا در سازمان ملل، روسیه و هند در یادداشتی مشترک تأکید کردند، سیاست «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا در قبال ایران نمی‌تواند بدون حمایت متحدان آمریکا موفقیت‌آمیز باشد. فشار دیپلماتیک، اقتصادی و سیاسی چندجانبه بر ایران صرفاً در شرایطی می‌تواند نتایجی را که واشنگتن به دنبال آن است، به ارمغان آورد که از حمایت طیف گسترده‌ای از شرکای آمریکایی برخوردار باشد.

دسترسی بانک مرکزی ایران به سوئیفت قطع شد

خبرگزاری ایسنا: یکی از مقامات ارشد وزارت خزانه‌داری آمریکا از قطع دسترسی همه بانک‌ها و مؤسسات مالی ایرانی به جامعه جهانی ارتباطات بانکی خبر داد. «سیگال مندلکر» معاون دفتر تروریسم وزارت خزانه‌داری آمریکا با لحنی تهدیدآمیز گفته است: «در آینده اقدامات بیشتری از ما علیه ایرانیان خواهید دید.» «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا پس از شروع دور دوم تحریم‌های ایران، گفته بود تحریم‌های دیگری هم برای ایرانیان در نظر گرفته است.

عذرخواهی به جای وزیر سابق

محمد اسلامی، وزیر راه و شهرسازی در دیدار با متقاضیان مسکن مهر اظهار داشت: در وهله نخست از همه مردمی که به دلیل برخی مشکلات و وضعیت به وجود آمده دچار مشکل شدند به عنوان نماینده عالی دولت در وزارت راه و شهرسازی عذرخواهی می‌کنم و خوشحالم که در یک جمع دوستانه مشکلات شما عزیزان مطرح شد و با توجه به مشکلات موجود، نکته مهم این است که با شما و در کنار شما این مشکلات را حل کنیم.

تهدیدات صعود و نزول قیمت دلار در اقتصاد ایران ـ ۲

□ **زهرا شرکاء/** افزایش نرخ ارز و تورم بر بخش‌های مختلف اقتصاد، به خصوص در ایران، به عنوان یک کشور در حال توسعه، تأثیر فراوانی دارد و این موضوع اهمیت کنترل بموقع آنها را برای جلوگیری از آسیب زیربخش‌های اقتصادی یادآوری می‌کند. وضعیت اقتصادی ایران به گونه‌ای است که بخش عظیمی از تولیدات داخلی وابستگی بالایی به مواد اولیه و واسطه‌ای وارداتی دارد؛ لذا قیمت‌های تمام‌شده محصولات داخلی از تغییرات اقتصادی در سطح بین‌المللی و نرخ ارز تأثیر می‌پذیرد.

از منظر کوتاه‌مدت، با افزایش نرخ ارز و تنزیل ارزش پول ملی، شرایط و قیمت‌های داخلی کالاها و خدمات برای کشورهای طرف تجاری ایران مناسب می‌شود و صادرات افزایش می‌یابد، اما در بلندمدت افزایش نرخ ارز و تنزیل ارزش پول ملی سبب می‌شود هزینه تمام‌شده تولیدات داخلی که به واردات وابسته هستند، افزایش یابد و در پی عرضه آنها به بازارهای داخلی، بر نرخ تورم افزوده شود و در بازارهای بین‌المللی شاهد عدم رقابت‌پذیری آنها باشیم. از سویی دیگر ایران، در جایگاه کشوری دارای درآمدهای حاصل از فروش نفت و گاز و مازاد تجاری، می‌تواند با درآمدهای ارزی خود در جهت هدایت بازار و بهبود و تقویت وضعیت اقتصادی قدم بردارد. در سال‌های اخیر اوضاع اقتصادی ایران دستخوش تغییرات فراوانی بوده است. سیاست‌های گوناگونی با هدف بهبود سطح رفاه اجتماعی و اقتصادی اتخاذ شده که هر یک تأثیرات خاص خود را روی پارامترهای اقتصادی گذارده و بسیاری از آنها اجتناب‌ناپذیر بوده است.

سیاست‌هایی از قبیل اجرای طرح حمایت از بنگاه‌های کوچک و زودبازده به منظور کاهش سطح بیکاری، که عموماً در دو بخش صنعت و خدمات اجرا شد، از سویی موجب کاهش نسبی سهم بخش کشاورزی و همین‌طور کاهش بیکاری در شهرها شد و از سوی دیگر افزایش نقدینگی را به دنبال داشت. طرح مسکن مهر هدف ساماندهی بازار مسکن و کاهش قیمت‌ها را دنبال می‌کند و مهم‌ترین طرحی که اقتصاد ایران را در شرایط گذار قرار می‌دهد، طرح هدفمندی یارانه‌هاست که در مرحله اول اجرای آن شاهد بهبود توزیع درآمد در خانوارهای فقیر در شهرها و روستاها بودیم، اما از سوی دیگر شاهد افزایش و واقعی شدن برخی از قیمت‌ها نیز بودیم که البته جزء اهداف این طرح است.

نرخ ارز جزء مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده قیمت مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای، تجهیزات سرمایه‌ای و کالاهای نهایی است و با توجه به وابستگی بالای تولید و مصرف به واردات، به نظر می‌رسد در شکل‌گیری فشارهای تورمی مؤثر باشد. همچنین چون نوسانات نرخ ارز بر انتظارات مردم تأثیر بالایی دارد، می‌تواند شتاب‌دهنده تورم باشد.

با نگاهی به نمودار نرخ ارز، می‌توان مشاهده کرد که نرخ ارز، از سال ۱۳۸۶ و به خصوص از ماه‌های آبان و آذر این سال، شروع به نوسانات شدید و نامنظم کرده است. بخش خارجی اقتصاد در سال ۱۳۸۶ در نتیجه تحولات مثبت بازار جهانی نفت خام و روند رو به تزاید صادرات غیرنفتی از عملکرد مثبتی برخوردار بود.

در عین حال، تشدید تحریم نهادها و کارگزاران ایرانی در زمینه دسترسی به ابزارهای متعارف مالی و بانکی بین‌المللی سبب شد روند تأمین مالی خارجی کندتر شود، هزینه واردات افزایش یابد و تکیه بر منابع داخلی برای تأمین مالی واردات افزون‌تر شود. در نتیجه عوامل مذکور، بر شدت کسری حساب سرمایه و مالی کشور در این سال افزوده شد و بخشی از درآمدهای ارزی کشور صرف تأمین نیازهای وارداتی به صورت نقد شد؛ لذا

افزایش نرخ ارز در ایران در کوتاه‌مدت موجب افزایش قیمت کالاهای وارداتی و در میان‌مدت، با توجه به وابستگی تولید داخلی به مواد اولیه و واسطه‌ای وارداتی، موجب افزایش قیمت کالاهای داخلی و در نهایت بروز تورم می‌شود

شاهد نوساناتی در بازار نرخ ارز بودیم.

از سوی دیگر، در نمودار نرخ تورم در سال ۱۳۸۶ شاهد روند صعودی هستیم. نرخ تورم جهانی که در سال‌های پیش از آن افزایش یافته بود، در نتیجه افزایش قیمت مواد غذایی و انرژی تقویت شد. افزایش قیمت مواد خام عمدتاً ناشی از افزایش تقاضای اقتصادهای نوظهور و پاسخگویی ضعیف کشورهای عرضه‌کننده به این افزایش تقاضا بود. البته عملکرد بازارهای مالی و افزایش معاملات کاغذی و سفته‌بازی بر روی مواد خام نیز در افزایش قیمت آنها بی‌تأثیر نبود. در عین حال، افزایش قیمت‌ها در اقتصادهای نوظهور در مقایسه با کشورهای پیشرفته شدیدتر بود که این امر بیشتر ناشی از رشد بالای تقاضای داخلی و نیز سهم بالاتر انرژی و مواد غذایی در سبد مصرفی این کشورها بود.

ایران نیز از این جریانات مستثنی نبود و افزایش نرخ تورم را تجربه کرد. شوک دوم را در نیمه‌های سال ۱۳۸۹ شاهد هستیم. این شوک همزمان با اعمال تحریم‌های شدید علیه ایران در پی مخالفت‌های شدید مجامع بین‌المللی نسبت به برنامه هسته‌ای ایران صورت گرفت. قطع شدن ارتباط بانک‌های ایرانی با بانک‌های بین‌المللی، تهدیدهای مجامع برای تحریم نفتی ایران و افزایش جنب‌وجوش در بازار ارز با وجود وجود ذخایر ارزی کافی در بانک مرکزی، افزایش نرخ ارز را برای ما به ارمغان آورد. این موضوع و اجرای مرحله اول طرح هدفمندی یارانه‌ها شوک عظیمی را به اقتصاد ایران وارد کرد؛ به گونه‌ای که ما در اواخر اردیبهشت ۱۳۹۱ شاهد تورمی معادل ۲۲/۲ درصد بودیم.

از سوی دیگر، بالا بودن تورم و نرخ سود حقیقی منفی در بانک‌ها در سال ۱۳۹۰ سبب شد جامعه به سمت سرمایه‌گذاری سپرده‌های بانکی در بازارهای ارز و طلا حرکت کند که این موضوع سبب تلاطم بازار ارز در کشور و دونرخی شدن آن شد که در نمودار زیر دیده می‌شود. بالا رفتن میزان نقدینگی و بالا رفتن نرخ ارز، در مرحله اول، افزایش قیمت کالاهای وارداتی و سپس افزایش قیمت کالاهای داخلی را به دنبال آورد و موجب شدت گرفتن نرخ تورم شد.

نتیجه‌گیری

توجه دست‌اندرکاران اقتصاد به تعامل نزدیک و اهمیت نوسانات نرخ ارز و تورم در زمینه ثبات و پایداری اقتصادی دارای اهمیت فراوانی است. ثبات اقتصادی، افزایش سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی، افزایش احساس امنیت و آرامش و تصویر روشن از آینده اقتصادی و اجتماعی را برای کشور به ارمغان می‌آورد و این جز در سایه تصمیم‌گیری‌های صحیح، بموقع و به دور از غرض‌ورزی‌های شخصی و در سایه قانون‌گذاری مستقل و جامع امکان‌پذیر نخواهد بود.

همان‌طور که دیده شد، افزایش نرخ ارز در ایران در کوتاه‌مدت موجب افزایش قیمت کالاهای وارداتی و در میان‌مدت، با توجه به وابستگی تولید داخلی به مواد اولیه و واسطه‌ای وارداتی، موجب افزایش قیمت کالاهای داخلی و در نهایت بروز تورم می‌شود. از سوی دیگر، افزایش نرخ تورم نیز از دو مجرا بر روی نرخ ارز در ایران تأثیرگذار است. افزایش قیمت‌های داخلی موجب بالا رفتن ارزش کالاهای داخلی و در پی آن کاهش توان رقابت آنها در سطح بین‌الملل می‌شود.

لذا ما شاهد کاهش صادرات و به دنبال آن کاهش منابع ارزی و افزایش نرخ ارز خواهیم بود. راه دوم تأثیرپذیری نرخ ارز از تورم را باید در بازارهای داخلی و تقاضای سفته‌بازی جست‌وجو کرد. افزایش نرخ تورم موجب منفی شدن نرخ سود حقیقی بانک‌ها می‌شود و مردم برای جلوگیری از کاهش ارزش دارایی‌های نقدی خود، در صورت نبود بازارهای مناسب برای سرمایه‌گذاری، به خرید ارز رو می‌آورند و این‌گونه سبب افزایش قیمت آن در بازار می‌شوند.

شاخص

راه عبور از تنگه تحریم

□ **روح‌الله صنعتکار/** جمهوری اسلامی ایران پنج درصد تولید نفت جهان را به خود اختصاص داده و در جایگاه چهارمین تولیدکننده بزرگ این محصول در جهان شناخته شده است. همچنین کشورمان سومین تولیدکننده بزرگ نفت اوپک و یکی از مؤسسان اصلی این سازمان است.

تحریم نفتی کشوری چون ایران به معنای تحریم پنج درصد تولید نفت جهان است. در حالی که دیگر کشورها نمی‌توانند جبران حذف حتی بخشی از این پنج درصد را با افزایش تولیدات و عرضه نفت داشته باشند، نتیجه این تحریم علیه یکی از مؤسسان اوپک، افزایش قیمت نفت در بازار جهانی است.

نکته مهم در این باره، این است که اگر ترامپ درصدد کاهش عرضه نفت چهارمین تولیدکننده بزرگ نفت جهان با اعمال تحریم نفتی برنیامده بود، اروپایی‌ها در جایگاه مصرف‌کننده بزرگ نفت، امروز به‌جای خرید نفت ۷۰ تا ۸۰ دلاری، نفت ۶۰ دلاری می‌خریدند و شاهد تحمیل فشار تمامی نوسانات قیمتی نفت در شش ماهِ پس از خروج یکجانبه آمریکا از برجام بر اقتصاد خود نبودند.

در واقع ترامپ با قلدری برای دستیابی به اهداف مغرضانه و خودخواهانه خود، دست در جیب مصرف‌کنندگان بزرگ نفت، از جمله اروپایی‌ها کرده و سیاستمداران اروپایی از این موضوع چشم پوشیده‌اند و پول باج‌خواهی آمریکا را از محل مالیات مردم اروپا و جیب یکایک اروپایی‌ها می‌پردازند.

حداقل نتایج انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا نشان می‌دهد که فشار روی سیاست‌های آقای ترامپ و از جمله سیاست اخیرش در قبال ایران بیشتر خواهد شد؛ لذا اگرچه ترامپ آغازکننده این تحریم‌ها علیه ایران بود، ولی برای ادامه آن با دو مشکل جدی مواجه است؛ اول همراهی نکردن جامعه بین‌الملل با تحریم‌ها علیه ایران و دوم تحمل و آب دیده شدن اقتصاد ایران.

البته، این به معنای آن نیست که تحریم‌ها هیچ تأثیری بر اقتصاد ایران نخواهد داشت؛ چراکه به هر حال دچار چالش شدن با اقتصاد کشوری مانند آمریکا که اقتصاد مهمی در جهان امروز است، به طور حتم عوارضی متوجه اقتصاد ما خواهد شد، ولی اینکه تصور شود این عوارض کُشنده خواهد بود، یا اخلال در بنیان‌های اقتصادی ایجاد خواهد کرد، تجربه دور اول تحریم‌ها نشان می‌دهد که چنین اتفاقی نخواهد افتاد.

از سوی دیگر برای بحث از سیاست‌های آمریکا در قبال ایران در یک لایه زیرین‌تر باید این را در نظر گرفت که دوگانه دموکرات خوب ـ جمهوریخواه بد، تا چه اندازه برآمده از واقعیت‌های میدانی و تجربی است و با آنها مطابقت دارد.

وقتی به ظرفیت‌ها و جذابیت‌های اقتصادی ایران توجه شود خواهیم دید که چقدر این اقتصاد برای کشورهای مختلف جهان جذاب است؛ برای نمونه ایران از نظر مجموع ذخایر نفت و گاز، اولین رتبه را در جهان دارد و وقتی که گاز جزو انرژی‌های پاک جهان قرار گرفته و همه جهان به این انرژی پاک نیازمندند، طبیعی است چه پتانسیلی می‌شود برای این منابع متصور شد.

ما با هفت کشور مرز مستقیم زمینی و با ۱۵ کشور به‌طور مستقیم یا با یک واسطه، می‌توانیم ارتباط زمینی داشته باشیم؛ این یعنی پتانسیل و فرصت بی‌نظیر برای ایجاد منافع مشترک؛ اگر امروز ترکیه برای واردات گاز از ایران به سراغ آمریکا می‌رود تا از این کشور برای واردات گاز معافیت بگیرد به دلیل نیاز این کشور به گاز ایران و منافع مشترک هر دو کشور است؛ متأسفانه ما با دیگر کشورهای پیرامونی و همسایه خود نتوانستیم منافع مشترک ایجاد کنیم، در حالی که اگر این منافع مشترک با کشورهای همسایه تعریف شده بود، به‌جای معافیت هشت کشور از خرید نفت ایران، این عدد می‌توانست به‌مراتب بیشتر شود، اگر ما موفق شده بودیم خط لوله گاز ایران، پاکستان و هند را تکمیل کنیم، به طور حتم تحریم ما بسیار سخت‌تر بود.

اگر همه دولتمردان در داخل کشور، تدبیر مناسب بیندیشند، اگر تصمیمات بهینه گرفته شود، منابع به‌درستی هزینه شود و اگر اولویت‌ها به‌درستی برنامه‌ریزی شود، به‌خوبی از مقطع حساس جنگ اقتصادی عبور خواهیم کرد و این بار هم در مصاف با استکبار جهانی پیروز خواهیم شد.

آن‌روی سکه

افزایش قیمت نفت کاهش تولید را جبران کرد

سازمان کشورهای صادرکننده نفت خام در گزارش جدید خود از کاهش ۱۵۶ هزار بشکه‌ای تولید روزانه نفت ایران در اکتبر ۲۰۱۸ خبر داده است. تولید نفت ایران در ماه سپتامبر ۳/۴۵۲ میلیون بشکه در روز بوده که این رقم در ماه اکتبر، یعنی یک ماه پیش از اجرایی شدن تحریم‌های آمریکا علیه ایران به ۳/۲۹۶ میلیون بشکه در روز کاهش یافته است. بر اساس این، تولید نفت ایران در ماه اکتبر نسبت به ماه پیش از آن ۴/۵ درصد کاهش یافته است که رشد ۲/۳ درصدی قیمت نفت بخشی از زیان ایران بابت افت تولید و صادرات نفت را جبران کرده است. متوسط قیمت نفت سنگین ایران در اکتبر امسال ۷۷/۰۴ دلار در هر بشکه بوده است که این رقم نسبت به ماه پیش ۱/۷۶ دلار یا ۲/۳ درصد افزایش داشته است. متوسط قیمت نفت سنگین ایران در ماه سپتامبر ۷۵/۲۸ دلار در هر بشکه اعلام شده بود.

فهرستی که هر روز طولانی‌تر می‌شود

«راشاتودی» نوشت، فهرست کشورهایی که به تازگی قدم‌های مهمی در از بین بردن وابستگی اقتصادشان به دلار آمریکا برداشته‌اند، در حال افزایش است. روسیه به جمع کشورهایی پیوست که پیشرفت زیادی در این زمینه داشته‌اند. طبق اطلاعات بانک مرکزی روسیه، سهم ارز خارجی در سپرده‌های شخصی و شرکتی در روسیه در ماه سپتامبر به ۲۶ درصد کاهش یافت. رشد سریع حجم معاملات با شرکت‌های آسیایی به ویژه چین یکی از دلایل موفقیت روسیه در پاک کردن دلار از اقتصادش بوده است. چنانکه سهم ارزش تجارت روسیه با چین با ارزهای ملی طی چهار سال چهار برابر شده و به ۱۹ درصد کل معاملات رسیده و همچنان هم رو به رشد است. گفتنی است، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه طرح بزرگ حذف وابستگی این کشور به دلار را در بحبوحه سنگین شدن فشار تحریم‌ها از سال ۲۰۱۴ ارائه کرد.

عربستان تولید نفتش را کاهش می‌دهد

خالد الفالح، وزیر انرژی عربستان گفت: «تحلیل‌ها نشان می‌دهند سال آینده باید تولید نفت حدود یک میلیون بشکه نسبت به ماه اکتبر کاهش یابد تا بازار متعادل شود.» فالح ادامه داد: «تحریم‌ها آن طور که پیش‌بینی شده بود تولید نفت را کاهش نداده است.» وی ادامه داد، عربستان قصد ندارد اوپک را بر هم بزند و معتقد است این گروه همچنان یک بانک مرکزی جهانی برای نفت باقی می‌ماند. این در حالی است که عربستان پیش از این و در ماه ژوئن تصمیم گرفت پس از فشار آمریکا برای کاهش قیمت نفت و جبران کمبود نفت ایران، قرارداد کاهش تولید نفت را کنار بگذارد و عرضه نفت را افزایش دهد.

در کنار ایران می‌ایستیم

فرناندو کالر دی ملو، رئیس‌جمهور سابق برزیل که اکنون رئیس کمیته امور خارجه و دفاع ملی در سنای فدرال برزیل است، گفت: «کشورش مانند دیگر کشورهای عضو بریکس (انجمن پنج اقتصاد نوظهور جهان) در مقابل تحریم‌های آمریکا کنار ایران می‌ایستد.» این سناتور افزود: «جامعه جهانی و سازمان ملل نباید در برابر ترامپ ساکت بمانند. اقدامات او روابط بین‌الملل را به خطر می‌اندازد.» وی به تحریم‌های تازه آمریکا بر کشورهای آمریکای لاتین مانند کوبا، ونزوئلا و نیکاراگوئه اشاره کرد و گفت: «این اقدامات هرگز مشکلات را حل نخواهند کرد.»

تکاپو

موفقیت پاسدار بازنشسته مازندرانی در باغبانی نوین

اولین و بزرگ‌ترین پرورش‌دهنده لیموترش در فضای گلخانه‌ای

□ **اکبر کریمی/** لیموترش میوه‌ای است که نسبت به بقیه مرکبات به سرما حساس‌تر است. در مناطق شمالی کشور لیموی مازندرانی و در استان فارس و برخی مناطق جنوبی کشور لیموی شیرازی تولید می‌شود، اما به دلیل بروز هر چند سال یک بار سرما و برف سنگین در این مناطق، همواره شاهد ضرر به باغداران و از بین رفتن درختان لیموترش هستیم. این مانع طبیعی موجب شده است پرورش لیموترش در برخی مناطق کشور توجیه اقتصادی نداشته باشد.

«علی‌اکبر اکبری» برای حل این مشکل دست به ابتکاری زده که برای اولین بار در ایران اجرا شده است. او برای مقابله با سرما و یخ‌زدگی درختان لیموترش، آنها را در فضای گلخانه پرورش می‌دهد.

الگوبرداری از گلخانه‌داران اسپانیایی

اکبری از سنین جوانی باغبانی را شروع کرده است و در سال‌های خدمت در سپاه نیز این فعالیت را ادامه می‌داده تا اینکه در سال ۸۹، در استان مازندران به عنوان باغبان نمونه انتخاب می‌شود. او همان سال در نمایشگاه بین‌المللی اسپانیا حضور می‌یابد و در بازدید از گلخانه‌های شهر والنسیا با پرورش لیموترش در فضای گلخانه‌ای آشنا می‌شود.

وی می‌گوید: «شهر والنسیا آب و هوایی مشابه مناطق شمالی کشور ما دارد، به همین دلیل امکان انجام این روش پرورش در این مناطق نیز وجود دارد.» به همین دلیل، اطلاعات خود را در این حرفه با ارتباط‌گیری با باغبانان اسپانیایی و با حضور در نمایشگاه‌های بین‌المللی در شهرهای برلین آلمان، ایتالیا، سن‌پترزبورگ روسیه و هلند در فاصله سال‌های ۹۰ تا ۹۵ افزایش می‌دهد.

این فعال کشاورزی طی این سال‌ها افزون بر یادگیری نظری، گلخانه کوچکی به مساحت ۵۰ متر مربع نیز در حیاط منزل شخصی احداث کرده و به صورت عملی نیز مراحل پرورش لیموترش در گلخانه را تجربه می‌کند.

احداث گلخانه ۷۵۰۰ متر مربعی

اکبری با الگوبرداری از گلخانه‌های اسپانیا و با گرفتن مشاوره از کارشناسان، در سال ۹۵ اولین و بزرگ‌ترین گلخانه پرورش لیموترش را در زمینی به مساحت ۷۵۰۰ متر مربع احداث می‌کند.

این سازه گلخانه‌ای ویژگی‌های منحصربه‌فردی دارد و برای پرورش درختان لیمو با ارتفاع کمتر از هفت متر مناسب است. جنس سازه از لوله‌های گالوانیزه با پوشش نایلن UV است که امکان باز و بسته شدن سقف و دیواره‌های آن وجود دارد.

در این گلخانه ۱۸۰۰ اصله درخت لیموترش کاشته شده است که ۸۰ درصد آن را نژاد «پرشین لایم» و ۲۰ درصد را نژاد «لایم کوآت» تشکیل می‌دهد. پرشین اصلاح نژادی شده لیموی شیرازی از سوی کشور اسپانیا است و در اغلب گلخانه‌های این کشور وجود دارد. پرشین قابلیت پرورش در فضای گلخانه و فضای باز را دارد. میوه آن بی‌هسته بوده و در مقایسه با لیموترش‌های مشابه، ۲۰ برابر ویتامین c بالاتری دارد و پوست آن حاوی آنتی‌اکسیدان قوی بوده و ضد سرطان است. نهال آن در داخل کشور با تلاش بنیاد امور مستضعفان به تولید انبوه رسیده است.

خاصیت فضای گلخانه‌ای نسبت به فضای باز این است که گلخانه فضای معتدلی به درخت می‌دهد و موجب می‌شود درخت در طول چهار فصل مدام گل بدهد و به بار بنشیند.

پرورش درخت نیز در محیطی کنترل شده انجام می‌شود و همین امر موجب می‌شود نیاز به مواد سمی و شیمیایی برای از بین بردن آفات نیز به حداقل برسد و محصول تولید شده به نسبت فضای باز سالم‌تر باشد. در این نوع پرورش، باغبان از حداقل فضا حداکثر بهره را می‌برد و در چهار فصل سال میوه برداشت می‌کند.

اکبری با الگوبرداری از گلخانه‌های اسپانیا و با گرفتن مشاوره از کارشناسان، در سال ۹۵ اولین و بزرگ‌ترین گلخانه پرورش لیموترش را در زمینی به مساحت ۷۵۰۰ متر مربع احداث می‌کند.در این گلخانه ۱۸۰۰ اصله درخت لیموترش کاشته شده است

اکبری می‌گوید: «به هر میزان که سن درخت بالاتر می‌رود و بزرگ‌تر می‌شود، محصول بیشتری می‌دهد، ولی نژادهای اصلاح شده از همان سال اول قابلیت باردهی دارند و در سال‌های دوم و سوم می‌توان از هر درخت شش کیلو لیمو برداشت کرد.»

او در این پروژه سه نفر از اعضای خانواده و چهار نفر کارگر را به صورت دائمی به کارگیری کرده است که این تعداد نیروی کار در ایام برداشت محصول که معمولاً اواخر هر فصل انجام می‌شود، روزانه به ۱۷ نفر نیز می‌رسد.

در ایران بازنشستگی معنا ندارد

اکبری در سن ۵۷ سالگی روزانه بیش از ۱۰ ساعت کار مفید انجام می‌دهد و به همنوعان خود توصیه می‌کند برای حفظ روحیه جوانی و شادابی و دوری از اضطراب، فشار خون و انواع بیماری‌ها فعالیت کنند و بیکار و خانه‌نشین نباشند. او کشاورزی و باغبانی را یکی از بهترین و مناسب‌ترین فعالیت‌ها برای سنین میانسالی می‌داند و به دوستانش توصیه می‌کند به این حوزه ورود کنند. یکی از دوستان اکبری ۵۰۰ متر زمین کشاورزی دارد که به توصیه وی، در این فضای کوچک سبزی گلخانه‌ای کشت کرده است و اکنون درآمد ماهیانه او از این شغل بیش از حقوق بازنشستگی است. اکبری می‌گوید: «بازنشستگی در کشور ما که نیاز شدید به تولید، کارآفرینی و اقتصاد پویا دارد، معنا و مفهومی ندارد.»

علاقه‌مندان چند سالی صبر کنند

اکبری علاوه بر باغبانی اقدام به ترویج ایده پرورش گلخانه‌ای لیموترش نیز کرده است و طی دو سال گذشته چندین بار از طریق صداوسیمای استان مازندران و رسانه ملی این الگوی پرورش را معرفی کرده است. اکنون این الگوی پرورش در فاصله‌ای کمتر از دو سال که اکبری آغازگر آن در مازندران بوده است، علاوه بر این استان، در استان‌های گیلان و گلستان و در سطح بیش از ۲۰۰ هکتار زمین باغی توسعه یافته است. با این وجود اکبری معتقد است، باغبانان نباید در تبدیل باغات خود به این الگو عجله کنند. او می‌گوید: «دوره آزمایشی این الگو بازه شش ساله دارد و باغبانان کشور برای در امان ماندن از ضررهای اقتصادی احتمالی، باید چند سالی منتظر بمانند تا تمامی مراحل اجرای این پروژه به آزمون و خطا گذاشته شود.»

برای تهیه گزارش از فعالیت‌های اقتصاد مقاومتی در استان خود با شماره تلفن ۰۹۱۹۳۴۷۲۹۸۱ تماس بگیرید.

کلیدواژه

اقتصاد آزاد

اقتصاد آزاد یعنی اقتصادی که دولت در تولید، فروش، توزیع و دیگر بخش‌ها هیچ نقشی نداشته باشد و عوامل بازار، یعنی فروشندگان و خریداران بر آن نظارت داشته باشند. اقتصاد آزاد را می‌توان شفاف‌ترین نوع اقتصاد دانست که سبب می‌شود نه تنها بازدهی فعالیت اقتصادی بیشتر شود؛ بلکه قیمت‌ها نیز کمتر باشد.

در مقابل، زمانیکه عوامل غیر بازاری (از قبیل کنترل دولت یا وضع حداقل و حداکثر قیمت از سوی دولت) بر وضعیت بازار کنترل داشته باشند، قیمت‌ها غیر متناسب با کیفیت محصول تولیدی خواهد بود و این به کاهش هزینه‌های مصرفی که یکی از مؤلفه‌های مهم در ایجاد تولید ناخالص داخلی کشورها است، می‌انجامد.

اقتصاد آزاد در نقطه مقابل اقتصاد دولتی یا اقتصاد سیاسی قرار دارد. در اقتصاد دولتی، دولت بر بخش‌های گوناگون اقتصاد نظارت دارد و تولید، توزیع و فروش همگی به عهده دولت است. در چنین اقتصادی، قیمت‌ها نه تنها از سوی دست‌اندرکاران بازار تعیین نمی‌شود؛ بلکه دولت با توجه به سیاست‌های خود قیمت‌ها و اقتصاد را مدیریت می‌کند.

اقتصاد کاملاً آزاد نیز همچون اقتصاد کاملاً بازاری در جهان وجود ندارد و یک وضعیت ایده‌آل برای مطالعات اقتصادی است؛ اما هر چه درجه آزادی اقتصاد بیشتر باشد و کنترل دولت بر عملکرد بازار و قیمت‌ها کمتر باشد، آن اقتصاد بهتر و بیشتر می‌تواند عمل کند.

بسیاری از اقتصاددانان و تحلیلگران بازار معتقدند، تنها راه حل مشکلات اقتصادی کشور و توسعه فرهنگی ایجاد اقتصاد آزاد و بهره‌گیری از آن است؛ به همین دلیل مطالعه اقتصاد آزاد و فاکتورهای آن برای افرادی که به این حوزه وارد شده‌اند، بسیار اهمیت دارد.

بسیاری اقتصاد آزاد را اقتصاد آزاد بازاری نام‌گذاری می‌کنند که بیشتر به یک ایده‌آل شباهت دارد تا یک وضعیت امکان‌پذیر در اقتصاد کشور؛ ولی زمانی که از به کارگیری اقتصاد آزاد صحبت می‌شود، نکته مهم تلاش برای نزدیک شدن به این وضعیت ایده‌آل است.

برای مطالعه جزئیات اقتصاد آزاد بازاری باید دو مسئله را در نظر بگیریم؛ اول اینکه، اقتصاد مورد بررسی اقتصادی آزاد است که در نقطه مقابل اقتصاد دولتی یا کنترل شده قرار دارد و دوم اینکه، اقتصاد مورد بررسی اقتصادی بازاری است و عوامل تعیین‌کننده قیمت در این بازار فاکتورهای بازاری، یعنی عرضه و تقاضا یا خریدار و فروشنده هستند. برای شناخت اقتصاد آزاد بازاری باید هر یک از بخش‌ها را شناخت. وجود اقتصاد آزاد در کشور موجب افزایش راندمان اقتصاد می‌شود و به شکوفایی آن می‌انجامد.

در یک اقتصاد بازار، تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان درباره آنچه تولید یا خریداری می‌کنند، خود تصمیم می‌گیرند؛ در مقابل در اقتصاد دولتی، دولت درباره نوع و کمیت کالاهای تولید شده تصمیم‌گیری می‌کند. در اقتصاد بازار هیچ هماهنگ‌کننده مرکزی عملیات را هدایت نمی‌کند، بلکه از دیدگاه نظری خودسازماندهی بر تعامل پیچیده عرضه و تقاضا و قیمت‌های تعداد زیادی کالا و خدمات حاکم است. حامیان اقتصاد بازار معتقدند اشخاصی که به دنبال علاقه شخصی خود در تجارت هستند، یک آرایش خود به خودی ایجاد می‌کنند که در تأمین مقادیر زیادی کالا برای جامعه به کارآمدترین شکل ممکن مؤثر است.

آدام اسمیت می‌گوید: «شخصی که فقط به منافع خود می‌اندیشد، از طریق یک دست نامرئی به جایی می‌رود که با خواسته‌های او مطابقت ندارد. این وضعیت برای جامعه‌ای که او بخشی از آن نبوده، همیشه بد نیست. هر فرد با دنبال کردن مداوم علایق خود علایق جامعه را به‌طور مؤثر ارتقا می‌دهد. من هرگز از کسانی که بر تجارت کالای مشترک (غیر رقابتی) اثر گذاشته‌اند، چیز خوبی سراغ ندارم.»

آموزش و پرورش و حوزه باید تلفیق شوند

سیدمحمد بطحایی اظهار داشت: پس از پیروزی انقلاب، نظام آموزش و پرورش تلاش‌های بسیاری برای ایجاد تحول در نظام آموزشی کشور انجام داده و دستاوردهایی نیز داشته است، اما این زحمات هنوز نتوانسته آن توقع را برای جامعه، مدیران و سیاستگذاران کشور برآورده کند و همچنان انتقاداتی وجود دارد، ما برای پیمودن این مسیر نیازمند تجربه علما و صاحب‌نظران حوزه‌های علمیه هستیم، این دو نهاد باید کاملاً در هم تلفیق شوند. آموزش و پرورش باید حوزه علمیه را به عنوان هیئت اندیشه‌ورز برای حل مشکلات خود ببیند.

پژواک

فضای فرصت و تهدید ـ ۲

□ **مهدی فرهادی/** در شماره گذشته درباره تهدیدات فضای مجازی در آمریکا سخن گفتیم. در این شماره ادامه این مبحث را با هم مرور می‌کنیم. از زمان ریاست‌جمهوری اوباما، آمریکا با کره شمالی در حال جنگ سایبری است. در یک مورد آشکار در آوریل سال ۲۰۱۷، آمریکا مدعی بود کره شمالی موشک‌های این کشور را برای پرتاب آماده کرده و در کسری از زمان توانسته این فرایند را متوقف کند. دو نفر از کارشناسان سیاسی اندیشکده بروکینگز، به تازگی در مقاله‌ای کوتاه، ابعاد گوناگون رقابت دولت‌ها را در بستر فضای دیجیتال بررسی کرده‌اند.

گزارش یادشده تأکید دارد، به طور مقطعی در آینده، مناقشات سیاسی در محیط دیجیتال پیگیری خواهند شد. در این مرحله، ابزار مورد استفاده روسیه برای تهاجم به غرب، هنوز ساده و ابتدایی است. بر پایه تحقیقات پژوهشگران، مسکو در این بازی، به بهره‌مندی از اعتماد عمومی، آسیب‌پذیری زیست‌بوم رسانه‌های اجتماعی و فقدان آگاهی در میان توده‌ها، وسایل ارتباط جمعی و سیاست‌مداران تکیه دارد. طبق پیش‌بینی‌های انجام‌شده، این شیوه‌ها، در یک دوره سه، تا پنج ساله بسیار پیچیده‌تر می‌شوند.

پیشرفت‌های فناورانه در قلمرو هوش مصنوعی و فضای سایبری، فرصت‌های بدیعی برای بازیگران نابودگر در مقیاس بین‌الملل فراهم کرده‌اند. دشمنان غرب می‌توانند با کمک این فناوری‌ها، عملیات خود را مؤثرتر و پوشیده‌تر از گذشته اجرا کنند. تحلیل مطالعات در گزاره‌های فوق نشان می‌دهد، فضای آینده به شدت همراه با فرصت‌ها و تهدیدات فزاینده‌ای است و نمی‌توان از هم‌اکنون برنده این جنگ را مشخص کرد، مگر اینکه تدابیر و زمینه‌های لازم برای استفاده از این فرصت‌ها را اندیشیده باشد.

بروکینگز پیشنهاد می‌دهد دولت‌های اروپایی، ایالات متحده و کشورهای هم‌پیمان، باید ساختارهای به‌اشتراک‌گذاری اطلاعات را با شرکت‌های بخش خصوصی تقویت کنند. همان‌طور که گوگل، فیس‌بوک و توئیتر در اواخر سال ۲۰۱۷، در جلسه استماع کنگره اعلام کردند، نمی‌خواهند به ابزاری برای تضعیف دموکراسی در دست دشمنان غرب بدل شوند. از همین رو، شرکت‌های یادشده فناوری، باید به صورت داوطلبانه با سازمان‌های دولتی و جامعه اطلاعاتی، برای ایجاد یک سامانه هشدار اولیه جنگ اطلاعات، همکاری کنند.

در لایحه دفاع از دموکراسی ۲۰۱۸ که به تازگی رئیس‌جمهور آمریکا، آن را به مثابه یک قانون امضا کرده است، تأکید شده در سال مالی ۲۰۱۸، کنگره با توجه به قانون دفاع ملی نه تنها بر روی جنگ سایبری و عملیات تهاجمی، بلکه بر تحریک هیئت اجرایی برای توسعه یک برنامه دفاع ملی سایبری متمرکز است. در این زمینه، قانون‌گذاران نیز مایل به پرداخت چهل درصد از بودجه آژانس شبکه‌های اطلاعات دفاعی برای توسعه سیاست سایبری ملی هستند.

در بخش ۱۶۳۲، کنگره راهنمای به‌روزرسانی عملیات سایبری مربوط به فرماندهان مبارز را به وزارت دفاع اعلام می‌دارد و از وزیر دفاع می‌خواهد مروری بر مقامات و مسائل حقوقی قابل اجرا برای عملیات داشته باشد. با ترکیب قوانین بخش‌های ۱۶۳۱ و ۱۶۳۲ می‌توان فهمید، کنگره عمیقاً نگران تکامل قوانین حقوق بین‌الملل مربوط به جنگ سایبری است.

این مقررات انعکاسی از علاقه شدید کنگره برای آگاهی خودش و درگیری در مسائل حقوق بین‌المللی، با تأثیرات گسترده عملیات سایبری وزارت دفاع آمریکا و امنیت سایبری کشور است. کنگره توجه ویژه‌ای به روند بررسی قانونی بودن قابلیت‌های سایبری در وزارت دفاع دارد. با وجود این، ایالات متحده هنوز جایگاه روشنی در بسیاری از مسائل سایبری ندارد. کنگره با علم به این کمبود و نظارت و مشارکت در این مسائل، سبب بهبود موقعیت ایالات متحده به منزله مهم‌ترین گام در زمینه‌های سایبری شده است.

کنکاش

هفته کتاب بهانه‌ای است برای اندیشیدن درباره کتاب

جلای جسم و جان با مطالعه

□ **شهناز سلطانی/** کتاب خواندن در جامعه ایران چیزی شبیه بودن و نبودن است! نمایشگاه بهارانه کتاب در تهران را می‌شود مصداق بودن کتاب تعریف کرد، آن هم به دلیل استقبال حیرت‌انگیز آن. سرانه مطالعه دقیقه‌ای و ناچیز در بین ما مردم را هم می‌شود مصداق نبودن کتاب قلمداد کرد. اما آنچه برای خود ما روشن و واضح است کتاب‌نخوانی ما ایرانی‌هاست. ساعت‌های طولانی در قطار، اتوبوس، سفرهای طولانی می‌نشینیم دریغ از کتابی در دست. البته یا ما نمی‌دانیم کتاب خواندن با جان و روح ما چه می‌کند، یا می‌دانیم و دست و روی دست می‌گذاریم که صد البته این آخری دردناک‌تر و چاره‌اندیشی برای آن دشوارتر است.

اگر نخوانی حیران می‌شوند

آنهایی که از نزدیک به چشم خود دیده‌اند می‌گویند ژاپنی‌ها در قطار مترو سخت مشغول خواندن کتاب هستند و تقریباً هیچ‌کس، تأکید می‌کنم هیچ کس! دستش خالی از کتاب نیست و اگر یک نفر خارجی وارد این قطار شود که بی‌کتاب است، ژاپنی‌ها به طور حتم تعجب خواهند کرد و انگشت حیرت به دهان خواهند ماند. این کتاب به دستی چشم‌بادامی‌ها را بگذارید کنار سرانه مطالعه‌شان که ۹۰ دقیقه در روز است.

حالا بیایم سراغ خودمان. خیلی از ما پایتخت‌نشین‌ها از مترو استفاده می‌کنیم. هر روز ساعتی را در قطار نشسته‌ایم. یا سخت مشغول تلفن همراه‌مانیم، یا به تماشای دست‌فروش‌ها نشسته‌ایم یا متأسفانه گوش و چشم‌مان تیز است که ببینیم دیگران چه می‌گویند و چه می‌کنند. تنها چیزی که در این جا به طور حتم نیست کتاب است که اگر بود سرانه مطالعه ما در دقیقه‌ها خلاصه نمی‌شد و صد افسوس نمی‌خوردیم به حال ژاپنی‌ها و کتاب‌خوانی‌شان.

هرچه هست ناچیز است

سرانه مطالعه در کشور ما نه یک عدد و رقم که اعداد و ارقام دارد؛ یعنی مختلف است. از دو دقیقه آمار داریم تا عددی نزدیک به سرانه مطالعه ژاپنی‌ها! که شک نکنیم در اعداد بالا باید شک کرد! چرا که از حال خودمان خبر داریم. گویا بسته به حال و شرایط، این آمارها متفاوت است. شاید یک مقام مسئول می‌خواهد بادی در غبغب بیندازد و بگوید ما برای افزایش سرانه کتاب‌خوانی این‌چنین و آن‌چنان کردیم و فرد دیگری در مقامی غیر از مسئول نگران‌تر باشد و سرانه را به سمت حداقلی سوق بدهد. به هر حال آنچه بی‌برو برگرد قبول داریم این است که ما خیلی کم کتاب می‌خوانیم، همین و بس.

چرا بخوانیم؟

اما به این پرسش عمیقاً باید فکر کنیم و باید به دنبال پاسخ آن باشیم. چرا کتاب نمی‌خوانیم؟ و چرا باید بخوانیم؟

به نظر می‌رسد بسیاری از ما که در خیل کتاب‌نخوان‌ها جای می‌گیریم نمی‌دانیم خواندن کتاب چه فوایدی برای ما دارد. در این باره در جهان مطالعات خوبی انجام گرفته که نشان می‌دهد خواندن کتاب چه تأثیراتی در جسم و روان ما برجا می‌گذارد. از نتایج این پژوهش‌های علمی است که می‌گوید کسانی که کتاب می‌خوانند احتمال بروز آلزایمر در آنها ۲/۵(دوونیم) برابر کمتر از کسانی است که کتاب نمی‌خوانند و فقط تلویزیون تماشا می‌کنند؛ چرا که خواندن کتاب ذهن و مغز را پویا و فعال می‌کند و تماشای تلویزیون ذهن و مغز را منفعل. همین‌طور تحقیقات علمی دانشگاهی نشان می‌دهد کسانی که شش دقیقه در روز مطالعه می‌کنند اضطراب آنها ۶۸ درصد کاهش می‌یابد. این نتیجه حیرت‌انگیز است؛ یعنی در واقع هیچ جایگزینی برای خواندن کتاب پیدا نمی‌کنید که تا این حد اضطراب را کاهش دهد؛ چرا که موقع خواندن کتاب فارغ از همه شلوغی‌های ذهن و نگرانی‌ها و درگیری‌های زندگی غرق در کتاب می‌شویم و همه چیز در آن لحظات از ذهن ما به کنار می‌رود و

کتاب خواندن در جامعه ایران چیزی شبیه بودن و نبودن است! نمایشگاه بهارانه کتاب در تهران را می‌شود مصداق بودن کتاب تعریف کرد، آن هم به دلیل استقبال حیرت‌انگیز آن. سرانه مطالعه دقیقه‌ای و ناچیز در بین ما مردم را هم می‌شود مصداق نبودن کتاب قلمداد کرد. اما آنچه برای خود ما روشن و واضح است کتاب‌نخوانی ما ایرانی‌هاست. ساعت‌های طولانی در قطار، اتوبوس، سفرهای طولانی می‌نشینیم دریغ از کتابی در دست

فقط کتاب رنگ می‌گیرد. برای تمدد اعصاب و دست پیدا کردن به آرامش نیز خواندن کتاب توصیه می‌شود. وقتی کتاب می‌خوانیم دایره واژگانی ما زیاد می‌شود و همین‌طور دانش و مهارت ما در نوشتار. همین‌ها به ما اعتمادبه‌نفس می‌دهد. فرض کنید قرار است شما در یک جمعی صحبت کنید توسعه دایره واژگان شما و دانش شما چقدر به کمک‌تان می‌آید. فرض کنید شما در حال خواندن یک رمان هستید ناچارید شخصیت‌ها و اسامی را به خاطر بسپارید تا رشته داستان از دست‌تان نرود، این تلاش شما به قوت حافظه شما می‌انجامد.

هر یک از ما آدم‌ها زندگی مخصوص به خود را داریم، با تجربیات مختص خودمان. وقتی کتاب می‌خوانیم در اصل در زندگی و تجربیات دیگران سهیم شده‌ایم. در واقع جان ما پر می‌شود از تجربیات نزیسته ما و این یعنی فرصتی عالی و کمیاب. همه اینها در ذهن و ضمیر ناخودآگاه ما می‌نشیند و هرگاه در آن زمینه نیاز به کمک و تجربه داشته باشیم به میدان می‌آید و ما را در حل‌وفصل مشکلات‌مان یاری می‌کند. احساس می‌کنیم با مسائل فراوانی و همین‌طور با راه‌حل‌های زیادی؛ آشنا شده‌ایم چرا که ذهن ما سرشار از قدرت پردازش شده است.

کتاب در رفتار و ذهن و اندیشه و زندگی ما اثر می‌گذارد. به ما این قدرت را می‌دهد که از دریچه دیگری به اطرافیان‌مان نگاه کنیم، نه از دید خودمان. آن وقت درک بهتری از دیگران خواهیم داشت و رفتارما با آنها طور دیگری تعریف می‌شود و البته که مهربانانه‌تر خواهد بود و قضاوت ما نسبت به آنها متحول خواهد شد.

کتاب آن قدر توانمند است که به ما راه نشان می‌دهد. به این دلیل که بر آگاهی ما می‌افزاید و حس می‌کنیم دریافت‌های ما از زندگی بیشتر شده است، به همین دلیل کیفیت زندگی ما بهتر می‌شود.

جایی برای کتاب باز کنیم

اگر بدانیم کتاب با ما چه می‌کند، آن وقت جایی برای آن در خانواده باز می‌کنیم. برای پیدا کردن کتاب‌های خوب انرژی صرف می‌کنیم و از اهل کتاب راهنمایی می‌گیریم، برای خریدن یک کتاب وقت و هزینه کنار می‌گذاریم. اگر ما در جایگاه پدر و مادر کتاب به دست نباشیم، به طور حتم بچه‌های ما هم با هیچ تشویق و تدبیری کتابخوان نخواهند شد. اصلاً کتاب خریدن و کتاب خواندن را می‌شود به چشم یک تفریح بی‌نظیر نگاه کرد. برخی از کتاب‌فروشی‌ها آن قدر زیبا و جذاب هستند که محال است وقتی وارد آنها شدید دست خالی برگردید و دفعه بعدی در کار نباشد که به طور حتم هست.

سرگرمی سالم

کتاب سرگرمی سالمی است که اگر به آن عادت کنیم وقت ما بیهوده تلف نخواهد شد و چون ذهن ما درگیر آن می‌شود، از حواشی کم‌ارزش زندگی دور می‌شویم و معطوف به خودمان می‌شویم و این غنیمت بزرگی است که باید قدر آن را بدانیم.

همه ما هرچقدر سرمان شلوغ باشد، حتماً در طول روز و شب پیش از خواب ۱۰ تا ۱۵ دقیقه وقت داریم که چند صفحه کتاب بخوانیم و حال‌مان را خوب کنیم. پس وقت نداریم، بهانه خوبی نیست برای کتاب نخواندن. تلفن همراه ما همیشه وصله به تن ماست؛ وصله‌ای که پر است از اطلاعات درست و غلط و پراکنده‌ای که دردی از ما دوا نمی‌کند و فقط ذهن ما را آشفته می‌کند، چرا یک کتاب کوچک همیشه همراه ما نباشد که اگر درست انتخاب شده باشد، جز اینکه دردی از ما دوا می‌کند، ذهن ما را نیز آرام می‌کند.

اگر با وسایل نقلیه عمومی تردد می‌کنیم، اگر با قطار و اتوبوس سفر می‌کنیم، قدر دقایق و ساعت‌هایی را بدانیم که حوصله‌مان سر می‌رود و تلف می‌شود. اگر با کتاب مأنوس باشیم به طور حتم در چنین فضاهایی یکی از مهم‌ترین انتخاب‌های ما کتاب خواهد بود. برای اینکه زندگی مطلوب‌تری داشته باشیم چاره‌ای نداریم جز کتاب که جسم و جان ما را جلا می‌دهد.

پایش

مروری بر واکنش‌های رسانه‌های اصلاح‌طلب به حضور تماشاگران زن در فینال آسیا

آدرس غلط از آزادی

□ **سید فخرالدین موسوی/** اگرچه در سال‌های اخیر و به ویژه پس از انتخابات سال ۹۶، افزایش اختلافات در طیف‌های گوناگون جریان اصلاحات بر سر سهم خود از قدرت، وضعیت اقتصادی، شکست برجام، نگرانی درباره از دست رفتن سبد رأی اصلاح‌طلبان در انتخابات‌های آتی و... موجب شده است به ندرت شاهد موضع‌گیری و تیتر واحد از سوی رسانه‌های زنجیره‌ای در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی باشیم؛ اما همچنان در مسائل اجتماعی و نوعی پنهان شدن در پس موضوعاتی چون کنسرت و محیط زیست و آزادی‌های زنان و... می‌توانند عکس و تیتر واحد بر صفحه اول روزنامه‌های اصلاح‌طلب بنشانند، چنانکه پس از برگزاری فینال آسیا در تهران میان نماینده ایران و ژاپن تیتر یک و عکس یک مشترک تقریباً همه روزنامه‌های نزدیک به این طیف به حضور بانوان در ورزشگاه اختصاص یافته بود. روزنامه «سازندگی» «پیروزی زنان ایران در فینال آسیا» را با عکسی تمام صفحه از خانم‌های حاضر در ورزشگاه بر صفحه اول نشانده بود، روزنامه هفت صبح تیتر «۱۰۰ درصد واقعی» را برای این اتفاق برگزیده بود و «آفتاب یزد» «برنده واقعی» را با فونتی درشت در صفحه اول قرار داد.

روزنامه «ایران» در گزارشی با عنوان «زنان پیروز فینال سرخ» نوشت: «همه دختران جوان و نوجوانی که در خارج از ورزشگاه ایستاده بودند و برای ورود به داخل استادیوم اشک شوق می‌ریختند هم توانستند مجوز ورود بگیرند و داخل شوند. دخترها که اغلب‌شان نوجوان‌های ۱۴ـ ۱۵ ساله هستند، به قدری از این اتفاق خوشحال بودند که سر از پا نمی‌شناختند و منتظر بودند که برای نخستین بار جو استادیوم آزادی را از نزدیک در یک بازی حساس و هیجان‌انگیز ببینند. ذوق و شوق زنان برای دیدن بازی به مراتب بیشتر از مردان است.»

روزنامه «اعتماد» از دیگر روزنامه‌های شاخص اصلاح‌طلب در گزارشی با عنوان «زنان برنده بازی آزادی» نوشت: «حضور ۸۰۰ تماشاگر زن در بازی فینال پرسپولیس و کاشیما، یعنی یک‌صدم تماشاگران این ورزشگاه در بازی فینال را زنان ایرانی تشکیل می‌دادند. در بین ۸ هزار تماشاگر ژاپنی، احتمالاً بیش از ۸۰۰ زن حضور داشتند، ولی با توجه به اشتیاق شدید و عمیق بخش قابل‌توجهی از زنان و دختران جامعه ایران برای حضور در ورزشگاه‌های فوتبال، انصاف باید داد که اختصاص فقط ۸۰۰ صندلی به زنان ایرانی در این بازی کافی نبود.»

نکته‌ای که فراتر از توجه ویژه این رسانه‌ها به حضور زنان در ورزشگاه چه به واسطه این بازی یا مطالبه آن در سال‌های گذشته مطرح می‌شود، استفاده ابزاری این رسانه‌ها از موضوعاتی از این دست برای به حاشیه راندن مطالبات اقتصادی مردم یا انتقادات جامعه به عملکرد اصلاح‌طلبان است

روزنامه «قانون» هم در گزارشی با عنوان «آزادی بدون روتوش» نوشت: «رسیدن پرسپولیس به فینال لیگ قهرمانان آسیا مساوی با رسیدن زنان به آرزوی چهل ساله خود برای تماشای یک دیدار رسمی فوتبال در ورزشگاه آزادی شد... از ساعات ابتدایی صبح دیروز، شمار زیادی از دختران و زنان دست به دعا و مصرانه دنبال آن بودند تا بتوانند هیجان حضور در آزادی را بالاخره تجربه کنند... اگر چه جمعیت کمتر از یک هزار نفری زنان در آزادی در قیاس با ۸۰ هزار مردی که در ورزشگاه بودند، به لحاظ کمی ناچیز بود؛ اما کیفیت این حضور که توانست برابری اجتماعی تازه‌ای را میان زنان و مردان ایجاد کند، بسیار و بسیار بالا بود. دیروز به همگان ثابت شد که می‌توان مطالبات اجتماعی و خواسته‌های به حق شهروندان را به اطمینان داشتن به سطح شعور و بلوغ مردم پاسخ داد.»

اما نکته‌ای که فراتر از توجه ویژه این رسانه‌ها به حضور زنان در ورزشگاه چه به واسطه این بازی یا مطالبه آن در سال‌های گذشته مطرح می‌شود، استفاده ابزاری این رسانه‌ها از موضوعاتی از این دست برای به حاشیه راندن مطالبات اقتصادی مردم یا انتقادات جامعه به عملکرد اصلاح‌طلبان است. آنچه در حاشیه برگزاری مسابقه فینال آسیا و موضوع حضور زنان در ورزشگاه نگران‌کننده بود، فعالیت رسانه‌های غیر رسمی برخی از جریان‌های اصلاح‌طلب و همچنین جریان‌های رسانه ضد انقلاب و سلطنت‌طلب برای ایجاد یک ذهنیت و تصور در جامعه بود. آنها با اشاره به حضور رئیس فیفا و رئیس ای‌اف‌سی در تهران و توجه‌شان به حضور زنان در ایران تلاش کردند این‌گونه القا کنند که برای رسیدن به مطالبات به متوسل شدن به خارج از مرزها نیاز داریم و وقاحت را حتی به جایی رساندند که تحریم‌های ظالمانه و غیر قانونی ایالات متحده را نیز توجیه کردند! موضوعی که البته بیش از آنکه طیف مورد نظر را به هدف خود نزدیک کند، نشان‌دهنده میزان صداقت واقعی این جریان‌ها برای کشور و مردم ایران است.

ژرفا

خوراکی‌های مخصوص هوای آلوده!

□ **صحرا محمدی/** دیگر گره کور پیدا کرده است پاییز و زمستان ما با هوای آلوده! داستان هوای آلوده پایتخت و کلان‌شهرها تکراری شده و هر سال پرخطرتر از سال پیش تکرار می‌شود. ما به این قصه بی‌قواره عادت نداریم، اما چاره‌ای هم نداریم. نه از تک‌سرنشینی در ماشین‌ها کوتاه می‌آییم و نه مشکل آلاینده‌های هوا را حل می‌کنیم، ما فقط نگرانیم همین! اما هر روز این ذرات آلوده را نفس که نه مانند زهر سر می‌کشیم، ریه‌های ما دارند کم‌کم با هوای پاک بیگانه می‌شوند، ولی آنها با این ذرات خو نمی‌گیرند؛ بلکه آسیب می‌بینند. عقل حکم نمی‌کند که دست روی دست بگذاریم تا این هوای سربی و آفت‌زده جسم و جان ما را با خود ببرد. مصرف مواد غذایی مناسب در چنین وضعیتی از آن دست مرهم‌هایی است که روی این زخم آلوده! باید گذاشت.

نفس کشیدن در هوای آلوده موادی سمی را وارد بدن می‌کند، اما خوردن یک دسته از مواد غذایی این توانایی را دارد که از تأثیرگذاری منفی مواد سمی در بدن بکاهد و به نوعی با آنها مقابله کند. برای نمونه ماده‌ای در میوه سیب وجود دارد که می‌تواند سرب را در بدن به طور کامل دفع کند، به همین دلیل کارشناسان تغذیه بر خوردن روزانه حداقل یک عدد سیب در این هوای آلوده تأکید می‌کنند. نوشیدن روزانه شیر به اندازه دو لیوان هم کمک فراوانی به ما می‌کند. میوه‌ها و سبزیجات تازه هم آنتی‌اکسیدان‌هایی دارند که به سلامت ریه‌ها مدد می‌رسانند. مرکباتی همچون نارنگی و پرتقال را در این فصول دست کم نگیرید. میوه پاییزی انار هم کمک حال خوبی است. از سیر و پیاز در روزهایی که آلوده اعلام می‌شود، غافل نشوید. نگران تأثیر جبران‌ناپذیر آلودگی هوا در بدن‌تان باشید، نه نگران بوی بد پیاز و سیر پس از خوردن.

عنصر روی به کاهش اثرات زیانبار هوای آلوده در بدن کمک می‌کند. روی را می‌توان در انواع فرآورده‌های دریایی، نخود سبز، عدس و جوانه گندم پیدا کرد. سبزیجاتی که برگ‌های تیره دارند هم دارای ماده منیزیم هستند که سبب جذب حداقلی مواد سمی در بدن می‌شوند.

نوشیدن زیاد آب و چای کم‌رنگ و قهوه به اضافه شیر سبب می‌شود مواد سمی در بدن رسوب نکنند و به سرعت از بدن دفع شوند، پس باید نوشیدن مایعات را جدی بگیریم.

از سویی، مواد غذایی‌ای هم هستند که مصرف آنها کمک می‌کند جذب مواد سمی و خطرناک موجود در هوا تشدید شود و آسیب‌هایی که به بدن وارد می‌شود، بیشتر شود. غذاهای پرچرب، فست‌فودها، سوسیس و کالباس و انواع کنسروها، چیپس و پفک از همین دست مواد غذایی ناسالم هستند.

به هر حال، هوای شهرها روزبه‌روز آلوده‌تر و برشمار شهرهایی از این دست هر روز افزوده می‌شود و البته که این فقط مختص کشور ما نیست. اما آمارهای رو به رشد بیماری‌های قلبی، تنفسی، سرطان و... تأمل‌برانگیز است، اضطراب، مواد غذایی ناایمن، کم‌تحرکی هر یک به تنهایی کفایت می‌کند تا این بیماری‌ها ایجاد یا تشدید شود، در این میان آلودگی هوای شهرها هم مزید بر علت می‌شود و خود یک تنه در بروز برخی بیماری‌ها نقش ایفا می‌کند. همه ما هر روز اقلام گوناگونی از مواد غذایی، میوه‌ها و سبزیجات را میل می‌کنیم، پس چه بهتر که با حساب و کتاب و دقت در این دریافت‌ها به مقابله با آلودگی هوا و اثرات منفی آن در بدن برویم.

انعکاس

موجی برای شهردار نشدن آخوندی

□ **حمیدرضا حیدری/** در هفته گذشته موضوعی که فضای مجازی را بسیار تحت تأثیر خود قرار داد، موضوع انتخاب شهردار تهران بود. هر چند خود انتخاب شهردار برای تهران که پس از یک سال و اندی از زمان شروع به کار شورای پنجم برای سومین بار در دستور کار قرار می‌گرفت، حائز اهمیت بود، اما این دلیل داغ شدن موضوع انتخاب شهردار تهران در فضای مجازی نبود؛ بلکه دلیل اصلی آن مطرح شدن عباس آخوندی وزیر مستعفی راه و شهرسازی بود که کمتر از یک ماه پیش از سمتی استعفا کرد که در آن بیش از سه بار استیضاح شده بود و زمزمه‌های استیضاح دوباره‌اش در مجلس شنیده می‌شد.

کاربران مختلف در فضاهای مختلف به احتمال شهردار شدن آخوندی واکنش نشان دادند. سیدمحمد حسینی وزیر ارشاد اسبق در توئیتر خود نوشت: «اگر اصلاح‌طلبان تمایل دارند تتمه آبروی‌شان هم برود، آخوندی را شهردار تهران کنند.»

بیژن نوباوه، نماینده سابق مجلس هم نوشت: «کارنامه ناموفق عباس آخوندی در وزارت راه و شهرسازی و توقف پروژه‌های عمرانی نشان از این دارد که با حضور وی در شهرداری تهران همین روند ادامه دارد و شهروندان تهرانی باید در انتظار روزهای سخت باشند.»

گزینه‌ای که حتی اصلاح‌طلبان هم او را مناسب پست شهرداری تهران نمی‌دانستند، از محمود صادقی و عبدالله رمضان‌زاده گرفته تا غلامحسین کرباسچی همه معتقد بودند که آخوندی گزینه مناسبی برای شهرداری تهران نیست.

یکی از نکاتی که مخالفان آخوندی بیش از همه به آن اشاره می‌کردند، بی‌توجهی وی به موضوع مسکن مهر بود. مسکن مهری که آخوندی در جلسه تودیعش از وزارت راه و شهرسازی با افتخار اعلام کرد حتی یک واحد از آن را افتتاح نکرده است. حالا کسی که کمترین توجهی به خانه‌دار شدن قشر متوسط و ضعیف جامعه نداشت، جزو نامزدهای شهرداری تهران شده بود.

یکی از کاربران این موضوع را دستمایه طنز قرار داد و نوشت: «آخوندی در پایان کار وزارت مسکن: افتخار می‌کنم که حتی یه مسکن مهر هم افتتاح نکردم. آخوندی در پایان کار شهرداری تهران: افتخار می‌کنم که حتی آشغال‌های مردم تهران را جمع نکردم.»

کاربر دیگری هم به این موضوع اینگونه واکنش نشان داد: «کار درستی کردم که حتی یک خیابان نساختم! کار درستی کردم که حتی یک پارک نساختم! کار درستی کردم که حتی یک مسجد نساختم! کار درستی کردم که به جنوب شهر بها ندادم! کار درستی کردم که مترو را توسعه ندادم! گفتم قبل از اینکه آخوندی بگه، گفته باشم!»

برخی هم با انتشار تصویری از محمدباقر قالیباف شهردار اسبق تهران در کنار تصویر آخوندی نوشتند: «کفر نعمت از کفت بیرون کند... چی دادیم، چی قراره بگیریم!»

اما در این میان انتقادهای فراوانی از سوی کاربران فضای مجازی به شورای شهر برای احتمال انتخاب آخوندی به عنوان شهردار تهران گسیل شده بود. البته موجی که ایجاد شد بی‌تأثیر هم نبود. ایجاد فضایی که حتی شورای شهر اصلاح‌طلب بدانند که هر انتخابی که داشته باشند مردم آن را رصد می‌کنند. فضای مجازی تأثیر خود را بر انتخاب شهردار تهران گذاشت و آخوندی با اختلاف یک رأی شهردار تهران نشد. انتخاب نشدن آخوندی هم در فضای مجازی واکنش‌هایی را در پی داشت.

کاربری در صفحه توئیتر خود نوشت: «درسته که از انتخاب پیروز حناچی به عنوان شهردار تهران خوشحال نیستیم و این آدم هم یه کارنابلد مثل بقیه اصلاح‌طلب‌هاست، ولی عدم انتخاب آخوندی نشون داد که شبکه‌های مجازی چقدر می‌تونن قدرتمند باشند و توی انتخاب بین بد و بدتر مثمر ثمر باشند.»

و کاربر دیگری که نوشت: «از نظر من شهردار نشدن آخوندی یه پیروزی به حساب میاد. شاید حناچی هم در عمل مثل آخوندی باشه، ولی آخوندی در واقع نماد اشرافیت در دولت بود که ما تونستیم در حذفش تأثیرگذار باشیم.»

البته، برخی از کاربران هنوز هم از موضوع آخوندی دست نکشیده‌اند و با توجه به شکایت نمایندگان مجلس از آخوندی، به دنبال هموار کردن مسیر برای محاکمه وی به دلیل عملکرد ضعیفش در طول پنج سال وزارتش در حوزه راه و شهرسازی هستند.

اذعان به شکست

فرانسیس فوکویاما جامعه‌شناس آمریکایی چندی پیش با حضور در برنامه تلویزیونی «HARDtalk» شبکه بی‌بی‌سی از نظریه معروفش درباره برتری «لیبرال‌دموکراسی» در کتاب «پایان تاریخ و آخرین انسان» عدول کرد و گفت: «من فکر نمی‌کنم جهت تاریخ هنوز هم به سمت لیبرال‌دموکراسی باشد. دموکراسی بسیار شکننده است و آنچه من در این ۲۵ سال به آن رسیده‌ام این است که ایجاد نهادهای دموکراتیک بسیار دشوار است، به خصوص حکومت‌های دموکراتیکی که بتوانند بدون فساد اداری و مالی به مردم خدمات بدهند؛ این‌گونه نظام‌ها در جهان بسیار نادر هستند.»

سیاست‌نامه

بررسی اندیشه سیاسی شیخ‌مرتضی انصاری ـ ۱۳

پاسخ به یک شبهه

□ **فتح الله پریشان /** ولایت فقیه، ریشه در اعماق فقه شیعه دارد. فقهای شیعه به مناسبت‌های گوناگون، در کتاب‌های فقهی خود، آن را مطرح کرده و در روزگار غیبت که دسترسی به معصوم نیست، جانشینی فقیه جامع‌الشرایط را پذیرفته‌اند. محقق کرکی و بسیاری از فقیهان نامور دیگر بر این موضوع دعوی اجماع کرده‌اند:

«اتفق اصحابنا، رضوان الله تعالی علیهم، علی ان الفقیه العدل الامامی، الجامع لشرایط الفتوی... نایب من قبل ائمه الهدی، صلوات الله و سلامه علیهم، فی حال الغیبة فی جمیع ما للنیابة فیه مدخل.»[1]

با وجود این اسناد و میراث علمی به جا مانده همچنان کسانی هستند که ولایت فقیه را با این همه قدمت، موضوعی جدید و نوپیدا پنداشته‌اند و این اصل مسلم را انکار کرده‌اند و پنداشته‌اند که شیخ‌انصاری، همچون آنان می‌اندیشد: «ولایت فقیه، یا مجتهد، یک مسئله فقهی مستحدث در میان فقهاست و مشمولیت عام ندارد. ولایت فقیه، در یک قرن و نیم پیش، برای اولین بار، از طرف مرحوم ملااحمد نراقی، مطرح گردید و دلایلی برای آن آورده است که فقط مورد قبول تعداد اندکی از فقهای معاصر شده است. از جمله: آیت‌الله بروجردی (به طور محدود و مشروط) و آیت‌الله خمینی... در برابر اندک عدّه فوق، غالب علما و مخصوصاً بزرگان فقها که از بنیانگذاران و اساتید موجّه حوزه و صاحب رساله عملیّه و مقام مرجعیت شیعه هستند، نظریه ولایت فقیه را شدیداً ردّ کرده‌اند و رأی به بطلان و بی‌اساسی آن داده‌اند. از جمله است مرحوم شیخ انصاری، بزرگ‌ترین فقیه چند صد ساله اخیر.»[2]

علاوه بر نظری که مهندس بازرگان در سال ۱۳۶۷ در جزوه تفصیل و تحلیل ولایت مطلقه فقیه به صورت فوق اشاره کرده، شاید برخی از استادان حوزه و دانشگاه نیز در بررسی‌های خود، این پندار را مطرح کرده باشند که شیخ‌انصاری، ولایت فقیه را قبول ندارد و در ردیف مخالفان است. امّا باید توجه داشت که نظر این دو گروه با هم تفاوت اساسی دارد. گروه اول، از آنجا که با حکومت متکی بر ولایت فقیه مخالف است، در پی مستمسکی می‌گردد که پندار سست و بی‌بنیاد خود را بر کرسی نشاند، ولی گروه دوّم، انگیزه سیاسی ندارد و ممکن است در پی تحقیق علمی به این استنباط اشتباه رسیده باشد.

در پاسخ به شبهه فوق درباره دیدگاه شیخ‌انصاری و تشریح دیدگاه وی در موضوع ولایت فقیه، باید همه نوشته‌های وی را دید و آنگاه اظهارنظر کرد. ازاین‌رو، پیرو مطالب گذشته، لازم است در اینجا نیز با توجه به نظرات شیخ اعظم در کتبی چون؛ المکاسب، کتاب الزکاة، کتاب الخمس و نجات العباد به برآیندی نائل شویم. شیخ‌انصاری، در چندین جای مکاسب درباره حکومت و مسائل مربوط به آن، بحث کرده، از جمله در کتاب بیع، به درخواست شاگردان، بحث ولایت فقیه را مطرح و مناصب سه‌گانه فتوا، قضا و حکومت[3] را برای فقیه عنوان می‌کند. وی، ولایت فقیه را بر فتوا و قضا، قطعی می‌داند.

درباره مقام سوّم، تا حدودی به تفصیل سخن می‌گوید و در نهایت، قلمرو ولایت فقیه را در این مقام، محدود می‌انگارد. پس از تصویر گونه‌های گونه‌گون (ولایت) نوع استقلالی آن را که (ولی) بتواند در امور مربوط به جان و مال مردم و مصالح آنان تصرف کند، یا به چیزی وادارد، یا از چیزی بازدارد و... به مقتضای دلایل قطعی، ویژه پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) و امامان و نایبان خاص آنان می‌داند. در توانایی دلایل ولایت فقیه، برای اثبات این نوع ولایت، تردید دارد: «اگر در روایات دقت شود، روشن می‌شود که سیاق و صدر و ذیل آنها در مقام بیان وظیفه فقها از نظر احکام شرعیه می‌باشند و ولایت آنان را بر اموال، بسان پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) و ائمه معصومین، ثابت نمی‌کند.» بنابراین، اگر فقیه، زکات و خمس را از مردم، مطالبه کند، بر مردم واجب نیست به او بپردازند.[4]

ایشان برای فقیه جامع‌الشرایط، تنها ولایتی را می‌پذیرد که مستند و اذن داده شده از سوی امام معصوم باشد و لذا برخی از نویسنده‌ها از آن به «ولایت اذنیه» تعبیر می‌کنند. به این معنا که می‌گوید: مسائل فردی و اجتماعی مسلمانان، سه گونه است:

۱ـ اموری که مشروعیت آنها بستگی به اذن امام معصوم دارد مانند جهاد ابتدایی که فقیه، نه خود می‌تواند و نه می‌تواند به دیگران چنین اجازه‌ای بدهد.

۲ـ مسئولیت‌ها و وظایفی هستند که عهده‌دار انجام آنها، به طور خاص، یا عام، مشخص شده است، مانند نظارت پدر بر مال فرزند.

۳ـ وظایفی هستند که دخالت، یا اذن فقیه در مشروعیت، یا صحت انجام آنها، به طور قطع، یا احتمال، برای ما مطرح می‌باشد. مانند حوادث واقعه که مراد از آنها را مطلق اموری می‌داند که شرعاً، عرفاً و عقلاً، مردم به رئیس خود برای تعیین تکلیف مراجعه می‌کنند.

در این‌گونه موارد باید به فقیه واجد شرایط رجوع کرد و از او، برای تعیین تکلیف در این امور، نظر خواست.[5]

منابع:

۱ـ رسائل، محقق کرکی، تحقیق: محمّدحسون، رساله صلوة الجمعه، ج۱، ص۱۴۲، کتابخانه آیت‌الله مرعشی، قم.
۲ـ نهضت آزادی ایران(نوشته مهدی بازرگان)، تفصیل و تحلیل ولایت مطلقه فقیه،۱۳۶۷، ص۱۳۵.
۳ـ مرتضی انصاری، مکاسب، ص۱۵۳.
۴ـ همان، ص۱۵۴.
۵ـ همان.

کتابخوان

مبانی نظری و ریشه‌های تاریخی انقلاب اسلامی ایران

با وجود گذشتن حدود ۴۰ سال از عمر انقلاب اسلامی و ورود آن به دهه پنجم عمر خود، روند نوشتن درباره انقلاب عظیم اسلامی در ایران و ابعاد گوناگون آن همچنان ادامه دارد و پیش‌بینی می‌شود تا آینده‌ای نه چندان نزدیک از اهمیت لزوم بررسی و کسب دریافت‌های مورد وثوق‌تر جدید درباره آن از سوی صاحب‌نظران کاسته نشود. اما بازکاوی و دریافت عمیق و دقیق‌تری از مبانی نظری و ریشه‌های تاریخی آن واقعه بی‌مانند ضرورتی مهم برای نسل جدید است که نباید از آن غفلت شود.

کتاب «مبانی نظری و ریشه‌های تاریخی انقلاب اسلامی ایران» که به صورت یک مجموعه سه جلدی به قلم مظفر شاهدی تألیف و از سوی پژوهشکده امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی در سال ۱۳۹۳ به بازار عرضه شده، تلاش دارد مبانی نظری و ریشه‌های تاریخی انقلاب اسلامی ایران را بررسی، تحلیل و ارزیابی قرار کند.

با توجه به این موضوع، کتاب پیش رو بر مبنای دو پرسش اساسی زیر، که هر یک می‌توانند سؤالات دیگری را در زیرمجموعه‌های خود جای دهند، تنظیم و تدوین شده است: ۱ـ آیا انقلابی که در سال ۱۳۵۷ به عمر نظام شاهنشاهی پهلوی خاتمه داد، شکل، قالب و محتوایی اسلامی داشت؟ و اگر پاسخ مثبت است، پرسش دوم و مهم‌تر این پژوهش عبارت خواهد بود: ۲ـ چرا انقلاب ایران، اسلامی بود و به طور مشخص‌تر در احکام، فرهنگ، آموزه‌ها، شعائر دین اسلام و مذهب تشیع ریشه داشت؟

در این مجموعه سه جلدی تلاش شده در جلد اول این مجموعه با زیر عنوان تشیع و سیاست در گذر زمان؛ انقلاب ناتمام مشروطیت طی سه فصل درباره ماهیت و چگونگی پیدایش و گسترش مذهب تشیع، سیر تکوین و تحول اندیشه ولایت فقیهان جامع‌الشرایط در عصر غیبت و مسئولیت‌پذیری و نقش و جایگاه تاریخی فقیهان و مجتهدان در حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دینی جامعه مسلمانان بازکاوی شود. جلد دوم کتاب با زیر عنوان «مشروطه‌خواهی در پایان راه» به ادامه روند تاریخی انقلاب اسلامی ایران و تحلیل مبانی نظری و ریشه‌های تاریخی آن پرداخته است و در جلد سوم کتاب مبانی نظری و ریشه‌های تاریخی انقلاب اسلامی ایران با زیر عنوان «یک انقلاب بی‌مانند» به اتفاقات و مسائل سال‌های ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۶ توجه شده است.

آفاق

ماهیت‌شناسی و نحوه استمرار انقلاب اسلامی ـ ۲۴

اصل عدالت و تکامل فردی و اجتماعی

□ **دکتر عباسعلی عظیمی‌شوشتری /**

سومین اصل از اصول بنیادین انقلاب اسلامی عدالت است. باید دانست که به موجب ۴ اصل بند قانون اساسی، عدالت از منظر انقلاب اسلامی در ابعاد تکوین و تشریع مورد نظر است. در بعد تکوین، یعنی خدای متعال آفرینش عالم را بر اساس عدالت صورت داده است. در این صورت، عدالت، به حکمت و نظام احسن برمی‌گردد؛ یعنی خداوند متعال، عالم را طوری آفریده است که اجزایش آنچنان با هم مربوط باشند که در کلّ، بهترین نظام را به وجود آورد.[1] به‌گونه‌ای که جای هر یک از این اجزا نیز نسبت به مخلوق دیگر و مجموعاً نسبت به کلّ، سنجیده می‌شود که آن هم، اثر آفرینش خود خداست. در این صورت بعد دیگر عدالت یعنی عدالت در تشریع مطرح می‌شود. به این معنا که خداوند در امور تشریعی عادل است. به این ترتیب، عدالت خداوند، مفهومی است که از فعل تکوینی الهی تا وضع تشریعی و اعطای ثواب و عقاب، همه را در بر می‌گیرد. از این موضوع این نتیجه حاصل می شود که چون نظام هستی مبتنی بر عدل است، انسان و جامعه او نیز که جزئی از این نظام محسوب می‌شوند نیز باید بر عدل مبتنی باشند، این امر از طریق عدالت در تشریع صورت می‌گیرد.

۱ـ رابطه عدالت و عدل در نظام خلقت

عدلی می‌تواند موجب برقراری توازن و هماهنگی میان انسان و جامعه او با هستی شود که با مقتضیات عدل حاکم بر هستی یا عدالت تکوینی که در فطرت وی مخمر است، هماهنگ باشد. در غیر این صورت اولاً، عدل نیست، ثانیاً، موجب برهم خوردن و واکنش نظامات مبتنی بر عدل در هستی شده، جامعه انسانی را محکوم به فنا می‌کند.[2]

۲ـ رابطه عدل و نظام‌سازی

اگر قرار باشد بین عدالت در انسان و جامعه انسانی و نظام عادلانه هستی هماهنگی باشد، استقرار عدالت باید صرفاً از طریق ساختن نظاماتی استقرار یابد که از خالق این نظام عادلانه دریافت شده باشد. این امر نیز از طریق ارسال رسل و انزال کتب امکان‌پذیر است. (حدید/ ۲۵) مراد از میزان، دین است، چون دین چیزی است که عقاید و اعمال اشخاص با آن سنجیده می‌شود و برخی از مفسران نیز میزان را به عقل تفسیر کرده‌اند. به هر جهت غرض از انزال کتاب و میزان این بوده که مردم به عدل آموخته شوند و به آن خو بگیرند.[3] با این اصل زیرساخت نظام مورد نظر انقلاب اسلامی باید بر پایه عدالت باشد؛ زیرا تشریع الهی که حاکم بر تمام ابعاد این نظام است(اصل چهارم) عادلانه می‌باشد. پس هر برنامه‌ریزی و وضع قواعد و مقررات که با این اصل مغایر باشد، در واقع انحراف از بنیادهای قانون اساسی است.[4]

افزون بر این، قانون اساسی قرائت شیعی امامیه را پذیرا شده که عدالت را، هم به عنوان یک فضیلت اخلاقی در رهبر (اصل پنجم و یکصدونهم) و فقهای شورای نگهبان (اصل نودویکم) و رئیس قوه قضائیه(اصل یکصدوپنجاه هفتم) شرط دانسته و هم زیرساخت و اساس همه نظامات حاکم بر جمهوری اسلامی دانسته (اصل سوم) و سایر مقررات را نیز با همین نگاه تنظیم کرده است. به این ترتیب، یک هماهنگی میان مجریان اصلی قانون و نظامات بر اساس عدالت ایجاد کرده است. این امر سبب شده است که نگاه عدالت‌محور در قوانین عادی و سیاست‌های کلی ابلاغی از سوی رهبر معظم انقلاب غلبه داشته باشد، برای نمونه در سیاست‌های کلان اقتصادی برنامه سوم توسعه در قانون شوراها نیز تشکیل شورای عالی استان‌ها به همین منظور بوده است و بسیاری دیگر از مقررات.

۳ـ عدالت و پیشرفت پایدار

عدالت، هم در کمال فردی و هم پیشرفت اجتماعی نقش اساسی ایفا می‌کند. در حوزه فردی از امهات فضائل اخلاقی محسوب می‌شود و در مفهوم حد وسط بین افراط و تفریط در امور معنا می‌شود.[5] در این صورت رابطه تنگاتنگی با تقوا پیدا می‌کند. عدالت در اجتماع نیز همان عدالت اجتماعی است که در جای خود به طور مفصل بیان خواهد شد.

این نگرش مبانی انقلاب اسلامی را از دیدگاه‌هایی که عدالت را فقط در بعد اجتماعی می‌دانند، متفاوت می‌کند.[6] نکته‌ای که وجود دارد این است که به دلیل جایگاه و نقش فرد در جامعه در صورت تحقق عدالت در افراد به عنوان یک فضیلت اخلاقی، بستر لازم برای تحقق عدالت اجتماعی در وجه حقیقی آن نیز مهیا می‌شود؛ زیرا در واقع قسط یا عدالت اجتماعی همان عدل است در روابط اجتماعی.[7] با تحقق چنین عدالتی است که تمامی نیازهای مادی و معنوی انسان تأمین می‌شود. در این صورت عدالت مقدمه عبودیت می‌شود.[8] طبیعی است که شکل‌گیری عدالت اجتماعی نیز به نوبه خود موجب نهادینه شدن فضیلت اخلاقی عدالت شده، حرکت انسان‌ها را در این مسیر تقویت خواهد کرد.

۴ـ عدالت و عقلانیت

به همان نسبت که عدالت فضیلتی معنوی است که در جامعه در قالب قسط و عدالت اجتماعی متجلی می‌شود، نمی‌تواند از عقلانیت و معنویت جدا باشد، فقدان این دو عنصر به مفهوم فقدان عدالت است.[8] پس با عدالت توزیعی سوسیالیستی و عدالت معاوضی کاپیتالیستی مغایرت دارد؛ زیرا در این دو حداقل معنویت جایگاهی ندارد.

رابطه عدالت با معنویت و عقلانیت و معاد از منظر انقلاب اسلامی

بر این اساس با توجه به اختلاف‌نظرها در باب عدالت، شکل‌گیری یک مفهوم واحد و مشخص از عدالت با توجه به مقتضیات روز مبتنی بر پارادایم انقلاب اسلامی ضروری است.[9]

۵ـ عدالت و تحقق تمدن اسلامی

بر اساس مبانی انقلاب اسلامی، پایان حرکت تمدنی این انقلاب یک پایانِ امید به عدل است؛ یعنی دورانی خواهد آمد که دوران عدل خواهد بود که آن دورانِ استقرار دین کامل است. در دعای پس از زیارت شریف آل‌یاسین آمده است: «یملأ الله به الأرض قسطا و عدلا کما ملئت ظلما و جورا». پس در مبدأ، در مسیر و در منتهای حرکت انقلاب اسلامی مانند حرکت همه انبیای الهی تکیه بر روی عدل است.[10]

۶ـ عدالت و بسترهای اجتماعی

پیاده کردن عدالت نیازمند زمینه‌های اجتماعی است. به عبارت دیگر، جامعه باید عدالت‌پذیر باشد. گاه در اثر شدت آلودگی‌ها جامعه به جایی می‌رسد که زمینه پذیرش عدالت را ندارد. در این صورت بزرگ‌ترین رهبران الهی هم ناکام می‌مانند.[11] بنابراین برای تحقق جامعه آرمانی انقلاب اسلامی باید جامعه را آماده پذیرش عدالت کرد و زمینه مساعد را برای برقراری عدالت مهدوی فراهم کرد.

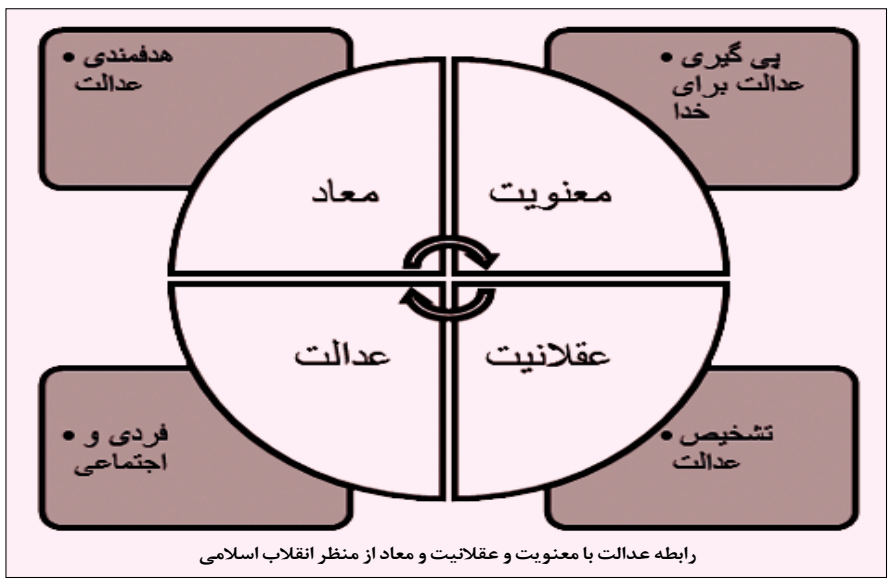

رابطه عدالت با معنویت و عقلانیت و معاد از منظر انقلاب اسلامی

شاخص‌های عدالت در انقلاب اسلامی

ردیف	عدالت در مبانی انقلاب اسلامی
۱	عدل اساس جهان هستی است.
۲	عدالت به مفهوم حد وسط میان افراط و تفریط است
۳	استمرار عدل در جهان هستی در فرد منجر به اعتدال و در جامعه منتهی به قسط می‌شود.
۴	شرط لازم برای کمال فردی و اجتماعی است
۵	انسان کامل مظهر عدل الهی است
۶	شرط تحقق عدالت وجود زمینه‌های پذیرش اجتماعی است
۷	دارای دو بعد فردی و اجتماعی است
۸	عدالت مبنای طراحی ساختارهای اداری و سازمانی است
۹	عدالت معیار قوانین و مقررات است
۱۰	عدالت شرط اخلاقی لازم برای تصدی پست‌های کلیدی است

پی‌نوشت‌ها:

۱ـ محمدتقی مصباح‌یزدی، عدالت و پیشرفت در دولت دینی، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره، ۵۲، ۱۳۸۸، ش ۵۲، ص ۶.
۲ـ بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضایی، ۱۳۸۰/۴/۷.
۳ـ علامه طباطبائی، همان.
۴ـ اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی، همان، ج ۱، ص ۲۱۲.
۵ـ امام خمینی(ره)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۱۴۷.
۶ـ UNDP, Human Development Report ,۲۰۱۱ Published for the United Nations Development Program, ۲۰۱۱, p:۱۸.
۷ـ بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۱/۱۱/۱.
۸ـ بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۱/۱۱/۱.
۹ـ بیانات دیدار با رئیس‌جمهور و هیئت وزیران ۱۳۸۴/۶/۸.
۱۰ـ همان.
۱۱ـ همان.
۱۲ـ بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۶/۹/۲۵.

جریان‌شناسی فکری ـ فرهنگی عقلانیت اسلامی ـ ۱۷

تقابل سیاسی عقلانیت اسلامی با جریان رضاخانی

□ **حسین میرچراغ‌خانی /** در شماره گذشته عملکرد و مواجهه فرهنگی جریان عقلانیت اسلامی با حکومت و جریان رضاخانی بررسی شد. افزون بر راهبرد فرهنگی، جریان عقلانیت اسلامی در مواجهه با جریان رضاخانی از راهبرد سیاسی نیز استفاده می‌کرد که در این مطلب این راهبرد بررسی می‌شود.

راهبرد دوم؛ تقابل سیاسی

با گذر زمان و تثبیت قدرت رضاخان، فعالیت‌های او برضد دین و مذهب گسترش می‌یافت. مهم‌ترین اقدامات رضاشاه در این زمینه متحدالشکل کردن لباس مردان، کشف حجاب بانوان، همکاری با رژیم صهیونیستی، طرح جمهوریت، تغییر قانون قضایی کشور و تغییر نظام آموزشی با هدف سوق دادن جامعه به سمت سکولار شدن بود.

۱ـ واکنش به طرح جمهوری‌خواهی

از طرح‌های رضاخان که به ظاهر کار مفیدی به نظر می‌رسید، مطرح کردن طرح جمهوری بود. این طرح با مخالفت جریان عقلانیت اسلامی مواجه شد. اینکه چرا جریان عقلانیت اسلامی با طرح جمهوری مخالفت کرد، باید از دیدگاه‌های رهبران جریان عقلانیت اسلامی بررسی شود. در اینجا دو استدلال مخالفان جمهوری‌خواهی رضاخان که نقش مهمی در کنار گذاشتن این طرح داشت، بررسی می‌شود.

در کتاب روزنامهٔ خاطرات عین‌السلطنه، جلد نهم، در مطلبی با عنوان «استدلال قم»، دلیل مخالفت علما با طرح جمهوری چنین بیان شده است:

«در قم، آقایان حجج اسلام به وی گفته‌اند تو خود را مسلمان پاک و ناجی ایران می‌دانی. فقط و فقط دولت اسلامی که اسم و رسمی دارد، ایران است. جمهوری شد و شما هم رئیس‌جمهور؛ آیا ریاست و عمر شما تا آخر باقی خواهد بود؟ این خیال، غیرممکن است. پس چیزی نمی‌گذرد یک زرتشتی پرپول، یک یهودی صاحب‌نفوذ... یک بابی مسلمان‌نما رئیس‌جمهور شد. آن وقت حال این مملکت چه خواهد شد؟»[1]

استدلال دیگر در کتاب تاریخ بیست سالهٔ ایران، جلد دوم، از شهید مدرس ذکر شده است که چنین می‌گوید: «من با جمهوری واقعی مخالف نیستم و حکومت صدر اسلام هم جمهوری بوده است؛ ولی این جمهوری که می‌خواهند به ما تحمیل کنند، بنا به ارادهٔ ملت ایران نیست؛ بلکه انگلیس‌ها می‌خواهند به ملت ایران تحمیل کنند و رژیم حکومتی[ای] را که صددرصد دست‌نشانده و تحت ارادهٔ خود[شان] باشد، در ایران برقرار سازند... . اگر واقعاً نامزد و کاندیدای جمهوری، فردی آزادیخواه و ملی بود، حتماً با او موافقت می‌کردم و از هیچ نوع کمک و مساعده با او دریغ نمی‌نمودم.»[2]

> **با گذر زمان و تثبیت قدرت رضاخان، فعالیت‌های او برضد دین و مذهب گسترش می‌یافت. مهم‌ترین اقدامات رضاشاه در این زمینه متحدالشکل کردن لباس مردان، کشف حجاب بانوان، همکاری با رژیم صهیونیستی، طرح جمهوریت، تغییر قانون قضایی کشور و تغییر نظام آموزشی با هدف سوق دادن جامعه به سمت سکولار شدن بود**

در نگاه اول به دو دیدگاه، چنین برداشت می‌شود که علمای قم با کلیت جمهوری مخالفت می‌کنند و شهید مدرس با شخص رضاشاه مخالف است، نه با جمهوری. در واقع، نگرانی علمای قم این بود که با نبود فیلترهای تأیید صلاحیت و نظارت کافی، کسانی در چهارچوب جمهوری روی کار بیایند که هیچ اعتقادی به اسلام و تشیع ندارند. طرح جمهوری بدون قید «اسلامی» این قابلیت را داشت که به گفتهٔ علمای قم، یک یهودی بانفوذ یا یک زرتشتی پولدار بتواند در رأس کشور قرار گیرد. تفاوت مخالفت مدرس با علمای قم در این است که شهید مدرس با توجه به حضور در مجلس و آشنایی با وضع قانون، ایجاد فیلتر و جلوگیری از ورود غیرمسلمان به قدرت را ممکن می‌دانست؛ از این‌رو، با شخص رضاشاه مخالفت می‌کرد و نگرانی او روی کار آمدن رضاخان بود. از نظر او، اگر رضاخان به قدرت نرسد، ممکن‌است با وضع قانون، کسی رئیس‌جمهور شود که به‌مراتب از رضاخان بهتر باشد.

۲ـ واکنش به قانون کشف حجاب

یکی از نمادهای تمدن اسلامی، نوع پوشش و حجاب است. پوشش مسلمانان، از جمله حجاب زنان، دستور صریح خداوند در قرآن کریم(سوره مبارکه نور آیه۳۱) است. فرهنگ غرب، برای گسترش و نفوذ در جهان اسلام، باید نمادهای تمدن اسلامی را به چالش بکشد. در این راستا، در کشور مصر اسماعیل پاشا، در ترکیه کمال آتاتورک، در افغانستان امان‌الله‌خان و در ایران رضاخان، اسباب کشف حجاب[3] در جهان اسلام را به نفع فرهنگ غرب فراهم کردند. در ایران نسبت به اقدام رضاخان، از سوی مردم و جریانات موجود، مقاومت‌هایی صورت گرفت.

طیف روحانیون در مقابله با کشف حجاب، به سه دسته تقسیم شدند: گروه اول کسانی بودند که به‌شدت مخالفت کردند و از طرف رژیم با آنها برخورد شد؛ مانند حاج‌آقاحسین قمی، سیدیونس اردبیلی، آقازاده فرزند آیت‌الله خراسانی، آشتیانی و سیدعبدالله شیرازی؛[4] گروه دوم، مخالف کشف حجاب بودند؛ اما با مواضعی نسبتاً آرام پیگیر مشکل بودند؛ مانند آیت‌الله حائری، بنیانگذار حوزهٔ علمیهٔ قم؛ گروه سوم، روحانی‌نمایانی بودند که گوش‌به‌فرمان دربار بودند؛ مانند سیدمحمدحسین مجتهد در بوشهر، افتخارالاسلام در سمنان و سرابی و سیدالعراقین در مشهد. همچنین در شهرهای دیگر، افرادی بودند که با رژیم همکاری می‌کردند.[5]

افرادی که شیوهٔ مبارزهٔ مستقیم را در پی گرفتند، مانند فرزند آیت‌الله خراسانی و سیدیونس اردبیلی، چیزی برای از دست دادن نداشتند و با تمام توان، سعی در اجرایی نشدن این قانون داشتند؛ اما افرادی مانند شیخ‌عبدالکریم حائری که به تازگی حوزهٔ علمیهٔ قم را تأسیس کرده و به اهمیت آن واقف بود، نمی‌خواست بهانه‌ای به دست رضاخان بدهد و شاهد نابودی حوزهٔ علمیهٔ قم باشد. با این حال، در تلگرافی مراتب نگرانی از کشف حجاب را به رضاخان رساند.

در پی این تلگراف، رضاخان برای خاموش کردن اعتراض این مرجع بانفوذ، سراسیمه به قم آمد و با تهدید آیت‌الله حائری از او خواست که در برابر این قانون ایستادگی نکند. در بخشی از صحبت‌های رضاخان با آیت‌الله حائری چنین آمده است: «رفتارتان را عوض کنید؛ وگرنه حوزهٔ قم را با خاک یکسان می‌کنم. کشور مجاور ما ترکیه، کشف حجاب کرده و به اروپا ملحق شده است؛ ما نیز این کار را باید بکنیم و این تصمیم هرگز لغو نمی‌شود.»[6] تهدیدهای جدی رضاخان علیه حوزهٔ علمیهٔ قم، آیت‌الله حائری را بر آن داشت تا به جای مخالفت آشکار و در نتیجه بی‌اثر، با دوراندیشی حوزهٔ علمیهٔ قم را پایه‌گذاری کند؛ که در آینده، یکی از شاگردان این حوزه (حضرت امام)، نه‌تنها برنامه‌های ضددینی رژیم‌های پهلوی، بلکه اصل رژیم آنها را برچیند.

پی‌نوشت‌ها:

۱ـ قهرمان‌میرزا عین‌السلطنه، روزنامهٔ خاطرات عین‌السلطنه، به کوشش مسعودمیرزا سالور و ایرج افشار، تهران، اساطیر، ج ۹، ۱۳۷۴، ۶۸۸۷ـ ۶۸۸۶.
۲ـ حسین مکی، تاریخ بیست‌سالهٔ ایران (مقدمات تغییر مشروطیت)، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹، ج ۲، ص ۵۰۰.
۳ـ موسی فقیه‌حقانی، «اسناد تصویری کشف حجاب»، تاریخ معاصر ایران، س ۳، ش ۱۲، زمستان ۱۳۷۸، ص ۳۲۲ـ ۲۹۷.
۴ـ منصور میراحمدی و حسین جباری، «گونه‌شناسی مواضع عالمان شیعی در قبال سیاست‌های دولت مطلقهٔ شبه‌مدرن پهلوی اول»، مطالعات انقلاب اسلامی، س ۳، ش ۱۹، زمستان ۱۳۸۸، ص ۱۸۴.
۵ـ منصور میراحمدی و حسین جباری، همان، ص ۱۸۸.
۶ـ فرزانه نیکوبرش، بررسی عملکرد سیاسی آیت‌الله حاج‌شیخ‌عبدالکریم حائری یزدی، تهران، چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۸۱، ص ۳۳۱.

ریزش‌ها

فراز و فرود شیخ‌علی تهرانی ـ ۲

گسست از امام و انقلاب

□ **شهاب زمانی /** برای تحلیل و بازشناسی رفتاری ـ اخلاقی افراد باید به نحوه تعامل آنها با محیط پیرامون و رخدادهای اجتماعی مبتنی بر ماهیت انسانی توجه کرد. مطالعه عمیق در این باره نشان‌دهنده وجود ضعف‌های باوری، اخلاقی و روحی در افرادی است که روزگاری در خط امام(ره) و انقلاب بوده‌اند و چند صباح دیگر و در اثر محرومیت شخصی از موقعیتی نتوانسته‌اند بین امر شخصی و امر عمومی و گفتمانی تفاوت بگذارند. در بازخوانی رفتاری و اخلاقی شیخ‌علی تهرانی بیش از همه ویژگی‌ها، نبود ثبات شخصیت در وی مشهود است.

شیخ‌علی تهرانی از اواخر سال ۱۳۵۸ به این سو به تدریج به سمت هواداری از جریان‌های مخالف انقلاب کشیده شد و کم و بیش مواضع مشترکی با لاهوتی داشت. با جدا شدن صفوف، وی به مجاهدین خلق و بنی‌صدر متمایل شد و در بهمن ماه ۱۳۵۸ ضمن نگارش متنی که در نشریه «مجاهد» به چاپ رسید، از عملکرد امام(ره) انتقاد کرد.

تندترین مصاحبه وی که به تحریک برخی از اعضای مجاهدین خلق با عنوان «معلمان مسلمان» مشهد انتشار یافت، حاوی برخوردهای تند وی بر ضد رهبران حزب جمهوری اسلامی و شخص امام(ره) بود. این مصاحبه با عنوان «مصاحبه با استاد علی تهرانی» در شمارگان بسیار وسیعی چاپ و منتشر شد. اصل این مصاحبه، پس از آن بود که امام(ره) به طور رسمی بر ضد مجاهدین خلق موضع گرفت. وی در این مصاحبه از مجاهدین دفاع کرد و منافق بودن آنان را سخت مورد انکار قرار داد.

بعدها که اوضاع بدتر شد، وی همچنان به ضدیت با امام(ره) و نیروهای مکتبی ادامه داد. بنی‌صدر در سی‌ام اردیبهشت سال ۶۰ از تلگرافی خبر داده است که شیخ‌علی تهرانی به وی کرده و از او خواسته است جدی‌تر در مقابل چماق‌داران، اصطلاحی که برای پیروان جناح مکتبی به کار می‌رفت، بایستد و او هم قول داد که چنین کند.

پیش از انقلاب، تهرانی کتابی با عنوان «اخلاق اسلامی» نوشت. این همان کتابی است که بعدها امام خمینی(ره) به طعنه از او به مثابه کسی که کتاب اخلاق و توحید می‌نویسد، اما خودش از آن بی‌خبر است، یاد کردند.[1]

نقل قول دیگری از لسان آیت‌الله مهدوی‌کنی که در کتاب خاطرات‌شان درج شده، می‌تواند در شناخت روحیات تهرانی مساعدت کند: «... درس مکاسب آقای سلطانی را در قم مباحثه می‌کردیم که بعد ایشان به نجف مهاجرت کردند. قسمتی را هم با آقای شیخ‌علی تهرانی ـ که خدا هدایتش کند ـ مباحثه می‌کردیم... در اینجا خاطره‌ای را در رابطه با شیخ‌علی تهرانی بیان می‌کنم. ایشان از شش هفت ماه یا یک سال بعد از اینکه من طلبه شدم به مدرسه لرزاده آمدند و مشغول تحصیل شدند... ایشان ۱۹ ساله بودند و من ۱۴، ۱۵ سال داشتم... حجره من پهلوی حجره ایشان بود. یک شب آخرهایش دیدم که دیوار حجره ما کوبیده می‌شود گویا کسی محکم به دیوار می‌کوبد، آمدم ببینم چه شده، دیدم که شیخ‌علی کله‌اش را به دیوار می‌زند. گفتم علی آقا چه کار می‌کنی؟ گفت: من حاشیه‌های کتاب جامع‌المقدمات را که می‌خوانم درست نمی‌فهمم، سرم را به دیوار می‌زنم تا مغزم باز شود!!!! و بفهمم. البته ما آن وقت به عمق مطلب پی نبردیم، می‌گفتیم شیخ‌علی آقا خوب درس می‌خواند، واقعاً هم خوب و زیاد درس می‌خواند، ولی بعدها که این جریان‌ها پیش آمد فهمیدیم که این آقا از اول غیر عادی بود. بله ما با شیخ‌علی آقا سال‌ها مباحثه می‌کردیم، ولی غالباً بحث‌های ما به مجادله می‌کشید و ایشان در مدرسه فیضیه داد و فریاد زیاد می‌کرد و کلمات تندی می‌گفت.»[2]

شیخ‌علی تهرانی به دنبال فرار بنی‌صدر از ایران و پس از استقرار مجاهدین خلق در عراق، در سال ۱۳۶۳، مخفیانه به آن کشور منتقل شد و در آنجا برای سال‌های طولانی به سخنرانی در رادیو عراق بر ضد امام(ره) و انقلاب مشغول بود.

پی‌نوشت‌ها:

۱ـ صحیفه امام(ره)، ج۱۳، ص ۴۰۴.
۲ـ خاطرات آیت‌الله مهدوی‌کنی، ص ۱۴۳.

ارتش ۲۰ میلیونی

مملکت اسلامی باید همه‌اش نظامی باشد. تعلیمات نظامی داشته باشد... باید یک مملکت بعد از چند سالی که ۲۰ میلیون جوان دارد، بیست میلیون تفنگدار داشته باشد و بیست میلیون ارتش داشته باشد و این‌چنین مملکتی آسیب‌بردار نیست.

(امام خمینی(ره)، ۱۳۵۸/۹/۴)

درنگ

شبیه‌ساز آناتومی بدن

گروهی از محققان دانشکده‌های داروسازی و پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی با حمایت معاونت تحقیقات و فناوری دانشگاه در قالب گرنت فناورانه موفق به طراحی و تولید «نرم‌افزار شبیه‌ساز آناتومی بدن انسان» شدند. که تا پیش از این تنها کشورهای معدودی چون آمریکا، آلمان و ژاپن موفق به ساخت آن شده بودند. این نرم‌افزار که تحت نظارت استادان دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی طراحی و ساخته شده، از فناوری روز جهان بهره گرفته و به صورت مولتی پلتفرم در قالب واقعیت مجازی و واقعیت افزوده عمل می‌کند.

این گروه از محققان فعالیت خود را در حوزه فناوری‌های آموزشی و پزشکی ازجمله نرم‌افزارها و شبیه‌سازها از پنج سال پیش آغاز کرده‌اند و نرم‌افزار شبیه‌سازی آناتومی یکی از دستاوردهای این گروه است. این گروه با توجه به گسترش شبیه‌سازها و سیمولاتورها در علوم پزشکی و نبود تولیدات داخلی؛ طی سه سال و تحت حمایت و نظارت دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، اقدام به طراحی و ساخت این نرم‌افزار بومی کردند.

از قابلیت‌های این شبیه‌ساز افزون بر دقت علمی و توجه بالا به جزئیات، می‌توان به توانایی اجرای آن در پلتفرم‌های مختلف و اجرا بر روی سیستم‌های واقعیت مجازی و واقعیت افزوده و امکان پرینت سه بعدی کل بدن یا عضوی از آن با استفاده از چاپگرهای سه بعدی اشاره داشت. همچنین این نرم‌افزار می‌تواند با قابلیت‌های خود، فضایی مناسب را برای مطالعه و تشریح آناتومی انسان فراهم کند.

این نرم‌افزار با امکان مطالعه بدن از سوی دانشجویان پزشکی درفضای مجازی، سبب کاهش هزینه‌های تهیه و نگهداری جسد و مولاژ به ویژه در وضعیت فعلی کشور شده و با بهره‌گیری از این فناوری، نیاز به استفاده از جسد برای تشریح و آموزش دانشجویان پزشکی به مراتب کمتر است.

تاریخ حماسه

میانجی‌گری برای صلح

□مرتضی دخیلی/ با ورود قوای ایران به خاک عراق، رؤسای‌جمهوری ترکیه، پاکستان و گینه طی نامه‌ای به رئیس‌جمهور ایران، در تاریخ ۱۳۶۱/۴/۳۱ خواستار مذاکره و میانجی‌گری شدند. به دلیل بی‌توجهی به خواسته‌های جمهوری اسلامی، جواب ایران همچون گذشته منفی بود. ایران معتقد بود که میانجی‌ها بیشتر برای خرید زمان و گرفتن فرصت برای صدام با هدف تجدید قوا و کم کردن روحیه رزمندگان ما و ایجاد تردید در آنها در زمینه جدی بودن جنگ تلاش می‌کنند. دلیل مهم این دیدگاه هم آن بود که آنها تا آن زمان هیچ پیشنهاد جدیدی مبنی بر پذیرش تقصیر صدام در آغاز کردن جنگ و پرداخت غرامت از سوی عراق یا اعراب ندادند.

حضرت امام(ره) اوضاع ایران برای پایان جنگ را در سخنان خود در تاریخ ۱۳۶۱/۶/۱۴ به این شرح بیان کردند: «شما می‌دانید که هر روز آبادان مورد اصابت گلوله و موشک است و امثال اینها... ما می‌گوییم که ما می‌خواهیم که اینها تا آن حد بروند که نتوانند یک همچو کاری بکنند. خوب بیایند عقلاً بنشینند این کار را بکنند، ما که مخالف با آن نیستیم، لکن اگر نکنند، خوب ما خودمان باید بکنیم، ما با قوه قهریه باید بکنیم... تکلیف ما این است که تا هر جا که جلوگیری از این امر، متوقف به اوست پیش برویم و کار خودمان را انجام بدهیم، این یک امر عقلی است. یک امر عقلایی است.»

حضرت امام بار دیگر در تاریخ ۱۳۶۱/۶/۱۷ شرایط ایران را برای صلح به شرح ذیل بیان می‌کنند: «ما الآن هم صلح را می‌خواهیم به شرط اینکه آدم متجاوز سر جایش بنشیند... حرف ما این است که متجاوز باید غرامت ما را بدهد و اشخاص با صلاحیت بیایند و متجاوز را تشخیص داده و مجازات کنند. ما هرگز به مردم عراق تعدی نکرده‌ایم. در حالی که نیروهای ما می‌توانند بغداد و یا بصره را بزنند، ولی این کار را نمی‌کنند... ما با ملت عراق برادر هستیم و خاک آنجا را مقدس می‌دانیم... ما حاضریم صلح کنیم، ولی نمی‌شود متجاوز را مجازات نکرد و غرامت تجاوز را نگرفت. اسلام هم چنین اجازه‌ای را نمی‌دهد.»

کارنامه

نگاهی به فرصت بی نظیر ایران در صنعت شیلات

تور صیادی و پرورش آبزیان

چهل سالگی

□وحید شفیعی/ سرزمین‌های آبی شمال و جنوب ایران، منابع بسیار ارزشمند غذایی است که می‌تواند به مثابه گنجینه‌ارزشمندی در خدمت ملت ایران قرار گیرد. پرورش انواع آبزیان (انواع ماهی و میگو)، صید آبزیان در آب‌های شمال و جنوب کشور، فرآوری محصولات دریایی و توزیع و فروش آن در بازارهای داخلی و بین‌المللی، مجموعه فعالیت اقتصادی سودآوری را تشکیل می‌دهد که ضمن ایجاد اشتغال برای مهارت‌های گوناگون نیروی انسانی، درآمد ارزی مناسبی را نیز برای اقتصاد کشور به ارمغان می‌آورد.

این گنجینه‌های ارزشمند در طول دو قرن اخیر همواره مورد چشمداشت بیگانگان متجاوز و کشورهای استعمارگر بوده است و بی‌لیاقتی شاهان قاجار و پهلوی موجب سوءاستفاده آنان شده است. از دوره صفویه رفت‌وآمد بازرگانان و ماهیگیران روسیه تزاری به گیلان و سایر نواحی شمال ایران آغاز شد. آنها با پرداخت مبالغ ناچیز و با تقدیم هدایا به حکام کرانه‌های دریای خزر، اجازه صید می‌گرفتند. در زمان محمدشاه قاجار، دولت به پول نیاز مبرمی داشت، در نتیجه امتیاز بهره‌برداری از ذخایر دریای خزر در مقابل ۶۵ هزار ریال در سال را به یکی از اتباع روسیه واگذار کرد. در سال ۱۲۵۵ شخصی به نام «لیانازوف» در قبال پرداخت سالیانه ۵۰۰ هزار ریال تا ۲۷ سال بهره‌برداری از آب‌های دریای خزر را به عهده گرفت. پس از وی این قرارداد به پسرش منتقل شد و مدتی نیز شخصی به نام «وانتسف» از حوزه جنوبی دریای خزر بهره‌برداری کرد. از سال ۱۳۰۶ «شرکت مختلط ماهی ایران و شوروی» برای مدت ۲۵ سال از ذخایر آبزی دریای خزر بهره‌برداری کرد. شرکت مختلط ماهی ایران و شوروی زیان‌های زیادی به زنجیره حیاتی و اقتصادی آبزیان زد و سبب کاهش ذخایر ماهی شد.

بهمن ۱۳۳۱ که دولت مصدق سیاست اقتصاد بدون نفت را پیش گرفته بود، این قرارداد به پایان رسید و دولت ایران با درخواست روس‌ها برای تجدید قرارداد مخالفت کرد و به مردم شمال ایران این نوید را داد که شیلات شمال را ملی می‌کند. در ۱۲ بهمن ۱۳۳۱ مجلس شورای ملی با تأسیس سازمانی به اسم شیلات ملی ایران موافقت کرد و این شرکت زیر نظر وزارت دارایی فعالیت خود را آغاز کرد. به دنبال آن همه تابلوهای شرکت در شهرهایی، چون بندر انزلی و رشت و لاهیجان به پایین آمد و مدارس تهران و سایر شهرها به شکرانه این اتفاق ملی تعطیل شد و صیادان ایرانی پس از بیش از ۱۵۰ سال تورهای خود را به اسم ایران به آب انداختند و از نعمتی که طبیعت به آنها اعطا کرده، بهره گرفتند تا شیلات ایران از صادرات ماهی‌های خاویاری و گوشتی و تزئینی و گیاهان دریایی سالیانه درآمدی نزدیک به درآمد نفت داشته باشد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی شرکت سهامی شیلات ایران زیر نظر وزارت کشاورزی قرار گرفت و در سال ۱۳۶۶ این شرکت به وزارت جهاد سازندگی الحاق شد.

وجود بیش از ۵۰۰ هزار هکتار منابع آبی داخل سرزمینی و بیش از ۳۳۰۰ کیلومتر نوار ساحلی در شمال و جنوب کشور (با احتساب سواحل جزایر)، صنعت تکثیر و پرورش آبزیان و همچنین صید و صیادی می‌تواند تکیه‌گاه قابل اعتمادی برای تأمین پروتئین حیوانی سالم و ایجاد امنیت غذایی پایدار باشد.

بر اساس آمارهای موجود تولید گوشت قرمز در کشور حدود ۹۰۰ هزار تا یک میلیون تن برآورد می‌شود و تولید گوشت مرغ حدود ۲ میلیون تن و تخم مرغ ۱/۲ میلیون تن بوده و این در حالی است که با توجه به ظرفیت مراتع و ظرفیت تولید مواد اولیه مورد نیاز امکان گسترش بیشتر و پایدار تولید گوشت قرمز و گوشت مرغ با محدودیت شدید روبه‌رو است، در حالی که تولید و صید محصولات شیلاتی در حال حاضر حدود ۷۰۰ هزار تن است که با یک برنامه‌ریزی منسجم و طی یک برنامه چهار ساله امکان تولید بیش از سه میلیون تن محصولات شیلاتی وجود دارد.

با وجود قرار داشتن ایران در منطقه خشک و نیمه‌خشک، تنوع

وجود بیش از ۵۰۰ هزار هکتار منابع آبی داخل سرزمینی و بیش از ۳۳۰۰ کیلومتر نوار ساحلی در شمال و جنوب کشور (با احتساب سواحل جزایر)، صنعت تکثیر و پرورش آبزیان و همچنین صید و صیادی می‌تواند تکیه‌گاه قابل اعتمادی برای تأمین پروتئین حیوانی سالم و ایجاد امنیت غذایی پایدار باشد

اقلیمی سبب شده است امکان فعالیت در رشته‌های آبزی‌پروری، نظیر تکثیر و پرورش میگو، ماهی خاویاری، انواع کپور ماهیان، ماهیان دریایی، ماهی قزل‌آلا و... وجود داشته باشد. در سال پایانی دهه هفتاد (۱۳۷۹)، میزان تولید انواع آبزیان پرورشی ۶۶ هزار تن بوده که در سال ۱۳۸۹ به بیش از ۲۵۱ هزار تن افزایش یافته و در سال ۱۳۹۲ به ۳۷۰ هزار تن رسیده است.

میگو یکی از مهم‌ترین آبزیان پرورشی به شمار می‌رود که اگرچه سهم آن از کل تولیدات آبزی‌پروری ناچیز است؛ اما ارزش اقتصادی آن بسیار بالاست و در زمره ۱۰ گونه اول آبزیان پرورشی قرار دارد. تقاضای قابل توجه برای میگو در بازارهای جهانی و از سوی دیگر استفاده از منابع طبیعی نسبتاً کم ارزش و ورود فناوری تولید به این حرفه، از عواملی هستند که در سال‌های اخیر روند رو به رشدی را برای میگوی پرورشی رقم زده است.

با وجود نوسانات قیمت میگو در بازارهای جهانی سرمایه‌گذاری برای توسعه مزارع همچنان وجود دارد. نگاهی به وضعیت پرورش میگو در کشورهایی نظیر چین، ویتنام، اکوادور و هند و سرمایه‌گذاری برای ایجاد مزارع جدید، گویای این حقیقت است که با وجود تشدید رقابت در بازارهای جهانی میگو، کماکان تقاضا و ظرفیت بالا و مناسبی برای توسعه آن در کشور وجود دارد و از این رو باید با افزایش بهره‌وری مزارع و کاهش هزینه‌های تولید در میدان رقابت با دیگر تولیدکنندگان گوی سبقت را برباییم. وجود بیش از ۱۸۰ هزار هکتار اراضی شناسایی شده برای ایجاد محیط تکثیر و پرورش میگو در ایران، توانمندی بالقوه‌ای را فراهم آورده است.

با توجه به آمارهای موجود، در بیش از ۱۲ هزار هکتار اراضی استخر پرورش میگو ایجاد شده که در این سال‌ها حداکثر از حدود ۴۷۰۰ هکتار آن بهره‌برداری شده است. تولید میگوی پرورشی از تولید ۱۶ تن در سال ۱۳۷۳ به تولید بیش از ۱۶ هزار تن در سال ۱۳۹۳ رسیده است.

تولید و پرورش ماهیان گرم آبی، سیری مشابه با پرورش میگو داشته است. در سال ۱۳۷۹ تولید انواع کپور ماهیان در مزارع و منابع آبی طبیعی و نیمه طبیعی بالغ بر ۵۳ هزار تن بوده که در پایان سال ۱۳۹۲ به حدود ۱۸۰ هزار تن رسیده است.

بهره‌وری نسبتاً پایین یکی از معضلات این فعالیت در ایران است. متوسط برداشت در هکتار ماهیان گرم آبی درایران حدود سه تا چهار تن است؛ در حالی که در کشورهای صاحب این صنعت متوسط تولید به بیش از ۱۵ تن در هکتار نیز رسیده است. افزایش بهره‌وری، ضرورت اصلاح نژاد و به‌گزینی، تأمین به موقع نهاده‌ها و سرمایه در گردش و... از راه‌های رسیدن به متوسط‌های جهانی است.

قزل‌آلا یکی از قدیمی‌ترین فعالیت‌های زیر بخش شیلات در کشور است. در ۳۰۶ مزرعه سال ۱۳۷۹، حدود ۹ هزار تن ماهی قزل‌آلا تولید و روانه بازارهای مصرف شد که در سال ۱۳۹۲ در ۳۳۵ مرکز پرورشی حدود ۱۲۰ هزار تن ماهی تولید شد و ایران را یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان این گونه ماهی در جهان معرفی کرد.

پرورش ماهی در قفس در آب‌های داخلی از دهه هفتاد به منزله یکی از ظرفیت‌های توسعه آبزی‌پروری کشور مطرح بوده است؛ اما با وجود بیش از ۳۳۰۰ کیلومتر نوار ساحلی کمترین استفاده از این امکان خدادادی شده است، به گونه‌ای که تنها ۱۰۰ تن ماهی در قفس تولید شده است، در حالی که بر اساس آمار موجود در ۲۵ کشور فعال در این عرصه بیش از سه میلیون تن انواع ماهی نظیر ماهی آزاد، تن ماهیان، انواع شانک‌ها، ماهیان خاویاری و قزل‌آلا تولید کرده‌اند. سرمایه‌گذاری در این عرصه می‌تواند فعالیتی سودمند به حساب آید که ارزش‌افزوده قابل ملاحظه‌ای به همراه خواهد داشت.

تکثیر و پرورش ماهیان زینتی، یکی دیگر از زمینه‌های فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی زیربخش شیلات و آبزیان است. این عرصه از نیمه دهه هشتاد به صورت جدی در ایران مطرح شده است. در سال ۱۳۸۴ در حدود ۳۰ میلیون قطعه انواع ماهیان زینتی آب شیرین و شور تولید شده که این میزان به نزدیک ۱۹۰ میلیون قطعه در سال ۱۳۹۳ رسیده است.

در آیینه تاریخ

بازنگاهی به قحطی بزرگ ایران

عامل قتل عام، اشغالگران انگلیسی یا آنفولانزای اسپانیایی!؟

□حسین معینی/ هشت روز از تاج‌گذاری احمد شاه ۱۸ ساله، آخرین پادشاه سلسله قاجار می‌گذشت که جنگ جهانی اول در مرداد ۱۲۹۳ ه.ش آغاز شد. مستوفی‌الممالک، نخست‌وزیر وقت ایران بلافاصله پس از آغاز جنگ، بی‌طرفی کامل ایران را اعلام کرد؛ اما دولت‌های درگیر در جنگ، این بی‌طرفی را نادیده گرفتند و برای وارد کردن نیروهای خود به ایران اقدام کردند.

جنگ جهانی اول در جریان بود و در نتیجه تجاوز کشورهای روسیه، فرانسه و بریتانیا در لوای «دول متفق» و کشورهای اتریش و آلمان به عنوان «دول محور» آغاز شد و سپس عثمانی، ایتالیا و ژاپن هم به این جمع اضافه شدند و جنگ را به آسیا و خاورمیانه کشاندند. نیروهای متفقین به بهانه‌های واهی و به علت موقعیت استراتژیک ایران به کشور بی‌طرف‌مان حمله کردند، قوای روس در شهرهای آذربایجان، اردبیل، قزوین و انزلی حضور داشتند و جنوب کشور از جمله بوشهر و بندر لنگه و آبادان نیز در اشغال نیروهای انگلیس بود؛ اما در سال ۱۲۹۵ه.ش انقلاب روسیه رخ داد و روس‌ها از ایران خارج شدند و انگلیسی‌ها ایران را تحت اشغال کامل خود درآوردند.

در این ایام، شاهد شیوع قحطی بزرگ در سراسر ایران هستیم. شرایط بغرنجی که به کشتار میلیون‌ها ایرانی انجامید! آنچه مسلم است علت قتل عام بزرگ ملت ایران، حضور اشغالگران بیگانه در کشور بود. حضور بیگانگان و خرید محصولات کشاورزی برای تأمین آذوقه سربازان در حال جنگ‌شان موجب شد قحطی بزرگ و سراسری ایران را دربرگرفته و موجب کشتار ملت ایران شود. فقدان غذا تا آنجا بود که مردم به خوردن حیوانات حرام‌گوشت و مردار روی آوردند(!) و طبیعی است که در چنین فلاکتی، رشد بیماری‌های مسری نیز مزید بر علت شده و بر شدت قتل عام بیفزاید. این اتفاق مقارن با زمانی بود که کشور در وضعیت خشکسالی نسبی نیز به سر می‌برد و وضعیت کشاورزی نیز چندان مناسب نبود. ضعف حکومت داخلی و اوج زوال حکومت قاجار نیز عامل تشدیدکننده این بحران بود.

محمدعلی جمال‌زاده در این باره می‌نویسد: «هیچ غذایی پیدا نمی‌شد، مردم مجبور بودند هرچه را که می‌توانستند بجوند و بخورند. به زودی گربه و سگ و کلاغ را نمی‌شد یافت. حتی موش‌ها نسل‌شان بر افتاده بود. برگ، علف و ریشه گیاه را مانند نان و گوشت معامله می‌کردند. در هر گوشه و کنار، اجساد مردگان بی‌کس و کار پراکنده بود. بعد از مدتی مردم به خوردن گوشت مردگان روی آوردند.»

ژنرال «دنسترویل» فرمانده نیروهای انگلیسی در شمال و غرب ایران در جایی با صراحتی عجیب ضمن اظهار تأسف به این واقعیت، اعتراف می‌کند: «خریدهای غله از سوی انگلیسی‌ها بود که منجر به کمبود و افزایش قیمت‌ها گردید و در نتیجه به مرگ شمار زیادی از ایرانیان انجامید.» از همه اینها عجیب‌تر گزارش «سرگرد داناهو» است! در گزارش افسر شناخته شده اطلاعات نظامی انگلستان درباره تخلیه شهر مراغه در آستانه شکست ارتش انگلستان از ترک‌ها در سپتامبر ۱۹۱۸ م (۱۲۹۷ ه.ش) آمده است: «انگلیسی‌ها که مواد غذایی زیادی را قبلاً خریده بودند، ذخیره غله شهر را در شرایط سخت قحطی از میان بردند تا به دست ترک‌های عثمانی نیفتد.»

انگلیسی‌ها جلوی واردات غلات از هند و بین‌النهرین را هم برای ایرانی‌ها می‌گرفتند و مانع انجمن‌های خیریه می‌شدند که قصد فرستادن غلات به ایران را داشتند؛ به این ترتیب انگلیسی‌ها دولت ایران را در تنگنای مالی قرار داده بودند. مردم به دلیل قحطی یک به یک نابود می‌شدند؛ اما ارتش بریتانیا مشغول خرید مقادیر عظیم غله و مواد غذایی از بازار ایران بود تا هم افزایش قیمت را موجب شود و هم سهم مردم ایران از مایحتاج خود را از آنها بگیرد. در نهایت ده میلیون نفر از مردم ایران در اثر گرسنگی و بیماری‌های ناشی از سوءتغذیه در ابعادی فاجعه‌آمیز از میان رفتند.

ادعای تازه بی‌بی‌سی

حقایق برشمرده آنقدر آشکار است که کسی نمی‌تواند منکر آن شود؛ اما به تازگی شبکه فارسی‌زبان بی‌بی‌سی به بهانه یکصدمین سالگرد پایان جنگ جهانی اول، ادعاهای جدیدی را مطرح کرده و با ساخت مستندی کوشیده است با تحریف و دستکاری تاریخ، از نقش جنایتبار اشغالگران انگلیسی در ماجرای این هلوکاست سیاه در ایران بکاهد و با جابه‌جایی علت و معلول، شیوع بیماری واگیردار «آنفولانزای اسپانیایی» را عامل اصلی این قتل عام تاریخی معرفی کند! همچنین چندین مقاله در این باره منتشر کرده که مؤید ادعای فوق است. درباره این ادعا باید به چند نکته توجه کرد:

حضور اشغالگران بیگانه و خرید محصولات کشاورزی برای تأمین آذوقه سربازان در حال جنگ‌شان موجب شد قحطی بزرگ و سراسری ایران را دربرگرفته و موجب کشتار ملت ایران شود. فقدان غذا تا آنجا بود که مردم به خوردن حیوانات حرام‌گوشت و مردار روی آوردند(!) و طبیعی است که در چنین فلاکتی، رشد بیماری‌های مسری نیز مزید بر علت شده و بر شدت قتل عام بیفزاید

۱ـ همان‌طور که اشاره شد، عامل اصلی قتل عام ملت ایران نه بیماری، که قحطی و کمبود غلات و غذا بوده است. عامل بیماری نیز آنگاه اثرگذار شد که بر اثر قحطی شدید، برای انسان‌های سالم مانده از قحطی نیز دیگر تاب و توانی برای مقاومت باقی نمانده بود و به سادگی دچار بیماری شدند! در این باره اسناد فراوانی در کتاب‌های تاریخی ثبت شده که می‌توان به کتاب «قحطی بزرگ» محمد قلی مجد مراجعه کرد.

۲ـ نقش شیوع آنچه در سال ۱۹۱۸ میلادی با عنوان «آنفولانزای اسپانیایی» شهرت یافت، در کشتار حدود ۵۰ میلیون نفر از مردم جهان را نمی‌توان منکر شد؛ اما در این باره باید توجه کرد درست است که این بیماری به «آنفولانزای اسپانیایی» مشهور شد، اما هیچ‌کس باور ندارد بیماری از اسپانیا آغاز شده باشد. کشورهای اصلی درگیر در این جنگ جهانی اول قصد نداشتند در مقابل دشمنان خود ضعیف به نظر برسند؛ در نتیجه کشورهای آلمان، اتریش، فرانسه، ایالات متحده و بریتانیا درباره وقوع این همه‌گیری، سکوت اختیار کردند؛ ولی اسپانیا برخلاف آنها احساس نمی‌کرد که باید روی وقوع این همه‌گیری سرپوش بگذارد.

لذا باید عامل اصلی شیوع و فراگیری این بیماری را اوضاع وخیم حاصل از جنگ و آثار سوء آن، که کشتار و خونریزی و تولید آلودگی و کمبود غذا و تضعیف وضعیت بهداشت و... باشد، دانست که یک‌سوی میدان این جنگ انگلیسی‌ها قرار دارند. وضعیت جنگی نیز موجب شد از کنترل دولت‌ها بر این مسائل کاسته شده و امکان کنترل و مهار آن را از بین ببرد. جنگ، به شدت بر روند گسترش بیماری تأثیر گذاشت.

۳ـ بدون شک عامل اصلی شیوع این بیماری در ایران نیز سربازان اشغالگر انگلیس و روس و عثمانی بودند که بدون رضایت ملت ایران در خاک ایران پای گذاشتند! به همین دلیل بیشترین کشتار را در مناطقی جنوبی کشور، همچون کرمان، بم و شیراز شاهد هستیم که قلمرو نفوذ اولیه انگلیسی‌ها بود. هرچند مدتی بعد و پس از خروج انقلاب کمونیستی در روسیه، این انگلیسی‌ها بودند که کل کشور را در اختیار گرفته بودند.

رویش

پیشکسوت شعر انقلاب

□مهدی دنگچی/ محمود شاهرخی در سال ۱۳۰۶، در بم از توابع استان کرمان به دنیا آمد و از سوی پدر، منتسب به میرزاحسین ملقب به «رونق علی کرمانی» است. وی دوران کودکی و تحصیلات ابتدایی را در بم گذراند و تحصیلات متوسطه را در کرمان و یزد به پایان برد. پس از آن در مدرسه معصومیه کرمان، که خاص طلاب علوم دینی است، مقدمات زبان عربی را فراگرفت. شاهرخی در همان زمان با سید محمد و متخلص به «مجذوب» از اهالی یزد که برای وعظ و خطابه به بم آمده بود آشنا شد و سر انجام به همراه او، به یزد رفت و در خانه او ساکن شد و در مدرسه خان یزد تحصیل خود را ادامه داد و دختر او را به عقد خود درآورد.

شاهرخی پس از آن برای مدتی در یزد به تحصیل اشتغال داشت و سپس به نجف رفت و در مدرسه کبرای آخوند خراسانی اقامت گزید و به تحصیل ادامه داد. شاهرخی پس از چندی به علت ضعف مزاج و هوای نامساعد نجف، به بیماری ریه مبتلا شد و ناگزیر به ایران مراجعت کرد و در فیضیه قم تحصیل کرد، سپس به علت تشدید بیماری به تهران آمد و در یکی از آسایشگاه‌ها بستری شد. او پس از بهبود و سلامتی، درگیر امور معیشتی شد و به همین علت از کسوت طلبگی بیرون آمد و در بخش خصوصی فعالیت کرد.

شاهرخی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، همکاری خود را با صدای جمهوری اسلامی آغاز کرد و به نوشتن مقالات و برنامه‌هایی با عناوین «تا به خلوتگاه خورشید»، «تا به سرمنزل عنقا»، «سیری به پای دل» و «نوای نی» در زمینه ادب و عرفان مبادرت ورزید. شعرهای «شاهرخی» پس از پیروزی انقلاب به صورت پراکنده در بیشتر مطبوعات کشور، جُنگ‌های ادبی و مجموعه شعرهای گوناگون گردآوری شده، انتشار یافته است.

او از زمره شاعرانی بود که پس از آغاز جنگ تحمیلی بسیاری از شعرهای خود را در موضوع جنگ سرود و در شب‌های شعر دفاع و مقاومت و همایش‌های سراسری شعر حضور گسترده داشت. او در طول فعالیت خود، با بسیاری از مراکز ادبی و فرهنگی از جمله حوزه هنری، صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران، شورای عالی شعر مرکز موسیقی صداوسیما، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی تهران همکاری داشته و عضو شورای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بود. محمود شاهرخی سرانجام در آبان ماه سال ۱۳۸۸ پس از دو روز حالت کما، در ۸۲ سالگی در بیمارستان عرفان تهران درگذشت.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در سوگ ایشان پیام تسلیتی صادر کردند: «ایشان از پیشکسوتان شعر انقلاب و در شمار نخستین هنرمندانی بودند که با سرمایه ارزنده سخن و بیان، به یاری انقلاب شتافتند و هنر خود را صریح و صادق، به خدمت هدف‌های والای آن گماشتند. نسل جوان و بالنده شعر انقلاب، به این شاعر روان‌سرا و به دیگر استادان پیشکسوت این عرصه پرافتخار مدیونند و همه باید قدرشناس این راهگشایان و خطشکنان این جبهه گسترده و خطیر باشیم. رحمت و رضوان الهی را برای آن شاعر و دوست عزیز مسئلت می‌کنم.» (۱۳۸۸/۸/۲۷)

روایت یاران

اصحاب انقلاب ـ ۲۵

یاران گمنام امام(ره) در مبارزه

□سید مهدی حسینی/ در مبحث گذشته به فعالیت رسانه‌ای طلاب حوزه علمیه قم و نشریه‌های «بعثت» و «انتقام» اشاره شد. از بانیان و اداره‌کنندگان آن یاد شد و البته بخشی از مباحث مهم مربوط به این جریان فعال و تأثیرگذار باقی ماند که ناگزیر شدیم، شماره‌ای جداگانه از اصحاب انقلاب را به آن اختصاص دهیم. آن مبحث مربوط می‌شود به روند شکل‌گیری و پیدایش و همکاری‌ها عناصر مخفی کار. شروع کار با خلاقیت و ابتکار مرحوم علی حجتی‌کرمانی رقم می‌خورد. سازوکار روند پیشرفت و آماده شدن اولین شماره نشریه مصادف می‌شود با ۲۷ رجب ۱۳۸۳، روز مبعث پیامبر اکرم(ص)، به همین دلیل هم «بعثت» نام‌گذاری می‌شود و در اولین سرمقاله و در اولین شماره مطلبی تحت بعثت همگانی ارائه می‌شود به این مضمون که بعثت پیامبر(ص) یک بعثت همگانی برای مبارزه با جاهلیت‌ها، بت‌ها، ظلم‌ها و طاغوت‌های تاریخ بشری است. جنبش‌های اسلامی در روند مبارزات برای تداوم مبارزه همکاران دیگری پیدا می‌کند. اوضاع و احوال سخت مبارزه مخفی همکاران سختکوشی را هم می‌طلبید که چهره‌های وزین مبارزه همچون مرحوم آیت‌الله ربانی‌شیرازی در راستای کمک‌های مالی و پشتیبانی یار و یاور می‌شوند. در ادامه آیت‌الله مصباح‌یزدی در قم و آقایان شهید محمدجواد باهنر و جلال‌الدین فارسی و محمدمهدی جعفری در تهران با این جمع مرتبط شده و به طور مرتب و منظم با یکدیگر در تعامل و در تبادل اخبار و مطالب مورد نیاز دیگر فعال می‌شوند. مرحوم علی حجتی‌کرمانی در خاطراتش از فداکاری‌ها، ایثارگری و تلاش‌های بی‌وقفه همکاران و همراهانش چنین می‌گوید: «محمدمهدی جعفری که عضو نهضت آزادی بود، مدیر عامل شرکت انتشار هم بود. در واقع عامل پخش بعثت در سطح تهران بود. اتفاقاً نیروهای امنیتی شاه، یعنی ساواک یک بار حمله می‌کنند به سازمان شرکت انتشار و آقای جعفری را دستگیر می‌کنند و تحت شدیدترین شکنجه قرار می‌دهند. ایشان هم مردانه زیر شکنجه استقامت می‌کند و لب از لب باز نمی‌کند.»

وی در ادامه خاطره‌اش یادآور می‌شود: «در مشهد هم یک عده از طلاب جوان مبارز نشریه بعثت را خودشان با کیفیت بهتر و چاپ عالی‌تر منتشر می‌کردند.»

حجتی‌کرمانی در ادامه صحبت‌هایش از فعالیت‌ها و جلسات مخفی و زیرزمینی می‌گوید و از یاران و همکاران دیگری یاد می‌کند که بسیار گمنام مانده‌اند و درباره خانواده شریفی چنین می‌گوید: «رشادت، شجاعت فداکاری و ازخودگذشتگی آقای شریفی و خانمش زبانزد بود. آنها تا نصف شب و گاهی تا صبح می‌نشستند، گاهی هم من و آقای هاشمی و خسروشاهی می‌رفتیم کمک می‌کردیم. آقای شیخ‌علی‌رضا برزگر ـ که طلبه‌ای بود بجنوردی و از طلاب مدرسه خان و از دوستان ما بود را برای نشر و توزیع بعثت در سطح حوزه [علمیه قم] بدون اینکه اطلاع داشته باشد که این نشریه از کجا می‌آید انتخاب کردیم. به این ترتیب یک تعدادی را که سهم حوزه بود، ما بسته‌بندی می‌کردیم و روش هم [چنین بود که] یک کاغذ می‌نوشتیم: برادر آقای برزگر با تشکر از فعالیت‌های شما، این تعداد بعثت خدمت شما ارسال می‌شود، خواهش می‌کنیم در توزیع صحیح و عادلانه آن در سطح حوزه بکوشید. با ارادت...»

مرحوم حجتی‌کرمانی درباره رعایت اصول مخفی‌کاری در توزیع نشر بعثت نیز می‌گوید: «حجره من و آقای [سیدمحمود] دعایی در همان مدرسه خان بود، می‌رفتیم در یک موقع مناسبی ـ و معمولاً شب‌ها، نصفه‌های شب یا نزدیکی‌های صبح را انتخاب می‌کردیم ـ این بسته‌بندی را می‌گذاشتیم در حجره آقای برزگر اتفاقاً حجره آقای برزگر، در طبقه سوم و در مکانی به دور از انظار بود و از نظر امنیتی جای خیلی خوبی بود. این بسته‌بندی‌ها را می‌گذاشتیم جلوی حجره ایشان. او هم می‌آمد برمی‌داشت و توزیع می‌کرد. جالب این بود که همیشه من از آقای برزگر یک [شماره از شماره‌های] بعثت می‌گرفتم و به من خبر می‌داد و مژده می‌داد که «بعثت» آمده و من هم در فاصله آمدن بین دو نشریه مرتب از آقای برزگر سؤال می‌کردم دیر شده، چرا نیامده؟ برای اینکه ایشان هیچ احتمال ندهد که این نشریه از ناحیه ما است و تا آخر هم آقای برزگر متوجه نشد. دو سال طول کشید و ۱۴ شماره بیرون آمد. ۹ شماره سال اول و ۵ شماره سال دوم و آقای برزگر متوجه نشد این نشریات از چه ناحیه‌ای به ایشان می‌رسد.

سر تا پا متخلق به اخلاق اهل بیت(ع)

حضرت آیت‌الله سیدمرتضی نجومی می‌گوید: درجات ملکوتی انسان همانا منحصر در مراعات تقوا و پرهیزکاری، مراقبت از نفس و محاسبه آن، تمسک به همه احکام شرع مقدس از ادای واجبات و ترک محرمات، اتیان به مستحبات و ترک مکروهات، متابعت قولی و فعلی و حالی از شریعت مطهره و سنت محمدیه و علویه و خلاصه کلام از سر تا پا متخلق شدن به اخلاق اهل بیت عصمت و طهارت(ع) است. به ویژه بی‌تعلقی و وارستگی از علایق دنیوی و زهد از زخارف دنیایی و توجّه به رضای حق که مایه همه فضایل و مکارم اخلاق است.

راز عبادت عاشقان

گفتاری از آیت‌الله علی فروغی

کار هر کس نشانی از همت او و آثار هر فرد بیانگر دارایی اوست. وقتی صحبت می‌کنیم، سخنان‌مان نماینده عالم درون ما بوده و نشان می‌دهد که درون ما چه جمع است و آبشخور جان ما کجاست؟

به قول مولوی «آدمی مخفی است در زیر زبان/ این زبان پرده است بر درگاه جان»[1] کلماتی که از زبان خارج می‌شود ترازوی سنجش ماست، می‌توانیم خودمان را با گفتارهای‌مان بشناسیم. امیرالمؤمنین علی(ع) وقتی با خدای متعال حرف می‌زند، می‌گوید: «مَا عَبَدْتُکَ خَوْفاً مِنْ نَارِکَ وَ لَا شَوْقاً إِلَی جَنَّتِکَ بَلْ وَجَدْتُکَ أَهْلًا لِلْعِبَادَهِ فَعَبَدْتُکَ»[2] معبودا من تو را به دلیل ترس از آتش یا طمع بهشت عبادت نمی‌کنم؛ بلکه چون تو را سزاوار پرستش و عبادت یافتم، عبادتت می‌کنم.

عبادت علی عبادت تاجرانه نیست که داد و ستد کند و برای رسیدن به بهشت و نعمت‌هایش تو را بپرستد علی میل به خود تو دارد؛ علی هوای تو دارد و عاشق توست و چقدر زشت و قبیح است که انسان تاجرانه خدا را عبادت کند! انسان کمی بالا می‌آید می‌بیند، عبادت‌هایی که برای دست یافتن به ثواب و نعمت‌های بهشتی انجام داده است چقدر ناپسند بوده! کسی تجارت می‌کند که سرمایه‌ای از خود داشته باشد، اما در حقیقت ما چیزی نداریم، این خیالات و توهمات ناشی از ضعف معرفت آدمی است که در عالم خود را مالک می‌پندارد. ما چه داریم که بخواهیم با خدا رابطه تاجرانه داشته باشیم؟! آن که در مسیر تجارت با خدا گام برمی‌دارد خیال می‌کند عمر، قدرت، مال و دارایی از آن اوست، اما حقیقت این است که «لاحول و لا قوة الا بالله العلی العظیم» همه از آن خداست.

در دعای عرفه اباعبدالله‌الحسین(ع) با خدا چنین نجوا می‌کند: «فَبِأَیِّ شَیْءٍ أَسْتَقْبِلُکَ یا مَوْلایَ، أَبِسَمْعِی أَمْ بِبَصَرِی، أَمْ بِلِسانِی أَمْ بِیَدِی أَمْ بِرِجْلِی؟ أَلَیْسَ کُلُّها نِعَمَکَ عِنْدِی وَ بِکُلِّها عَصَیْتُکَ یا مَوْلایَ فَلَکَ الْحُجَّةُ وَ السَّبِیلُ عَلَیَّ»[3]

همه به محضر خدا می‌رویم، قیامت برای همه بر پا خواهد شد و همه در محضر ذات احدیت حاضر می‌شوند که فرمود: «یا أَیُّهَا الْإِنْسانُ إِنَّکَ کادِحٌ إِلی رَبِّکَ کَدْحاً فَمُلاقِیهِ»[4] ای انسان! یقیناً تو با کوشش و تلاشی سخت به سوی پروردگارت در حرکتی، پس او را دیدار می‌کنی. همه را با رنج و زحمت و نهایت با قهر و غلبه به محضر خداوند متعال می‌برند، اما سخن در این است که با چه حالی و چگونه به محضر خدای متعال وارد شویم؟ در این فراز از دعای عرفه سیدالشهداء(ع) می‌فرماید: خدایا وقتی خواستم به محضرت بیایم چه بیاورم؟ کدام یک از اعضا و جوارحم را به استقبال تو آورم و هدیه درگاهت کنم؟ آیا دست، پا، زبان و گوشم کافی است؟ در حالی که آنها نیز از توست و نعمت توست و دارایی من ناداری است؛ اما چه بد که آنچه را که تو داده‌ای در مسیر نافرمانی و عصیان به کار گرفته‌ام!

در واقع غایت بیان امام(ع) این است که بگوید: خدایا نه تنها همه نعمت‌ها مال توست و ما چیزی نداریم؛ بلکه در آنچه تو داده‌ای تصرف غاصبانه کرده‌ایم. یک نگاه بد یا سخن زشت، تصرف غاصبانه در ملک خداست. وقتی نکته را فهمیدی در خواهی یافت که ما چیزی نداریم که بتوانیم در ارتباط با خدای متعال رابطه تاجرانه داشته باشیم، چیزی بدهیم و چیزی بستانیم. ما که هستیم که بخواهیم طرف معامله باشیم؟! «الهی مَنْ کَانَتْ حَقَائِقُهُ دَعَاوِیَ فَکَیْفَ لَا تَکُونُ دَعَاوِیهِ دَعَاوِی»[5] الهی کسی که حقیقت‌هایش ادعا است پس چگونه ادعاهایش ادعا نباشد؟! اصلاً هستی ما هستی نیست، ما هیچیم! ما عدم‌هاییم هستی‌ها نُما/ تو وجود مطلقی فانی نما؛ عده‌ای تاجرانه خدا را عبادت می‌کنند و او را به جهت بهشت و نعیم آن و رهایی از آتش دوزخ می‌پرستند و خدای متعال نیز از سر لطف و رحمت خویش وعده ثواب و نعمت داده است، امّا اگر به بطن واقع وارد شویم و با بینشی ژرف در آن نظر کنیم می‌فهمیم که این کار عبادت نیست؛ بلکه معصیت است؛ لذا در حالت برخی اهل معرفت نقل شده است که از عبادت‌های خود، بلکه از استغفارهای خود نیز استغفار می‌کردند. معلوم است که ایشان بالا رفته و از مقامی بالاتر به اعمال پیشین خود نگاه کرده‌اند، در این حال است که می‌گویند: ز هر چه غیر یار استغفرالله/ ز بود مستعار استغفرالله[6]

انسان باید به خود بازگردد و معرفتی حقیقی به خود پیدا کند. معرفت حقیقی به خود، یعنی برسی به نقطه فقر وجودی خود و ببینی و بیابی که تو عین فقر هستی! نوع بشر چون در مورد دارایی‌های خود احساس مالکیت می‌کنند و انانیت سراسر وجودشان را در برگرفته است، مُلک خدا را به او تسلیم نکرده و حقوق الهی را ادا نمی‌کنند، باید به خود آمده و بفهمیم که ملک؛ ملک اوست و خود ما نیز از آن او و ملک اوییم. روزی منزل آیت‌الله پهلوانی طلبه‌ای وارد شد و با صدای بلند گفت: آقا، آقا! فهمیدم، چه فهمیدی؟

فهمیدم که غاصب هستم! مشاهده کردم که همه عالم از آن خداست و علم، حیات، قدرت و وجود همه از اوست و غیر او در عالم ناداری بیش نیست و همه از افعال و صفات تا ذات محو اویند و فقط اوست که خدایی می‌کند بیش از این گمان می‌کردم همه اینها از من و مال من است، اما اینک فهمیدم که یک عمر غاصبانه زندگی کردم! این از آثار تجلیات حضرت دوست است که سالک را بی‌خود و سرمست می‌کند. وقتی چنین حالی پیدا کردی و دانستی که ذره ذره عالم از مس و آهن تا آدم همه ملک حضرت حق هستند آن موقع از طمع بهشت و ترس از جهنم گذر می‌کنی و شاکرانه سر سجود در محضر ذات ربوبی به خاک می‌نهی و در مقام توجه به جمال و زیبایی و ثنای حق مستقر خواهی شد و عبادت آدم عبادت عاشقانه و شاکرانه می‌شود. آن موقع دیگر از عبادت خسته نمی‌شوی، چنانکه رسول اکرم(ص) فرمود: «عبادت من شاکرانه است.»

«کَانَ رَسُولُ‌الله(صلی‌الله علیه وآله) یُصَلِّی حَتَّی یَتَوَرَّمَ قَدَمَاهُ وَ یَقُولُ أَفَلَا أَکُونُ عَبْداً شَکُورا»[7] رسول اکرم(ص) به قدری نماز می‌خواندند که پاهای مبارک‌شان متورم می‌شد و می‌فرمودند: «آیا من بنده سپاسگزار نباشم؟!» این بیان حضرت نشان از توجه به جمال و زیبایی‌های لایتناهی حق‌تعالی است.

اگر از خود خالی شدی از خدا پر خواهی شد، آن موقع وجودت می‌شود شجره طورسینا که از او ندا برخاست: «إِنَّنِی أَنَا اللهُ لا إِلهَ إِلاّ أَنَا»[8] همانا! من خدایم که جز من معبودی نیست.

گر چهره بنماید صنم پر شو از او چون آینه/ ور زلف بگشاید صنم رو شانه شو رو شانه شو

تمام عالم مست حق است، آن رعدی که حرکت می‌کند و آن ابری که می‌بارد آن باغی که شکوفه می‌دهد، همه از کوه و دشت و صحرا از قطره تا دریا مست اویند که «یُسَبِّحُ لله مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الأَرْضِ»[9]

تسبیح حکایت از توجه به حقیقت مطلق در تمام عوالم وجود است. هیچ ذره‌ای در هیچ لحظه‌ای از این توجه خالی نیست.

منابع:
۱ـ مثنوی معنوی، دفتر دوم، بخش ۲۱.
۲ـ بحارالأنوار، ج۶۷، ص۱۹۷.
۳ـ البلدالأمین و الدرع‌الحصین، ص ۲۵۵.
۴ـ سوره انشقاق، آیه۶.
۵ـ إقبال‌الأعمال، ج۱، ص۳۴۸.
۶ـ دیوان اشعار فیض کاشانی، غزل۸۴۴.
۷ـ مصباح‌الشریعه، ص ۱۷۰.
۸ـ سوره طه، آیه۱۴.
۹ـ سوره جمعه، آیه۱.

آیینه خواص

جاریه‌بن‌قدامه ـ ۲

نبرد با فتنه‌گران غارتگر

در زندگی پربار جاریه دو اقدام شجاعانه درخشندگی دارد. در سال ۳۸ معاویه، عبدالله‌بن‌حَضْرَمی را برای تصرف بصره فرستاد. چون اَعْیَن‌بن ضُبَیعَه، از یاران حضرت علی(ع)، در مقابله با ابن‌حضرمی کشته شد، امام به پیشنهاد زیاد (کارگزار خود در بصره)، جاریهٔ‌بن‌قدامه را که به تیزبینی و سرسختی با دشمن معروف بود، با پنجاه نفر از بنی‌تمیم، از کوفه به بصره فرستاد. جاریه در میان اَزْدیانِ ساکن بصره سخنرانی کرد و از سخت‌کوشی و فرمانبرداری‌شان از امام(ع) و عامل ایشان یاد کرد و نامه آن حضرت را برای شیعیان خواند. امام در این نامه به بصریان هشدار داده بود، در صورت سرکشی و مخالفت، باید شکستی سخت‌تر از جَمَل را تحمل کنند. مردم بصره اطاعت کردند و جاریه به سوی جمعی از قبیله خویش، که عهد و بیعت خود را شکسته بودند، رفت و آنان را عتاب کرد. بیشتر آنان وی را اجابت کردند؛ اما برخی به درشتی پاسخش دادند. در پی آن، جاریه با یاری زیاد و ازدیان، با ابن‌حضرمی وارد جنگ شد. ابن‌حضرمی با هفتاد نفر از یارانش به خانهٔ سُنبُل سعدی پناه برد. جاریه به آنان هشدار داد و آنان را به اطاعت فراخواند، اما آنان نپذیرفتند؛ از این رو، وی خانه را آتش زد و آنان را به هلاکت رساند. از آن پس جاریه را مُحَرِّق (آتش زننده) نامیدند. زیاد در نامه‌ای به امام(ع)، گزارش این ماجرا را داد. امام(ع) خبر را به آگاهی مردم رساند و جاریه و ازدیان را ستود و بصریان را نکوهش کرد.

دومین اقدام در سال ۴۰ اتفاق افتاد که در ادامه حملات سرداران معاویه به قلمرو حکومت امام علی(ع)، تجاوز بُسربن‌اَرطاةَ به مکه و مدینه و غارت و کشتار در یمن رخ داد. امام(ع) ضمن سخنانی مردم کوفه را برای مقابله با بسر و تعقیب او دعوت کرد؛ اما با بی‌میلی و کوتاهی یاران خود مواجه و مأیوس و ناراحت شد؛ در این هنگام جاریه که آثار تأسف شدید امام(ع) را در سیمای آن حضرت دید، برخاست و گفت:

«ای امیرمؤمنان، من شما را در مقابله با این غارتگران کفایت خواهم کرد.»

امام(ع) فرمود: «به جان خودم ای جاریه، تو همواره از مناقب بلند و نیات پسندیده، طایفه و عشیره‌ای شایسته و با کفایت برخوردار بوده‌أی.»

عبیدالله‌بن‌عباس (پسر عموی امیرالمؤمنین) که در آن زمان والی یمن و به قولی مکه بود، پس از آگاهی از حملات «بسربن‌ارطاة» از محل حکومت خود گریخت و مسند امارت را به شخص دیگری واگذار کرد و رهسپار عراق شد؛ وقتی «بسربن‌ارطاة» بر یمن سلطه یافت، والی موقت آنجا را به قتل رسانید و دو فرزند خردسال ابن‌عباس را نیز بی‌رحمانه کشت.

اما جاریه با شجاعت کم‌نظیر و عقیده‌ای محکم به مصاف چنین جرثومه خطرناکی رفت و همه عراق و حجاز و یمن را از شر او نجات داد و آرامش را به این مناطق برگرداند.

در شجاعت جاریه و وفاداری او به امام علی(ع) و نیز عنایت و توجه امام به او، همین کافی است که امیرمؤمنان علی(ع) در پاسخ به کسانی که نگران غارتگری «بسربن‌ارطاة» بودند، فرمودند:

«شما نگران بُسر نباشید، زیرا جاریه کسی است که یا او را به هلاکت می‌رساند یا خود کشته می‌شود، شما باید به پیکار با شامیان بیندیشید.»

جاریه مالی غصب نکرد و کسی را نکشت، به جز گروهی از اهالی نَجران را که از اسلام برگشتند و نیز افرادی از عثمانیه که بُسْر را در حَضْرَموت پذیرا گشتند و یاری کردند. جاریه چون به جُرَش رسید، یک ماه توقف کرد. در آنجا خبر شهادت حضرت علی(ع) را شنید. پس به مکه و مدینه رفت و از مردم به نام امام حسن(ع) بیعت گرفت و راهی کوفه شد.

سراج

اصلاح ذات‌البین ـ ۳

□ سید حسین خاتمی خوانساری/

اهمیت توبه منافق پیش از سازش: در شماره‌های گذشته این سؤال را داشتیم که وقتی دین دستور به اصلاح می‌دهد، آیا مجازیم منافقان را با مؤمنان و صاحبان حق سازش دهیم؟ که گفته شد؛ نه، تا وقتی که توبه نکرده و گذشته‌اش را اصلاح نکرده است. در آیات ۱۴۵ و ۱۴۶ سوره نساء پس از توصیف منافق آمده است: «إِنَّ الْمُنَافِقِینَ فِی الدَّرْکِ الأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَ لَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِیراً؛ به یقین منافقان در فروترین درجات دوزخند و هرگز برای آنان یاوری نخواهی یافت، مگر کسانی که توبه کردند.» نفاق از کفر بدتر است و مؤمنان نمی‌توانند با منافقان سازش کنند و کنار آنها جمع شوند. با کسی که با خدای خود مکر می‌کند و اهل اطاعت از دستورهای خدا نیست، چگونه می‌توان صلح و سازش داشت؟

منافق اهل تظاهر است و خود را برعکس عملش خیرخواه نشان می‌دهد. خداوند در سوره بقره آیه ۱۱ بیان فرموده است: هرگاه به آنان(منافقان) گفته شود در زمین فساد نکنید، می‌گویند: همانا ما اصلاحگر هستیم «وَ إِذا قِیلَ لَهُمْ لا تُفْسِدُوا فِی الأَرْضِ قالُوا إِنَّما نَحْنُ مُصْلِحُونَ»؛ خدا می‌داند که چه کسی مفسد است و چه کسی مصلح؛ «وَاللهُ یَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ»؛ مؤمنان هم باید هوشیار باشند که فریب منافقان را نخورند. امّا نیت خیر در اصلاح لازمه مصلحان است که قصد اصلاح بین دو فرد یا گروه را دارند. در سوره نساء آیه ۳۵ آمده است: «إِنْ یُرِیدا إِصْلاحًا» اگر بزرگانِ میانجی‌گر، اراده اصلاح داشته باشند، «یُوَفِّقِ اللهُ بَیْنَهُمَا» خداوند میان آنها توافق ایجاد می‌کند.

پس نتیجه گرفتیم برای میانجی‌گری اصولی را رعایت کنیم؛ ضمن اینکه باید منافق را از مؤمن جدا کنیم و اگر منافقی در یک طرف بود، او را به اصلاح خطاهای گذشته‌اش امر کنیم و همچنین با نیت خیر وارد شویم و خود را برای احقاق حق آماده کنیم. سپس از خدا بخواهیم مشکلات را برطرف و راه را آسان کند.

یار مهربان

زندگی به سبک جهادی

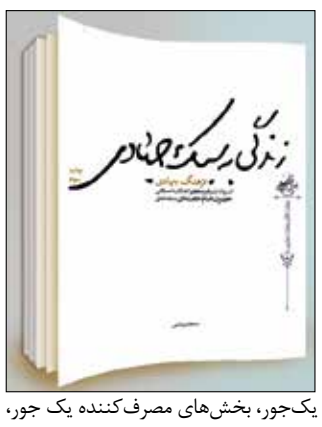

«حماسه اقتصادی فقط دست دولت نیست؛ البته برنامه‌ریزی‌های دولت مؤثر است. حماسه یعنی واقعه جهادگونه و پرشور؛ این را باید ملت ایران و مسئولان کشور مدّ نظر قرار دهند؛ ضعف‌ها را، خلأها را پر کنند؛ اول بشناسند. در همه برنامه‌ریزی‌ها باید زندگی و معیشت طبقات ضعیف مورد توجه قرار گیرد؛ بعد برای آنها برنامه‌ریزی کنند. این می‌شود حماسه.

آحاد مردم، چه در مصرف‌شان، چه در تولیدشان؛ بخش‌های مولد یک‌جور، بخش‌های مصرف‌کننده یک جور، بخش‌های خدمات یک جور؛ بدانند که برای پیشرفت کشور حرکت جهش‌گونه لازم است، خلق حماسه لازم است؛ آن‌وقت کشور پیش خواهد رفت، استقرار پیدا خواهد شد.»

اینها بخش‌هایی از کتاب «سبک زندگی جهادی» است. این کتاب به تألیف محمد تاجیک رستمی، شرحی است بر بیانات رهبر معظم انقلاب در زمینه جهاد و زندگی جهادی که در شش فصل تعریف جهاد در حوزه‌هایی نظیر خانواده، دانشگاه، حوزه‌های علمیه و... را با استفاده از مجموع بیانات رهبر معظم انقلاب در سال‌های پس از انقلاب تا سال ۱۳۹۳ بازشناسی کرده است.

با توجه به تأکید ویژه دین مبین اسلام درباره وجود فرهنگ و روحیه جهاد در جامعه و توجه ویژه ولی امر مسلمین جهان حضرت امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) نسبت به موضوع مهم و اساسی جهاد و مبارزه، ضرورت شناخت دقیق و صحیح از این موضوع برای هر فرد و جامعه لازم و ضروری است؛ زیرا هر کاری و هر حرکتی جهادی نیست و برای شناخت جهاد و فرهنگ چه جایی بهتر از محضر حکیمانه رهبر معظم انقلاب که منویات و بیانات معظم‌له به حقیقت ناظر به مبانی دین و مصلحت جامعه مسلمانان است.

این کتاب را انتشارات شهید کاظمی در سال ۱۳۹۳ در ۳۱۹ صفحه به بازار نشر ارائه کرده و تاکنون به چاپ سوم رسیده است.

دریچه

یار ده ساله

پروین حافظی، دختر عموی همسر شهید سیدنورخدا موسوی در صفحه شخصی خود خطاب به ایثار و صبر کبری حافظی نوشت:

برای دختر عموی مهربانم

حرف‌های عاشقانه‌ات درباره آقاسید دلنشین بود... یک آقاسید می‌گفتی و محبتی از گفتنش از اعماق قلبت برمی‌خاست در قلب مخاطبت می‌نشست... اشتیاقت برای گفتن عاشقانه‌های تو و آقاسید و اینکه کسی باشد پای حرف‌هایت بنشیند... مهربان و اسوه صبر و ایثار! تو به من آموختی هنوز عشق وجود دارد و هنوز هستند بانوانی که زینب‌وار اهل جهادند...

فدای خواهر گفتنت بشوم، فدای دل لطیف و خدایی تو... می‌دانم رفتن یار ده ساله‌ات مصیبت بزرگی است، از خدای متعال صبر جزیل برای تو و سیده‌زهرا و سیدمحمد مسئلت دارم...

چگونه می‌توان با تقسیم کارهای خانه زندگی بهتری را تجربه کرد

همکاری خانواده برای خانه‌ای بهتر

□ مریم زاهدی/ خانم خانه می‌شوید و می‌سابد، می‌خرد و می‌پزد و می‌آورد و می‌برد، در عوض آقای خانه وقتی از سر کار می‌آید هیچ کمکی به همسرش در کارهای خانه نمی‌کند. این شکایتی است که بسیاری از خانم‌های خانه‌دار از همسرشان دارند و معتقدند آقای خانه دست به سفید و سیاه نمی‌زند که هیچ، کلی هم کار زیاد می‌کند و درست شبیه بچه‌های کوچک خانه را ریخت و پاش می‌کند. همین مسئله به ظاهر ساده در صورت تداوم گاهی وقت‌ها می‌تواند به عاملی برای اختلافات خانوادگی تبدیل شود و زندگی را به کام زن و مرد تلخ کند؛ اما چه باید کرد؟

قدیمی‌ترها چندان مشکلی بر سر تقسیم کار خانه نداشتند. خانم خانه بیشتر اوقات خودش به تنهایی از پس تمام کارهای خانه برمی‌آمد و گاهی کارهای مردانه‌تری، همچون خرید خانه را هم انجام می‌داد؛ اما حالا دور و زمانه عوض شده و خانم و آقای خانه هر دو در کنار همدیگر کار می‌کنند تا خرج و مخارج خانواده را تأمین کنند و همین هم موجب می‌شود فرصت کمتری برای انجام کارهای خانه از سوی خانم خانه باقی بماند و تقسیم کار خانه میان زن و شوهر و فرزندان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر شود.

بگذریم از اینکه حتی در دوران قدیم هم که زنان اغلب خانه‌دار بودند و فراغت بیشتری برای انجام کارهای خانه و تربیت فرزندان داشتند، باز هم بسیاری از آقایان اهل کمک در کارهای خانه و امور خانه‌داری بودند و کمک در کارهای خانه از جمله توصیه‌های دین مبین اسلام است و پیامبر اسلام و ائمه اطهار هم خودشان همواره داوطلبانه در امور منزل مشارکت داشتند تا مبادا بار همه کارهای خانه به دوش خانم خانه بیفتد.

روشی پیشگیرانه

تقسیم کارهای خانه نه فقط موجب انجام بهتر امور منزل می‌شود؛ بلکه احساس مسئولیت اعضای خانواده را هم رشد می‌دهد و موجب تعالی آن می‌شود. تازه‌عروس‌ها و تازه‌دامادها باید از همان ابتدای زندگی مشترک یاد بگیرند که چگونه در رتق و فتق امور خانه با همدیگر مشارکت داشته باشند. خیلی وقت‌ها خود آقایان داوطلب کمک به همسرشان هستند؛ اما بعضی مردها به هیچ عنوان زیر بار انجام اموری همچون نظافت یا آشپزی نمی‌روند و معتقدند کار خانه مختص خانم‌هاست، «مرد که ظرف نمی‌شورد یا غذا نمی‌پزد»! گاهی هم این خود خانم‌ها هستند که به همسرشان اجازه دخالت در امور خانه را نمی‌دهند و می‌خواهند همه کارها را یک تنه انجام دهند؛ اما این مسئله فشار زیادی را به خانم خانه تحمیل می‌کند و با پیدا شدن سر و کله بچه در زندگی مشترک و اضافه شدن امور مرتبط با فرزندداری بار کارهای‌شان روز به روز بیشتر شده و گاهی این مسئله با تحمیل خستگی زیاد بر خانم موجب می‌شود از همسرش دور شود و زندگی زناشویی‌شان به چالش دچار شود؛ چرا که آقای خانه هم تصور می‌کند همسرش نسبت به او سرد شده است، در حالی که این سردی از احساس خستگی و گاهی این احساس که آقای خانه فردی بی‌مسئولیت است، شکل می‌گیرد. پس برای پیشگیری از بروز چنین احساساتی باید از ابتدای زندگی به فکر تقسیم کار خانه بود.

منعطف‌باشید

کارهای خانه فهرست بلند بالایی را شامل می‌شود؛ از آشپزی و شستوشو گرفته تا تعمیر وسایل و خرید خانه و بسیاری از امور ریز و درشت دیگر. وقتی بناست کارهای خانه را میان خودتان و همسرتان تقسیم کنید، سعی کنید به نظر یکدیگر احترام بگذارید. این تقسیم کار برای راحت‌تر پیش رفتن امور منزل است، نه وسیله‌ای برای اثبات قدرت! پس اگر آقای خانه دوست ندارد آشپزی کند یا ظرف بشوید، لزومی ندارد خانم سعی کند این کار را به او تحمیل کند. کارهای مردانه‌تری همچون بیرون بردن زباله‌ها یا تعمیر و نگهداری وسایل خانه و خرید گزینه‌های مناسب‌تری برای آقایان است و بهتر زیر بار آن می‌روند. اگر در خانواده فرزند کوچکی هم دارید، می‌توانید امور مربوط به نگهداری از بچه‌ها را هم تقسیم کنید. برای نمونه رسیدگی به درس و مشق بچه‌ها با مادر و به مدرسه بردن و آوردن او با پدر. اگر در تقسیم کار خانه به توافق نرسید و یکی از شما کارهایی را به دیگری تحمیل کند که او علاقه‌ای به انجام آن نداشته باشد، بدیهی است این تقسیم کار پایدار نخواهد بود و ممکن است همسر شما از انجام این امور شانه خالی کند.

از کارهای شخصی شروع کنید

بخش مهمی از کارهای خانه مربوط به کارهای شخصی هر یک از اعضای خانواده می‌شود. مرتب کردن اتاق، شستوشوی لباس و اموری از این قبیل امور شخصی هستند که اگر یکی از اعضای خانه از انجام امور شخصی‌اش سر باز زند، بار این مسئله به دوش دیگر اعضای خانواده می‌افتد. پس شاید نخستین گام در تقسیم کار خانه را بتوان الزام اعضای خانواده در انجام امور شخصی‌شان برشمرد. این مسئله درباره خانواده‌های بزرگ‌تری که چند فرزند دارند، صادق است. از همه اینها مهم‌تر اینکه با بزرگ‌تر شدن بچه‌ها پدر و مادر باید بخشی از امور را به فرزندان خانه واگذار کنند. این کار هم موجب می‌شود بچه‌ها مسئولیت‌پذیر بار بیایند و به درستی تربیت شوند و هم از بار وظایف پدر و مادرها می‌کاهد.

با سیاست عمل کنید

خانم‌های خانه باید به خاطر داشته باشند که برای آنکه همسرشان را به مسئولیت‌پذیری در قبال امور خانه وادار کنند، باید با سیاست عمل کنند و برای این کار از جملات انگیزشی استفاده کنند؛ چراکه غر زدن خیلی وقت‌ها پاسخگو نیست.

نکته مهم دیگر اینکه اگر درباره تقسیم کار خانه قول و قراری با همسرتان دارید حتی اگر همسرتان بدقولی کرد، شما آن کار را انجام ندهید؛ چراکه این کار به عادت و روالی برای رفتار همسرتان تبدیل می‌شود. یادتان باشد اگر شما مسئولیت‌های همسرتان را انجام دهید، در واقع مسئولیت‌ناپذیری او را تأیید کرده‌اید.

ضمن اینکه ایرادگیر هم نباشید. ممکن است آقای خانه به اندازه شما در نظافت وسواسی عمل نکند. شما می‌توانید خواسته‌های خودتان را به او بگویید، اما حساسیت بیش از حد شما همسرتان را دلسرد خواهد کرد. در برابر مسئولیت‌پذیری همسرتان باید او را دلگرم کرده و این دلگرمی را با تشکر و لبخندی دوستانه همراه کنید؛ مطمئن باشید این روش رفتاری زندگی‌تان را شیرین‌تر می‌کند.

راه نرفته

درمان یک اختلال

□ دکتر مجید ابهری/ جویدن ناخن یک اختلال و واکنش روانی است که معمولاً در کودکان، در سنین چهار تا پنج سالگی آغاز می‌شود. علت این کار در کودکان بیشتر ناشی از هیجانات و اضطراب‌ها است. ناخن جویدن همچنین می‌تواند روشی برای ابراز دلگیری‌ها و دلخوری‌ها، دلواپسی‌ها یا جلب توجه باشد.

ناخن جویدن می‌تواند موجب بروز مشکلاتی از قبیل کاهش خودباوری شود؛ به این صورت که کودکانی که ناخن می‌جوند، اغلب نزد همسالان خود دستان‌شان را مخفی می‌کنند و این موضوع سبب خجالت آنها می‌شود.

در هر حال، ناخن جویدن یک اختلال محسوب می‌شود و ممکن است تا بزرگسالی ادامه داشته باشد و بعدها به صورت یک عادت در آید. بنابراین از بین بردن این اختلال در دوران کودکی آسان‌تر است.

بهترین شیوه، پیدا کردن منبع استرس در کودک است و با رفع آن مسئله، ناخن جویدن به راحتی می‌تواند کنار گذاشته شود.

به یاد داشته باشید که تهدید به تنبیه برای رفع این مشکل نه تنها تأثیری ندارد؛ بلکه می‌تواند مشکلات را تشدید کند.

شما بهتر است منتظر پاسخ کودک‌تان نباشید که چرا ناخنش را می‌جود و او را به دلیل انجام این عمل سرزنش نکنید. سعی کنید به دنبال علت باشید و توجه کنید کودک‌تان در چه مواقعی این عمل را انجام می‌دهد. برای نمونه، موقعی که می‌خواهد در مورد مسئله مهمی با شما صحبت کند یا به هنگام تماشای فیلم‌های وحشتناک.

جست‌وجو کنید که چه چیزی سبب شده آرامش و امنیت او به هم بخورد. این تلاش و کاوش شما برای پیدا کردن مشکل کودک‌تان و حل آن می‌تواند بزرگ‌ترین گام برای از بین بردن اختلال جویدن ناخن باشد.

کوتاه کردن ناخن کودک یا پرت کردن حواس او هنگامی که در حال جویدن ناخنش هست هم می‌تواند به مثابه راه‌حل‌های کوتاه‌مدت این معضل کاربرد داشته باشد.

گروه «زندگی» صبح صادق آماده است تا پلی بین شما خوانندگان با مشاوران خبره و امین ایجاد کند. سؤالات خود را از طریق سامانه پیامک ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳ برای ما ارسال کنید.

مقابله با هر گونه تهدید علیه نفتکش‌های ایرانی

امیر سیّدمحمود موسوی، معاون عملیات ارتش جمهوری اسلامی گفت: ایجاد هرگونه مزاحمت برای حمل‌ونقل و تجارت بین‌المللی از طریق آبراهه‌های بین‌المللی برخلاف قوانین بین‌المللی است و قاعدتاً این اقدامات پسندیده و مورد پذیرش نخواهند بود و نیروهای مسلح از قابلیت‌های لازم برای حفاظت از منافع خودشان در عرصه‌های گوناگون برخوردارند. نیروهای مسلح ایران این آمادگی را دارند از ناوگان تجاری و نفتکش خودمان همان‌گونه که تاکنون در مقابل تهدیدات دفاع کرده‌اند، این حمایت را به صورت مستمر داشته باشند.

گزارش اختصاصی صبح صادق از دستاوردهای فرماندهی پدافند هوایی نیروی هوافضای سپاه

آسمان ایران امن‌ترین آسمان جهان

□ حسن ابراهیمی/ در مواجهه با مسئله تهدیدات نظامی از طرف دشمنان یکی از مؤثرترین نوع تهدیدات از سوی ارتش‌های متخاصم در قرن اخیر به ویژه پس از جنگ جهانی دوم، حملات هوایی و تهدید از هوا چه به وسیله پرنده‌ها و چه به وسیله موشک است. در این میان کشورها می‌توانند چند راهکار داشته باشند، دفاع هوایی هواپایه که به وسیله پرنده‌ها در آسمان با تهدیدات مقابله می‌کنند، یا دفاع زمینی از طریق سلاح‌های زمین به هوا است. در مورد اول این نوع پدافند بسیار هزینه‌بر است و به علت نیاز به پایگاه‌ها و سامانه‌های ثابت نگهداری پرنده‌ها، آسیب‌پذیری بسیار بالایی وجود دارد. از طرفی در این حوزه، دفاع در برابر موشک‌ها به کمترین میزان لازم می‌رسد. در کشور ما که در حوزه پدافند هوایی، دفاع از طریق زمین جاری شده است، «قرارگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء(ص) ارتش» و «فرماندهی پدافند هوایی نیروی هوافضای سپاه» به عنوان دو بازوی هماهنگ با هم در ساختار سامانه یکپارچه پدافند هوایی عمل می‌کنند. همین هماهنگی و فعالیت‌ها چند دستاورد مهم داشته است. بنا بر اعلام سازمان‌های بین‌المللی، امن‌ترین آسمان جهان متعلق به ایران است و دشمن از هرگونه تهدید هوایی مأیوس شده است. در این حوزه کشور کاملاً مستقل بوده و تمامی تجهیزات و تاکتیک‌ها و موارد دیگر بومی است.

واحد راهبردی

فرماندهی پدافند هوایی نیروی هوافضای سپاه یک واحد راهبردی در مجموعه نیروهای مسلح است که بنا به اذعان جانشین فرماندهی این واحد، قدرت و دستاوردهای آن مرهون تلاش‌های سردار حاجی‌زاده، فرمانده فعلی نیروی هوافضا در این حوزه بوده و حضور ایشان تحولات بزرگی در این حوزه را رقم زده است. به عبارتی، وی پدر تحول در صنعت پدافند هوایی سپاه است. یک بررسی میدانی هم همین مسئله را نشان می‌دهد؛ چرا که گویا تا قبل از حضور سردار حاجی‌زاده در فرماندهی پدافند هوایی عمده توجه‌ها در این حوزه به سمت خرید سامانه‌های خارجی بوده است و با حضور سردار حاجی‌زاده یک توان بومی عظیم پای کار آمده و مسئولان حوزه پدافند هوایی در سپاه امروز مدعی هستند در این حوزه که جزء پیچیده‌ترین حوزه‌های فناوری است، صد درصد مستقل و صد درصد بومی هستند و دراین حوزه همپای حوزه‌های موشکی و پهپادی عمل شده؛ اما این عملکرد به واسطه وجود امنیت صد درصدی خوب به مردم منتقل نمی‌شود.

غافل و سرمست امنیت

«سلامت» و «امنیت» دو نعمتی هستند که تنها در صورت فقدان‌شان، می‌توان متوجه آنها شد. امروز هم دشمنان تا بن دندان مسلح جمهوری اسلامی ایران و انقلاب اسلامی می‌دانند توان کشور در حوزه پدافند هوایی و شناسایی پرنده‌های مختلف و موشک‌ها به حدی بالاست که می‌توان مدعی شد ایران در این حوزه در بالاترین رتبه‌ها حتی نسبت به قدرت‌های بزرگ نظامی جهان قرار دارد.

گنبد آهنین یا گنبد پنبه‌ای

رژیم صهیونیستی با هزینه‌های هنگفت یک سامانه پدافندی موسوم به گنبد آهنین را در آسمان خود مستقر کرد که با ابزار رسانه تبلیغات عظیمی برای بیان هیمنه این سامانه داشت؛ اما همه دیدند همه این هیمنه در سلسله جنگ‌های ارتش صهیونیستی با حزب‌الله لبنان و مقاومت فلسطین شکسته شد. تعبیر فرمانده کل ارتش در مراسم بزرگداشت دانشمند پارسا و پدر علم موشکی ایران، شهید حاج‌حسن طهرانی‌مقدم هم همین گنبد پنبه‌ای بود. در همین زمینه یک کارشناس حوزه پدافند هوایی در هوافضای سپاه معتقد است جمهوری اسلامی توان پدافند هوایی خود را تبلیغ نمی‌کند؛ اما می‌بینید که یک پهپاد پنهانکار جاسوسی رژیم صهیونیستی به آسمان منطقه نطنز نزدیک می‌شود و ما می‌دانیم و آن را رصد می‌کنیم. از فلان جا در فلان کشور بلند شده و مأموریت جاسوسی از تأسیسات هسته‌ای را دارد و آنها را در لحظه‌ای که امید دارند جاسوسی کنند، مأیوس می‌کنیم و پهپاد را می‌زنیم.

نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به منزله راهبردی‌ترین واحد نظامی کشور در سال‌های اخیر توانسته است توان خوبی از خود به نمایش بگذارد که تبلور آن را در موشک و پهپاد دیده‌ایم و نباید از پدافند هوایی غافل شویم

بومی‌ترین رزمایش

جانشین فرماندهی پدافند هوایی نیروی هوافضا در جلسه‌ای بعد از برگزاری رزمایش اخیر پدافند هوایی چند ویژگی آن را برمی‌شمارد که به نظر می‌رسد باید روی رسانه‌ای شدن این ویژگی‌ها کار فراوان کرد. اول اینکه این رزمایش سالیانه بین ارتش و سپاه مشترک است و نماد بسیار مهمی از به هم تنیدگی و هماهنگی واحدهای پدافند هوایی نیروهای مسلح است؛ چرا که در این رزمایش سامانه و نیروهای هر دو واحد پدافند هوایی ارتش و سپاه کاملاً در کنار هم و با وحدت فرماندهی عمل کردند که این محصول تدبیر فرمانده معظم کل قواست و شاید در پدافند هوایی یک امر متفاوت در نیروهای مسلح رخ داده باشد که همه دستورها، نقشه‌ها و رویه‌ها در حوزه پدافند هوایی ارتش و سپاه کاملاً منطبق با هم است و شاید تنها سامانه‌های به‌کارگیری شده متفاوت باشد.

دومین نکته این رزمایش هم بومی بودن صد درصدی آن است؛ یعنی هم نیروی انسانی و هم تجهیزات سپاه در این رزمایش صد درصد ایرانی و با استفاده از سامانه‌های نوین پدافند هوایی که تولید خود این نیرو است، انجام شده است. سامانه‌های پدافند هوایی پیچیده‌ترین سامانه‌های نظامی هستند. همین وابستگی نداشتن موجب شده است سپاه در تأمین و به‌کارگیری تجهیزات و تسلیحات پدافند هوایی هیچ محدودیتی نداشته و چون خود تولیدکننده و به‌کارگیری‌کننده است، همواره توانسته قابلیت سامانه‌های خود را افزایش داده و بهینه کند.

تمرین در نیمی از آسمان ایران

اما گستره جغرافیایی این رزمایش هم بسیار مهم بود؛ چرا که نیمی از آسمان کشور را پوشش می‌داد، اما نمره بالا این رزمایش هم دستاورد بسیار مهمی بود. زیرا هر رده از نیروهای مسلح که رزمایش اجرا می‌کند، باید بر اساس سناریوها و موارد طراحی شده از رده‌های بالا در ستاد کل نیروهای مسلح باشد و بر اساس این ناظران و داورانی از ستاد کل نیروهای مسلح همواره در رزمایش‌ها حضور دارند و به مرحله به مرحله و نیز کلیت رزمایش نمره می‌دهند که رزمایش اخیر یکی از بهترین رزمایش‌های انجام شده بر اساس این برآوردها بوده است.

در مجموع باید گفت، نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به منزله راهبردی‌ترین واحد نظامی کشور در سال‌های اخیر توانسته است توان خوبی از خود به نمایش بگذارد که تبلور آن را در موشک و پهپاد دیده‌ایم و نباید از پدافند هوایی غافل شویم.

یادداشت

پاسخ کوبنده به دشمن فرضی

□ ابوالحسن سلطانی‌زاده /

ارتقای توان و قدرت رزم دستوری قرآنی است که در آیه شریفه «واعدوا لهم ماستطعتم من قوه» برای مسلمانان ابلاغ شده است. در این آیه شریفه، حد نهایی ارتقای توان دفاعی کشور کسب قدرت بازدارندگی به منظور پرهیز دشمن از تعرض و تجاوز ذکر شده است. بر همین مبنا، جمهوری اسلامی ایران توان رزم ارتقاءدهنده خود را در قالب برگزاری نمایشگاه دستاوردهای دفاعی، برگزاری رژه و نمایش تجهیزات و برگزاری رزمایش‌های موردی و سالیانه به بوته آزمایش و نمایش می‌گذارد که به ویژه در موضوع رزمایش‌ها، با به‌کارگیری آخرین تولیدات دفاعی ضمن ارائه پیام اقتدار و عزت با تکیه بر خودکفایی و بومی‌سازی، اگر نقایص و مشکلاتی نیز پیش رو باشد، برطرف می‌شود تا در زمان مقتضی و به‌هنگام با دقت تمام و اطمینان از حصول نتیجه استفاده شود؛ آنچنانکه در دیرالزور و بوکمال برای سرکوب تهدیدکنندگان نظام اسلامی با عزت و سرافرازی و افتخار انجام شد.

در همین راستا، رزمایش پدافندی مدافعان آسمان ولایت ۹۷ در نیمه آبان ماه با همکاری مشترک نیروی هوافضای سپاه، قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء(ص) و نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران به وسعت ۵۰۰ هزار کیلومتر مربع برگزار شد. در این رزمایش در اقدامی هم‌افزا برای آزمایش سامانه‌های پدافندی به منظور اهداف فرضی در ارتفاع پست، متوسط و بلند میان نیروهای مقتدر فوق‌الذکر تقسیم کار صورت گرفته بود که نیروی هوافضای سپاه متکفل ارتفاع پست و متوسط شده بود که طی آن از سامانه‌های موشکی، سامانه‌های راداری و مراکز کنترل فرماندهی و جنگ الکترونیک کاملاً بومی و تولید داخل، همچون سوم خرداد، صیاد، طبس و رئوف استفاده شد. همچنین برای کشف و شناسایی و رهگیری پهپادهای فرضی با RCS پایین از رادارهای بومی و دقیق بهره‌برداری شد؛ یعنی در حالتی که پرنده‌های دشمن که بسیار نقطه‌ای برای تهاجم و ورود به منطقه شبیه‌سازی شده تهران اقدام می‌کردند، با همان قابلیت‌های بسیار سخت برای رهگیری RCS از طریق رادارهای پیشرفته و بومی شده، رصد و شناسایی می‌شدند و پس از لاک و قفل کردن روی هدف از سوی موشک‌ها، شلیک‌ها انجام می‌شد و انهدام صورت می‌پذیرفت.

در این عملیات مشترک، به لطف الهی و اقدامات دقیق نیروهای عمل‌کننده، همه پرنده‌های فرضی دشمن که از جنبه‌های گوناگون و به صورت همزمان اقدام به تهاجم کرده بودند، با دقت هدف اصابت قرار گرفتند.

از ویژگی‌های این رزمایش می‌توان به برگزاری آن در وسعت ۳۵ هزار کیلومتر مربع درون کویر، بومی بودن همه تجهیزات به‌کار گرفته شده، طراحی سختگیرانه و ایجاد قرارگاه نارنجی برای دشمن و ردگیری بمب‌های رها شده از هواپیما و موشک‌های زمین به زمین از طریق سامانه‌های راداری اشاره کرد و در بخش اهداف نیز می‌توان موارد ذیل را برشمرد:

۱ـ آزمایش سامانه‌های پدافندی، پهپادی و راداری که به طور معمول این آزمایش‌ها در قالب رزمایش‌های معمول و سالیانه انجام می‌شود؛

۲ـ هم‌افزایی نیروهای مسلح پدافندی کشور برای حفاظت از حریم هوایی و برقراری امنیت؛

۳ـ مقابله قدرتمندانه با نقض حریم هوایی از طریق پرنده‌های فرضی دشمن با اقدامات راهبردی چهارگانه کشف، شناسایی، رهگیری و انهدام.

نقطه سرخط

نزن ارزشش را ندارند!

می‌گفت؛ «در یکی از عملیات‌ها که علیه منافقین بود قرار شد منطقه‌ای را با موشک هدف قرار بدهیم. من موشک‌ها را آماده کرده بودم، سوخت‌زده با سیستم برنامه‌ریزی شده؛ موشک‌ها هم نقطه‌زن بود. حاج‌احمد از عمق عراق تماس گرفت که مقدم آماده‌ای؟ گفتم: بله. گفت: موشک‌ها چقدر می‌ارزد؟ گفتم مثلاً شش هزار دلار. گفت: «مقدم نزن اینها اینقدر نمی‌ارزند!» خیلی بعید است شما فرمانده‌ای وسط عملیات گیر بیاوری که اینقدر با حساب و مدبرانه عمل کند. در کوران عملیات، بیت‌المال و رضای خدا را در نظر داشت.»

روایت شهید طهرانی‌مقدم از شهید احمد کاظمی

پاسداران خورشید

مادر شهید مدافع حرم «محمود رادمهر»

در کوتاهی خواص شهدا به یاری ولایت می‌شتابند

□ زینب محمودی/ محمود رادمهر از مدافعان ساروی حرم حضرت زینب(س) است که ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۵ در خان‌طومان سوریه به شهادت رسید.

عقیله ملازاده سورکی (مادر شهید) می‌گوید: «به نظر من هروقت خواص کوتاهی کنند، شهدا به یاری ولایت می‌شتابند و عقیده‌ام این است، چیزی که برای خدا دادیم نباید، پس بگیریم. خدا چهار پسر به من عنایت کرده بود که محمود پسر اولم و متولد سوم آذر ۱۳۵۹ بود. از همان کودکی طبق شرعیات او را بزرگ کردم؛ چرا که پدر خودم روحانی بود و طبق اصول ما را تربیت کرده بود. پدرم برایم سرمشقی بود تا طبق آنچه از او یاد گرفته بودم، فرزندانم را تربیت کنم. خدا کمک کرد فرزندانم در مسیر حق باشند. محمود از کودکی بسیار خوش‌سخن، خوش‌اخلاق و خنده‌رو بود. اولیای مدرسه به ادب و نزاکتش توجه می‌کردند و مورد علاقه آنها بود. همسرم هم سال ۹۰ به رحمت خدا رفته است. پسرم سال ۸۴ عقد و یک سال بعد ازدواج کرد. از او دو یادگار به نام‌های محمد و علی مانده است. محمد روز شهادت پدرش (۱۷ اردیبهشت) سالروز تولدش بود. پدرشان وقتی از سوریه برمی‌گشت، شعرهای حماسی را به زبان عربی برای‌شان می‌خواند. شهید به همسرش خیلی احترام می‌گذاشت و در بسیاری امور با او مشورت می‌کرد. محمود آرزویش شهادت و هدفش خدمت به نظام و ولایت فقیه بود. جز خدمت هدف دیگری نداشت. مأموریت‌های برون‌مرزی زیاد می‌رفت و در نهایت به سوریه رفت. اولین بار که از سوریه برگشت گفتم دعا می‌کنم خدا عاقبتت را بخیر کند، آخرین بار ساعت ۱۰ شب از من خداحافظی کرد. گفتم بچه‌ها را به کی می‌سپاری؟ گفت به خدا می‌سپارم و برای دفاع از حرم اهل بیت(ع) می‌روم.

حدود ۱۰ روز پیش از شهادت محمود خواب دیدم درویشی به منزل ما آمد و خبر شهادت محمود را آورد. خواب را برای بچه‌هایم تعریف کردم. همان ایام گوش به تلفن و زنگ در خانه سپرده بودم و هر لحظه منتظر بودم یک نفر خبر شهادت محمود را بیاورد.

به خدا می‌گفتم راضی به رضای تو هستم. برای شهادتش راضی بودم، اما فراقش سخت بود. خبر شهادت پسرم را از طرف سپاه برای ما آوردند. این اولین بار نبود که خانواده ما با شهادت برخورد می‌کرد. پیش از آن هم شهید داده بودیم و یکی از برادرانم به شهادت رسیده بود و برادر دیگرم هم از جانبازان جنگ تحمیلی است.

هرکس به قرآن متوسل شود، طبق اصول تربیتی قرآن و اهل بیت(ع) فرزندانش را تربیت می‌کند. تمام رسالت فرزندم دفاع از حرم حضرت زینب(س) بود. اگر سپاه اعلام نیروی زن داوطلب کند مانند خانم‌هایی که در دفاع مقدس در مناطق جنگی حضور داشتند ما هم در خدمت حضرت زینب(س) خواهیم بود. اگر ۱۰ پسر داشتم همه را فدای حضرت زینب(س) می‌کردم. دنیا جز بازیچه نیست و جز اینکه نظر انسان را جلب کند. خاصیت دیگری ندارد. خدا در دنیا عمل ما را مورد سنجش قرار می‌دهد. مرگ و زندگی وسایل آزمایش هستند. شهدای ما چند خصلت شاخص دارند؛ ایمان به صراط مستقیم یکی از آنهاست و اگر چنین نبود، خدا آنها را نمی‌پذیرفت.

تریبون

جمع‌بندی تریبون ۱۶

مهم‌ترین راهکار تبیین و ترویج نظریه مقاومت در جهان چیست؟

شانزدهمین هم‌اندیشی پیامکی تریبون را با توجه به تدابیر رهبر حکیم انقلاب اسلامی در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان پیش از ۱۳ آبان، به دومین توصیه ایشان، یعنی تبیین و ترویج نظریه مقاومت اختصاص دادیم؛ اما عمده پاسخ‌های ارسال شده بیشتر درباره ترویج این نظریه بود که در ادامه می‌خوانید.

الگوسازی و معرفی الگوها

الگوسازی و روشنگری و معرفی الگوها را «محمد میرنبی‌زاده» از بندرعباس، «میرزا جان‌طالبی» از مشکان، «غلام‌رسول کریمی» از دلند، «غلامرضا استکی» از اصفهان و «الهقلی کوشکی» از صفاشهر مطرح کرده‌اند.

تبلیغ از طریق رسانه‌ها

تبلیغ مفاهیم و دستاوردهای این نظریه از طریق هنر و رسانه با حضور فعال در فضای مجازی را «علی‌اکبر فردوسی» از ساری، «فرخی» از پاکدشت و «حامد شفیعیون» از اصفهان مطرح کرده‌اند. «مهرداد موسی‌عرب» از نجف‌آباد گسترش تبلیغات فرهنگی در سطح بین‌المللی با موضوع فرهنگ مقاومت و حضور پر رنگ افراد تأثیرگذار جبهه مقاومت در رسانه‌ها و فضای مجازی و برگزاری مناظره را بیان کرده است. «مهدی میرزازاده» از آذرشهر به تصویرکشیدن اقدامات مؤثر کشورهای محور مقاومت از طریق رسانه‌ها را مهم دانسته است. «محمدزارعی برآبادی» و «حسین کوشکی» از صفاشهر نظری مشابه دارند.

تبلیغ چهره به چهره

از هر کشور و منطقه‌ای و از هر قوم و نژادی در سراسر دنیا افراد آزاده و آزادیخواه را پیدا کرد و آنها را به ایران اسلامی دعوت کرد تا از نزدیک در ایران و سایر کشورهای مستضعف با نظریه مقاومت به دور از هر فشار و سانسور خبری آشنا شوند و سپس به مثابه مبلغ به منطقه خود بازگردند؛ این عبارات نظر «ایمان کامروان» از بندرعباس است. تقویت مقاومت در جهان اسلام با الگو گرفتن از جمهوری اسلامی را هم «شیرزاد صحرایی» از صحنه و «گلبس رستمی» از کرمانشاه مطرح کرده‌اند.

تقویت و شناساندن شعائر اسلامی

تقویت شعائر و اصول مذهب، مانند مهدویت، عاشورا، ولایت فقیه و اربعین حسینی هم از سوی «اعظم محمدی» از چادگان و معرفی سرداران مقاومت از سوی «مهدی انصاری» از نورآباد ممسنی و «فاطمه شکوری» از ملکان بیان شده است.

«پولادوند» از قم بر تبیین دستاوردهای مقاومت و فواید آن برای مردم اشاره دارد و «مهدی محمدی» از چادگان نظری مشابه ارائه کرده است.

انعکاس نتایج پیروزمندانه کشورهایی که راه مقاومت را پیش گرفتند، در پیام «غلامرضا شولی» از هندیجان مطرح شده و «مجتبی مقتدری» از جهرم ایران و لبنان را نمونه آن دانسته است.

«زهرا صحرایی» از کرمانشاه هم معتقد است، نظریه مقاومت به منزله یک عبرت است، که همواره در تاریخ مصادیقی دارد و باید بیان شود. «ایناللو» از بویین‌زهرا پیشنهاد داده است از ظرفیت خانواده پاسداران و بسیجیان و سازماندهی آنها در کل کشور برای کار در فضای مجازی استفاده شود.

«زهرا کریم‌زاده» از زرین‌شهر هم بر جذب افکار عمومی جهانیان و بیدارکردن افکار ملت‌ها نسبت به نظریه مقاومت تأکید کرده است.

برندگان تریبون ۱۶

«اعظم محمدی» از چادگان / «مهدی انصاری» از نورآباد ممسنی

«اکبر فردوسی» از ساری

پرسش تریبون ۱۷

تحکیم وحدت بین ملت‌های مسلمان جهان

نیازمند چه الزامات و شاخصه‌هایی است؟

سامانه پیامک صبح صادق ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳

گلی از باغ

گذر از «سال‌های بی‌ستاره»

«سال‌های بی‌ستاره» کتابی از مجموعه تاریخ شفاهی است که به کوشش «محمدعلی همتی» به نگارش درآمده است. این کتاب شرح خاطرات «عبدالرسول میرفلاح» از آزادگان جنگ تحمیلی است. «سال‌های بی‌ستاره» در ۱۳ فصل نوشته شده که وقایع مربوط به دوران کودکی، فعالیت‌های انقلابی، آغاز جنگ، اسارت و بازگشت به ایران را شامل می‌شود و در ۲۸۰ صفحه مصور تدوین و به کوشش انتشارات «خط‌شکنان» وابسته به اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان یزد، در هزار نسخه منتشر شده است. در بخشی از کتاب می‌خوانیم: «وقتی فهمیدم امام دارند تشریف می‌آورند، به همراه تعدادی از بچه‌ها قرار شد به تهران برویم. تعدادی با ماشین خودشان رفتند. من هم به تنهایی رفتم بلیت اتوبوس گرفتم و رفتم. نزدیکی‌های بهشت زهرا(س) که رسیدم، همانجا از اتوبوس پیاده شدم. ساعت ۳/۳۰ـ ۴ صبح بود. تعدادی شهرستانی بودند. سؤال کردم می‌تونیم بریم فرودگاه برای استقبال امام؟ گفتند: آقا، اگر خواستی حضرت امام را ببینی، هیچ جا بهتر از بهشت زهرا(س) نیست، برو بهشت زهرا(س). هنوز سپیده نزده بود. به قدری تجمع بود که دیگر نمی‌شد وارد بهشت زهرا(س) شد. بهشت زهرا(س) به این بزرگی، هر جا نگاه می‌کردی آدم بود. گوشه‌ای نماز صبح را خواندم. رفتم خود را به جایگاه برسانم. هر چه می‌رفتم می‌دیدم با زور بایستی رفت. جمعیت هل می‌دادند. تعدادی از مردم که انتظامات بودند و بازوبند بسته بودند، می‌گفتند: آقا داخل جایگاه جا نیست، نمی‌شه جلو رفت. برای حفظ جان حضرت امام همه مردم گوش به حرف می‌کردند که مشکلی پیش نیاید. رسیدم جلوی چهارراهی که حضرت امام قرار بود عبور کنند. تعدادی از مردم داشتند خوراکی پخش می‌کردند. چیزی به عنوان صبحانه از دست آنها گرفتم. همانجا ایستادم. دیگر تکان نخوردم. ساعتی گذشت که دیدم مردم دارند می‌گویند: حضرت امام جلوی بهشت زهرا(س) هستن. امام دارن میان. نمی‌بینید داره ماشین‌شون حرکت می‌کنه...»

قبیله عشق

پیکرش را تحویل‌مان نمی‌دادند

در آخرین روز محرم ۱۳۵۷ غسل کرد و از خانه خارج شد. گفتند در مقابل کنسولگری ترکیه گلوله به پیشانی‌اش خورده است. مردم، شهید را پیش از شهادت به بیمارستان امام خمینی(ره) فعلی رساندند. او در بیمارستان شهید شد. طاغوتی‌ها پیکر شهید را تحویل نمی‌دادند. شب با کمک مردم رفتیم سردخانه بیمارستان و مخفیانه پیکرش را بردیم در آرامگاه قوم تپه تبریز به خاک سپردیم.

به نقل از مادر شهید بهروز وحیدی

بهروز وحیدی در ۲۳ فروردین ماه سال ۱۳۲۹ در خانواده‌ای مذهبی متولد شد. در سال ۱۳۵۱ از هنرستان صنعتی تبریز در رشته فلزکاری دیپلم گرفت و سال ۵۲ به خدمت نظام اعزام شد. پس از شش ماه آموزش نظامی در ارتش به عنوان سپاه دانش در قریه‌ای از توابع شهرستان بانهٔ کردستان مشغول خدمت شد و همت خود را صرف آموزش دقیق نوباوگان کُرد و برادران سنّی مذهب کرد و در راه از بین بردن اختلافاتی که استعمارگران و ابرقدرت‌ها برای بلعیدن منابع بی‌شمار کشورمان، بین سنّی و شیعه ایجاد کرده بودند، فعالیت کرد و در این راه موفق شد. پس از به پایان رساندن خدمت نظام وظیفه، در رشته فوق دیپلم فلزکاری برای تدریس در آموزش و پرورش ادامهٔ تحصیل داد و در سال ۱۳۵۶ فارغ‌التحصیل شد. در سال ۱۳۵۶ که شعلهٔ انقلاب زبانه کشید و آتش مخفی نارضایتی‌های مردم و ظلم حکومت شاه، آشکار شد، وی سنگر مبارزاتی خود را از مدرسه به خیابان‌ها انتقال داد و از جمله کسانی بود که در ۲۹ بهمن ماه سال ۱۳۵۶ علیه ظلم و جور در تبریز قیام کرد. در تظاهرات مردم تبریز در زیر گلوله‌های دژخیمان فعالانه شرکت می‌کرد و فریاد مرگ بر شاه و مرگ بر آمریکا سر می‌داد و خواستار برقراری حکومت اسلامی می‌شد. همزمان با اوج‌گیری انقلاب وی فعالانه‌تر در مبارزات شرکت کرد. او آخرین روز محرم سال ۵۷ در تبریز به شهادت رسید.

فرمانده کل ارتش در مراسم هفتمین سالگرد شهادت سردار شهید حاج‌حسن طهرانی‌مقدم:

شکست‌های پی‌درپی در منطقه نشانه افول آمریکاست

امیر موسوی گفت: «ارتش و سپاه دو لبه برنده شمشیر ولایت هستند که توانسته‌اند در هم‌افزایی با هم امنیت را برای کشور به ارمغان بیاورند.»

به گزارش معاونت روابط عمومی نیروی هوافضای سپاه، امیر سرلشکر موسوی فرمانده کل ارتش در هفتمین سالگرد شهادت پدر موشکی ایران، سردار سرلشکر شهیدحسن تهرانی‌مقدم و یادواره ۲۷۱ شهید گلگون‌کفن این نیرو گفت: «شهیدان یکی از مصادیق شجره طیبه هستند که ریشه آنها در ایمان به خدا و اعتقادات اسلامی و فرهنگ ائمه معصوم(ع) است و شهید تهرانی‌مقدم و شهید کاظمی هم از مصادیق این شجره طیبه هستند.»

وی افزود: «فتنه داعش در سوریه و عراق و جنایات مشترک آل‌سعود در یمن در بعد نظامی، ایران‌هراسی در خارج و تبلیغات گسترده رسانه‌ای از طریق ماهواره‌ها و فضای مجازی در قلمرو فرهنگی فکری، اعمال گسترده‌ترین تحریم‌های ظالمانه علیه مردم ایران و اعمال فشارهای ناجوانمردانه سیاسی، تهدیدات بزرگی را علیه جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرد. اما با وجود تنوع و گستردگی تهدیدات به خواست خداوند بزرگ، ایران عزیز مسیر پیشرفت و بالندگی را طی کرده و امروز در جایگاه تعیین‌کننده در منطقه ایستاده است. تحولات نظامی اعم از شکست‌های رژیم صهیونیستی در لبنان و غزه، اضمحلال حاکمیت گروه‌های تروریستی در عراق و سوریه، تداوم مقاومت در یمن و ده‌ها نقطه عطف دیگر نشان از شکل‌گیری و تقویت ژئوپلیتیک گسترده مقاومت دارد و شکست‌های پی‌درپی و سرخوردگی دشمنان، حاکی از ناکامی دشمنان ملت ایران است.»

فرمانده کل ارتش رژیم صهیونیستی را با اشاره به روند رو به افول قدرت آمریکا، گفت: «امروز همه ما می‌توانیم به جرئت و با قدرت ادعا کنیم عصر سلطه و هژمونی آمریکا در غرب آسیا به سر آمده است و عصر حاکمیت اسلام عزیز و پیشگامی جمهوری سربلند اسلامی ایران فرا رسیده است. امروز منطقه غرب آسیا به یک نمایشگاه بزرگی از شکست‌های پی‌درپی شیطان رانده شده، آمریکای جنایتکار تبدیل شده است. اینها همه تنها بخشی از میوه‌ها و ثمرات شجره طیبه شهیدان است.»

امیر موسوی افزود: «این پایان راه نیست. ما در میانه راه هستیم و پیام شهیدان حرکت و تلاش تا تحقق تمام آرمان‌های والای انقلاب اسلامی است.» فرمانده کل ارتش رژیم صهیونیستی را هم یک رژیم نحس، نجس و نامشروع نامید که حیات پلید خود را با جنگ و شرارت و فتنه‌انگیزی همراه کرده و در طول این سال‌ها همواره با جنگ‌افروزی به دنبال تثبیت موقعیت خود در منطقه بوده است.

امیر موسوی با اشاره به حمایت همه‌جانبه آمریکا از سازمان‌های تروریستی، گفت: «سازمان‌های تروریستی هم از بازیگران مولد ناامنی در منطقه و سرعت‌گیرهای جبهه مقاومت هستند که تهدیداتی را علیه کشور ما ایجاد می‌کنند و کاملاً هم روشن است که فتنه‌انگیزی هر سه دسته (رژیم صهیونیستی، سازمان‌های تروریستی، حکام مرتجع عرب) با هدایت و حمایت آمریکای جهانخوار است و بر ماست که با هوشیاری راهبردی بر توانمندی‌های دفاعی خود بیفزاییم تا راه نیمه همه شهیدان را تمام کنیم و فردای قیامت پیش روی شهیدان روسفید باشیم.»

صبح صادق
دوشنبه ۲۸ آبان ۱۳۹۷
۱۱ ربیع الاول ۱۴۴۰
سال نوزدهم شماره ۸۷۴
۱۲ صفحه
Mon. 19 NOV 2018
www.sobhesadeghweekly.ir

هفته‌نامه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی صبح صادق
زیر نظر شورای نویسندگان معاونت سیاسی
نمایندگی ولی فقیه در سپاه

تلفن: ۱۱۰-۷۷۴۶۰۱۰۰(۰۲۱)
صندوق پستی: ۱۷۴۴۵/۱۴۴
سایت اختصاصی: ssweekly.ir
رایانامه: sobhesadegh@iran.ir
سامانه پیامک کوتاه: ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳
نمابر: ۷۷۴۸۸۴۲۶
کانال پیام‌رسان سروش: @ssweekly

صبحانه

همه دنیا برای اوست

برای دیدن زیبایی، نیازی به بینایی نیست،
خیلی چیزها را می‌شود با چشم دل دید
چشم دل است که زیبایی درونی را می‌بیند
آدم‌هایی را می‌شناسم که چشمانی تیزبین دارند،
اما زیبایی‌ها را نمی‌بینند!
و روشن‌دلی را می‌شناسم
که تمام زیبایی‌های اطرافش را با چشم دلش می‌بیند،
این‌گونه یک روشن‌دل که هیچ سرمایه‌ای ندارد،
احساس می‌کند همه دنیا برای اوست...

صادقانه

عظمت نام محمد(ص)

حضرت امام صادق(ع) به یکی از یاران خود که خداوند فرزندی به او داده بود، فرمود: چه نامی برای او انتخاب‌کرده‌ای؟ پاسخ داد: او را محمد نامیده‌ام. امام صادق(ع) تا نام محمد را شنید (به احترام آن حضرت) صورت مبارکش را به طرف زمین خم کرد، نزدیک بود گونه‌های مبارکش به زمین بخورد. آن حضرت زیر لب گفت: محمد، محمد، محمد. سپس فرمود: جان خودم، فرزندانم، پدرم و جمیع اهل زمین فدای رسول خدا(ص)باد! بدان! در روی زمین خانه‌ای نیست که در آن نام محمد وجود داشته باشد، مگر اینکه آن خانه در تمام ایام مبارک خواهد بود.

بحارالانوار، ج۱۷، ص ۳۰

تلخند

بدون شرح

یادداشت

عاشقانه‌ای برای ثبت تاریخ

□ **حسین کارگر/** یکی از محورهای آثار سینمایی و سریال‌های تلویزیونی در سراسر جهان، پرداختن به حوادث تاریخی یا مسائل روز سیاسی و اجتماعی است. رسانه‌ها با به تصویر کشیدن این گونه موضوعات، آنها را به نسل‌های بعد منتقل می‌کنند و مانع از فراموشی آنها می‌شوند. تولید ده‌ها فیلم سینمایی یا سریال تلویزیونی در هالیوود درباره مسائل روز داخلی و خارجی مرتبط با آمریکا در طول هر سال، مصداق بارز اهمیت و کارکرد این نوع آثار است؛ اما متأسفانه در ایران، کمتر فیلم و سریالی با توجه به حوادث و مسائل روز جامعه ساخته می‌شود که این کمبود به دلیل تثبیت نوعی محافظه‌کاری و بی‌تفاوتی در این بخش از فرهنگ و هنر کشورمان است.

«حوالی پاییز» از معدود سریال‌هایی است که ضمن نمایش یک داستان عاشقانه و سرگرم‌کننده، یکی از حوادث تلخ سال‌های اخیر در ایران و جهان اسلام را روایت می‌کند. مراسم حج سه سال پیش، توأم با اتفاقات ناگواری بود، از جمله سقوط یک بالابر و همچنین فاجعه بزرگ منا و به شهادت رسیدن هزاران مسلمان که جمع زیادی از آنها ایرانی بودند. اتفاقاتی که متأسفانه به جز دو سه فیلم مستند، هیچ گاه در سینما یا سریال‌های ایرانی بازتابی نیافت. البته بخشی از این مسئله به دلیل حساسیت و پیچیدگی موضوع است؛ اما در سریال شبکه سه سیما سعی شده است در قالب یک ملودرام خانوادگی، به مسائل دیپلماتیک و کشمکش‌های بین‌المللی نیز پرداخته شود. داستان این سریال، با رابطه عاشقانه یک جوان ایرانی و دختر عربستانی آغاز می‌شود؛ اما از همان ابتدا، پای مسائل سیاسی نیز به میان می‌آید. عوامل سعودی در ایران، در پی جمع‌آوری اسنادی هستند و از «ساره» دختر عرب که در پی کسب تابعیت ایرانی است، استفاده می‌کنند؛ اما عوامل اطلاعاتی ایران، این توطئه را نقش بر آب می‌کنند. بخش دیگری از داستان نیز به سفر حج چند نفر از شخصیت‌های اصلی سریال اختصاص دارد. سفری که با حوادث واقعی در سال ۱۳۹۴ در مکه تلفیق می‌شود. دغدغه اصلی در این بخش، بازنمایی دل‌نگرانی‌ها و رنج‌های خانواده‌هایی است که درگیر فاجعه منا شدند. سریال «حوالی پاییز» به خوبی از پس بازنمایی این فضا و جنبه‌های عاطفی و احساسی آن برآمده است.

نمایش سبک زندگی و فضای خانواده و زندگی سنتی ایرانی نیز از دیگر ابعاد جذاب و مثبت این سریال است. هر چند از نظر ساختاری ضعف‌هایی نیز در این کار موجود است؛ اما در مجموع، به دلیل ثبت یک حادثه مهم و تلخ تاریخی قابل توجه است و جسورانه محسوب می‌شود.

حسن‌ختام

دنیای بی‌تو

بهار انتظارم، سلام!
قریب چند سال است که
جمعه‌ها برایت نامه می‌نویسم
و واژه‌ها در هیاهویی از انتظار،
یکی یکی از هم سبقت می‌گیرند
تا خود را به نامی نام تو
بر صفحه کاغذ مزین کنند.
می‌دانم که می‌دانی
از خستگی دست‌ها و چشم‌ها!
از فرسودگی اشک‌ها و نذرها!
اما تهِ دل‌مان چیزی هست
که هنوز بهانه‌ات را می‌گیریم
و روزها و هفته‌ها با یک دنیا آرزو،
زیر جمعه‌های قرمز تقویم خط می‌کشیم.
آقا! این دنیای بی تو، کی تمام می‌شود؟!
اصلاً جاده‌ها تو را به کجا برده‌اند
که پس از قرن‌ها به ما نرسیدی؟!
دعای‌مان کن تا آن روز،
در باغ زندگی با هر تند بادی نشکنیم
و پرپر نشویم.
ما هم دعای فرج می‌خوانیم
و فانوس‌های انتظار را
سر راهت روشن نگه می‌داریم
و تا فجر فرج، منتظرت می‌مانیم.

موکب

رستاخیز اربعین-۳

ضرورت تقویت زیرساخت‌ها

□ **قاسم حبیب‌زاده/**

ظرفیت اقتصادی اربعین / امسال با توجه به افزایش نرخ ارز فرصت‌های کم‌نظیری برای صادرات و فعالیت در بازارهای عراق به وجود آمده که مسئولان مربوطه در این آشفته‌بازار می‌توانند فعالیت مؤثری انجام دهند. آنچه در بازار دست‌فروشان و مغازه‌داران کربلا و نجف مشاهده می‌شد، قبضه بازار آنجا با کالاهای چینی بود و اثری از کالاهای ایرانی دیده نمی‌شد. این در حالی است که با توجه به مزیت‌های ما در همجواری با عراق و قرابت فرهنگی و افزایش چند برابری نرخ ارز، مسئولان مربوطه خیلی بیشتر از این می‌توانند از این بازار بهره برده و برای جبران کاستی‌های مدیریتی خود تلاش کنند.

نیازهای زیرساختی اربعین/ تقویت زیرساخت‌های شهرهای نجف و کربلا یکی از الزامات بسترسازی برای حضور بیشتر در حماسه اربعین است؛ از جمله زیرساخت‌های مورد نیاز وجود پایانه‌های مسافربری منظم و قوی در شهرهای نجف، کربلا و دیگر شهرهای زیارتی عراق است تا مسافران هنگام عزیمت به این شهرها از مرز ایران و بازگشت به آنها دچار مشکل نشوند.

کودکان بزرگ‌منش/ یکی از صحنه‌های جالب در راه‌پیمایی اربعین حضور کودکانی است که به زائران خدمت‌رسانی می‌کنند. آنها از همین کودکی خدمت و سخاوت را در مکتب امام حسین(ع) می‌آموزند و با این اعتقاد بزرگ می‌شوند. به یقین لشکریان آینده اباعبدالله(ع) انبوه‌تر، مستحکم‌تر و بصیرتر خواهند بود؛ چرا که والدین کودکان امروز عراقی اراده کرده‌اند فرزندان خود را سرباز امام حسین(ع) تربیت کنند و همچنین والدین ایرانی که کودکان خود را در این راه سراسر سعادت و کمال به همراه می‌آورند، اراده‌ای جز تربیت حسینی فرزندان خود ندارند.

حرف تو حرف

زوال و هزار درد

وقتی گفته می‌شود آمریکا رو به زوال است، بعضی‌ها باور نمی‌کنند؛ اما نمی‌شود بر آنها خرده گرفت، چرا که باور نزدیکی مرگ عزیزان سخت است. ما نیز با آرزوی صبر برای تمامی آمریکادوستان، به برخی دلایل پوکیدن آمریکا که همانا مقدمه زوال زودرس آن است، اشاره می‌کنیم:

۱ـ آلزایمر و زوال عقل: در فهرست جدید تحریم‌های آمریکا، کشتی غرق شده «سانچی» و بانک منحل شده «تات» به چشم می‌خورد و بعید نیست، اگر نزدیکانش، حواس‌شان به آلزایمر این بی‌وجود پرحاشیه نباشد، وضع بیماری او وخیم‌تر شود و میرزا کوچک‌خان جنگلی، ستارخان و باقرخان را در فهرست تحریم‌های بعدی قرار دهد.

۲ـ افزایش توهم در عین کاهش قدرت: زمانی آمریکا یک نفر را می‌فرستاد به کشوری و یک روزه کودتا می‌کرد؛ اما اکنون پول خرج می‌کند، داعش می‌سازد و ارتش به سوریه می‌فرستد تا منطقه غرب آسیا را ناامن کند، آخر سر باید بنشیند یک گوشه، التماس کند آن یه ذره که دست‌شان مانده را نزنند.

۳ـ کاهش ارتفاع محاسبه کلام از روی چشم به پایین‌تر: قبلاً آمریکا حرف می‌زد، همه کشورها همین‌جوری قبول می‌کردند؛ اما حالا احترام موی زردش را هم نگه نمی‌دارند و هند و چین و کشورهای اروپایی و غیر اروپایی همین‌طوری پررو پررو مخالفت می‌کنند.

محمدرسول نوروزی

کشکیات

هیچ کجا...

چندی است که ملت همه در فکر دُلارند
یک عده که انگار نه انگار... خیارند
گویید به آنان که به اُمّید نشستند
جز حرف، عمل کرده و تدبیر بیارند
در کارِ کلیدند و همین کم الکی نیست
دَر را بده تا قفل دگر روش بذارند
یا سکه ندارند و رسیدند به قحطی
یا اینکه اگر هست به دنبال عیارند
یک عده بکارند و دگرها بخورَندَش
یک عده بِبَلعند ولی دانه نکارند
بی کار نشستند و شکم‌ها زده بالا
گویند به آنان که همی باز بکارند
گویا که در آرامش محضند هماره
در کف دف و در شور و طرب، مست و خمارند
القصه بخوردند و برفتند و بِبُردند
الان لب آبند و به دنبال سه‌تارند
صد وای به آنان که به صد فتنه فتادند
آنان که همی بر شتر فتنه سوارند
این نکته نابی است که آنان که چنینند
یا بی‌همه چیزند وَ یا بی‌کس و کارند
ای کاش که آنان که چنینند نمانند
در هیچ زمان، هیچ کجا رأی نیارند

امیرحسین کمال‌زارع

کتیبه سبز

خورشید و باران

سیدضیاءالدین شفیعی
شاعر

زمین گهواره کابوس‌های تلخ انسان بود
زمان چون کودکی در کوچه‌های خواب حیران بود
خدا در ازدحام ناخدایان جهالت گم
جهان در اضطراب و ترس در آغوش هذیان بود
صدا در کوچه‌های گیج می‌پیچید بی‌حاصل
سکوتی هرزه سرگردان صحرا و بیابان بود
نمی‌رویید در چشمی به جز تردید و وهم و شک
یقین تنها سرابی در شکارستان شیطان بود
شبی رؤیای دور آسمان در هیئت مردی
به رغم فتنه‌های پیش رو در خاک مهمان بود
جهان با نامش از رنگ و صدا سیراب شد آخر
«محمد» واپسین پیغمبر خورشید و باران بود

نگاهی به آثار برگزاری جشنواره فیلم مقاومت

مبارزه در عرصه بین‌المللی

□ **مهدی امیدی/** پانزدهمین دوره جشنواره فیلم مقاومت در حالی کار خود را آغاز می‌کند که نسبت به دوره‌های پیش، محدودتر شده است. به گونه‌ای که ابتدا حتی بنا بود به بهانه کمبود بودجه در یک شب و فقط در قالب مراسم معرفی و تقدیر از برگزیدگان برگزار شود. این در حالی است که در طول سال، ده‌ها جشنواره سینمایی ریز و درشت در کشور برگزار می‌شود که بسیاری از آنها ضرورت چندانی ندارند. اینکه در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، یکی از جشنواره‌های انقلابی و استراتژیک تا مرحله تعطیلی هم پیش می‌رود، خود نشانه رسوخ اخلال و کژتابی در مدیریت فرهنگی کشور است. این در حالی است که اهمیت این جشنواره سبب شده است حتی دولت آمریکا مانع از حضور یک فیلم از آن کشور در جشنواره مقاومت شود.

به هر حال، برگزاری پانزدهمین دوره جشنواره مقاومت از پنجم آذر در تهران آغاز می‌شود. از جمله اتفاقات مهم این جشنواره می‌توان به نمایش فیلمی با موضوع پشت پرده جنایات دولت آل‌سعود با نام «فقط خاشقجی تنها نیست»، شرکت فیلمی با ۱۰۰ بازیگر سوری، نمایش فیلم هندی سلمان خان با موضوع داعش، حضور فیلمی از باسل خطیب، کارگردان مطرح جهان عرب و... اشاره کرد. در ادامه، دیدگاه‌های دو کارشناس سینما را درباره اهمیت و کارکرد برگزاری جشنواره فیلم مقاومت می‌خوانید:

تنها جشنواره ملی با محور هویت و آرمان‌های ملی

سعید مستغاثی، رئیس پیشین انجمن منتقدان در گفت‌وگو با صبح صادق اظهار داشت: «جشنواره فیلم مقاومت در غیاب یک جشنواره ملی و شایسته غنیمت است. اگر جشنواره فجر مطابق با عنوانش به موضوعات ملی و انقلابی اختصاص پیدا می‌کرد، شاید برگزاری جشنواره مقاومت هم ضرورت نمی‌یافت. همچنین جشنواره فیلم مقاومت از معدود جشنواره‌هایی است که به منافع و آرمان‌های ملی و همچنین باورها، ریشه‌ها و هویت کشورمان توجه می‌کند؛ چرا که از نظر اعتقادی، یکی از مبانی هویتی ما ایستادگی در برابر طاغوت است. همچنان که در آیت‌الکرسی آمده است: «فَمَنْ یَکْفُرْ بِالطّاغُوتِ وَ یُؤمِن بِاللهِ...»؛ مقاومت، یکی از وجوه بارز اعتقاد و هویت ماست.»

کارگردان مجموعه «راز آرماگدون» درباره راه‌های ارتقای تأثیرگذاری جشنواره فیلم مقاومت اظهار داشت: «جشنواره فیلم مقاومت، صد درصد می‌تواند مؤثرتر باشد؛ اما باید برای آن هزینه شود. در میان خیل عظیم جشنواره‌هایی که با بودجه‌های هنگفت برگزار می‌شوند، باید به این جشنواره نیز بیشتر توجه شود. لازم است جشنواره مقاومت در همه شهرها و همه کشورهای اسلامی دفتر داشته باشد؛ چون این جشنواره باید پناهگاه و ملجأ هنرمندان مستقل و آزاده جهان باشد و بتواند آن دسته از فیلمسازهایی را که از نظام سلطه فراری هستند، جذب کند. در شرایطی که برای این جشنواره هزینه نمی‌شود و حتی متولیانش نیز به فکر تأمین آن نیستند و شبیه به یک جشنواره عاریتی برگزار می‌شود، همین وضعیت هم در جشنواره مقاومت یک شاهکار است. دبیر و برگزارکنندگان این جشنواره با اعتقاد و دستان خالی کار می‌کنند. اگر جشنواره‌هایی مانند کن و برلین دارای این جایگاه هستند، چون بودجه و حامی مالی دارند، حتی جشنواره‌های سطحی و کوچک در جهان نیز از بودجه برخوردار هستند.»

مستغاثی تأکید کرد: «نقطه قوت جشنواره مقاومت این خواهد بود که با فیلم‌سازهای مستقل جهان ارتباط برقرار کند؛ البته این تلاش صورت گرفته است؛ اما چون پخش فیلم در سطح جهان در انحصار نظام سلطه است. جذب فیلم برای این جشنواره هم خودش حکایتی است. بنابراین، برگزارکنندگان جشنواره باید چراغ دست بگیرند و با جست‌وجو در کشورهای گوناگون، آنهایی را که راهی به نظام حاکم بر سینمای جهان ندارند، پیدا کنند و حتی هزینه فیلمسازی آن را، مانند برخی از جشنواره‌های غربی بپردازند.

این کارشناس سینما در پایان تصریح کرد: «نکته مهم این است که جشنواره مقاومت زمین بازی خودمان است. برخلاف بسیاری از جشنواره‌های دیگر که در زمین بازی دیگران قرار دارند، این جشنواره از معدود رویدادهایی است که می‌تواند کاملاً اسلامی و ایرانی باشد و باب جدیدی را در سینمای جهان باز کند. بنابراین، آنهایی که ادعای دغدغه‌مندی سینمای انقلاب را دارند، به ویژه ارگان‌های عریض و طویل فرهنگی باید توجه بیشتری به جشنواره مقاومت کنند؛ چون این سینما و این جشنواره است که می‌تواند پرچمدار سینمای ما در جهان باشد.»

جشنواره مقاومت؛ منجی سینمای انقلاب

جبار آذین، منتقد و مدرس سینما نیز در گفت‌وگو با صبح صادق بیان کرد: «جشنواره فیلم مقاومت با همه کاستی‌ها و ضعف‌هایش، منجی و پرچمدار سینمای انقلاب و دفاع مقدس است. برگزاری این جشنواره، اقدامی ناگزیر و ضروری برای نجات و تداوم حیات آثار انقلابی و دفاع مقدسی و تولیدکنندگان این نوع آثار و اتخاذ سیاستی درست و حرکتی مناسب است.»

وی افزود: «بزرگ‌ترین دلیل تولد سینما و جشنواره مقاومت، بی‌اعتنایی، بی‌حمایتی و ظلم برخی نامدیران و هنرمندنماها به سازندگان و فیلم‌های دفاع مقدسی بوده است. عواملی چون جایگزینی سیاست به جای فرهنگ در سینما، گزینش سیاسی مسئولان و مدیران سینما که برخی از آنها حتی الفبای فرهنگ و سینما را نمی‌دانستند و نمی‌دانند، فاصله گرفتن سینما از ارزش‌ها و آرمان‌های جامعه، بی‌میلی نامدیران سینما در تولید آثار انقلابی و دفاع مقدسی، سنگ‌اندازی بر سر راه تولیدکنندگان آثار مقاومتی و منزوی و خانه‌نشین کردن آنها، رونق تولید فیلم‌های بازاری و نازل و مبتذل، کجروی و انحراف جشنواره فیلم فجر که باید ویترین و آیینه تمامیت سینما باشد و حضور آثار ارزشی در آن در هر دوره کم و کمرنگ‌تر می‌شود؛ فضا و زمینه‌سازی پیدایش و قدرت‌گیری مافیا، پول‌شویان، سوداگران، گذشته‌گراها، غرب‌پرستان و علف‌های هرز در سینما، تداوم ظلم به سینماگران ارزشی و آثار انقلابی و دفاع مقدسی و... سبب شد تا گروهی از هنرمندان با یاری برخی نهادهای ارزشی برای نجات حیات و احیای سینمای ارزشی، جشنواره فیلم مقاومت را راه‌بیندازند. چنانچه سینمای مقاومت در جایگاه شایسته خود می‌ایستاد، شاید به ایجاد و برگزاری جشنواره‌ای دیگر نیازی نبود؛ اما واقعیت‌های سینمای کشور این گونه نیست و سینما و جشنواره مقاومت، به ناگزیر راهی دیگر را که از میان فرهنگ و هنر جامعه می‌گذرد، پذیرا شده و در این مسیر گام برمی‌دارند.

اخبار فرهنگی

بی‌توجهی جشنواره فیلم کوتاه تهران به انقلاب!

سی‌وپنجمین جشنواره فیلم کوتاه تهران، با حداقل توجه ممکن به انقلاب و دفاع مقدس برگزار شد! درباره سی‌وپنجمین جشنواره فیلم کوتاه تهران، صرف‌نظر از اینکه چقدر به داوری‌ها و تخصیص جوایز انتقاد وارد است، باید نکته مهم‌تری را در سیاست‌گذاری جشنواره فیلم کوتاه بررسی کرد و آن، حضور کمرنگ و حداقلی آثار دفاع مقدسی و انقلاب اسلامی در این دوره از جشنواره است. در این جشنواره ۲۵۷ فیلم به نمایش درآمد که از این تعداد تنها ۱۳ فیلم در قالب داستان، مستند و پویانمایی به دفاع مقدس اختصاص داشت؛ یعنی از آثار راه یافته به سی‌وپنجمین جشنواره فیلم کوتاه تهران پنج درصد سهم سینمای دفاع مقدس است که این تعداد در چهلمین سال انقلاب هشداری جدی به مدیران جشنواره و فیلم‌سازان فیلم کوتاه است. جشنواره فیلم کوتاه در بخش‌هایی، همچون نشست‌ها و بزرگداشت‌ها قدمی برای گرامی‌داشت ۴۰ سالگی انقلاب برنداشت که این یک کوتاهی بزرگ و غیرقابل چشم‌پوشی است و سیاست‌گذاران جشنواره باید پاسخگوی آن باشند. همچنین، این جشنواره در سیاهه میهمانان خارجی خود، یک نام آشنا از هنرمندان جهانی جبهه مقاومت قرار نداد.

می‌خواهند به سرنوشت خاشقجی دچار شوم

خواننده سرود «آمریکا، ننگ به نیرنگ تو» گفت: «آمریکا و رژیم صهیونیستی می‌خواهند سرنوشتی شبیه به خاشقجی را برایش رقم بزنند.»

چند روزی است که در فضای مجازی، خبری مبنی بر سکونت اسفندیار قره‌باغی، خواننده سرودهای انقلابی در آمریکا دست به دست می‌شود. این خبر پس از صحبت‌های معصومه ابتکار، مشاور رئیس‌جمهور در امور بانوان، منتشر شد که در واکنش به انتقادها درباره تحصیل فرزندش در آمریکا گفته بود خواننده «آمریکا، ننگ به نیرنگ تو» هم در آمریکا سکونت دارد.

قره‌باغی نیز در واکنش گفت: «این شایعات از ابتکارات خانم ابتکار است. وی برای اینکه خودش را از انتقادی مبنی بر تحصیل فرزندش در آمریکا تبرئه کند، پای من را وسط کشید و مرا متهم کرد.»

او تصریح کرد: «در تبریز ساکن هستم و تا به حال اصلاً به آمریکا نرفته‌ام.»

وی همچنین اظهار داشت: «رژیم صهیونیستی و آمریکا دنبالم هستند تا بلایی شبیه به آنچه بر سرِ خاشقجی آوردند، بر سرِ من هم پیاده کنند. خلاصه بگویم می‌خواهند حسابم را برسند.»

اعتراض تماشاگران به یک فیلم

ضعف مفرط یکی از فیلم‌های روی پرده، اعتراض تماشاگران این فیلم را برانگیخت! فیلم «خانم یایا» به کارگردانی رضا کاهانی، یکی از ضعیف‌ترین آثار به نمایش درآمده در سال‌های اخیر است؛ به گونه‌ای که تعداد قابل توجهی از مخاطبان این فیلم به صفحات شخصی عوامل آن در فضای مجازی مراجعه و انتقادهای خود را مطرح کردند. دو فیلم قبلی همین کارگردان نیز به دلیل ضعف مفرط ساختاری و محتوایی، امکان نمایش نیافتند و این فیلم‌ساز در مصاحبه‌هایی، مدعی توقیف و سانسور فیلم‌های خود شد! روزنامه «شرق» با متهم کردن این فیلمساز به «تظاهر به اپوزیسیون بودن» نوشت: «او به عمد کارهایی انجام می‌دهد که فیلم‌هایش با مشکل مواجه شوند.»

روایت زندگی جوان‌ترین شهید مدافع حرم

طی مراسمی از کتاب «بیست سال و سه روز» با موضوع شهید مدافع حرم مصطفی موسوی رونمایی شد.

کتاب «بیست سال و سه روز» از سری مجموعه کتاب‌های مدافعان حرم انتشارات روایت فتح است که به قلم سمانه خاکبازان، داستان زندگی شهید مصطفی موسوی را روایت می‌کند. این شهید که وی را جوان‌ترین شهید ایرانی مدافع حرم می‌شناسند، بیست‌ویکم آبان سال ۱۳۹۴ در ۲۰ سالگی در شهر العیس حلب به شهادت رسید.

مراسم رونمایی از این کتاب با حضور دوستان، هم‌رزمان، خانواده شهید موسوی و جمعی از مدیران فرهنگی، در تالار امام رضا(ع) اداره آموزش و پرورش منطقه ۱۸ تهران برگزار شد.

فیلم جدید ملاقلی‌پور رونمایی می‌شود

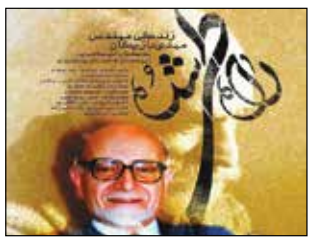

مستند «راه طی شده» به کارگردانی علی ملاقلی‌پور، با موضوع مهندس بازرگان سه‌شنبه ۲۹ آبان در تالار سوره حوزه هنری رونمایی خواهد شد.

نام این مستند که با عنوان «راه طی شده» تولید شده است، برگرفته از یکی از مهم‌ترین کتاب‌های مهندس بازرگان به همین نام است؛ این مراسم با حضور شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی برگزار خواهد شد.

آخرین اثرِ مستند علی ملاقلی‌پور از تولیدات مرکز مستند سوره و مرکز آفرینش‌های فرهنگی و هنری بسیج است و افکار و زندگی سیاسی نخست‌وزیر دولت موقت را به تصویر می‌کشد.

سریال «سردار سنجرخان» در آستانه تولید

سریال «سردار سنجرخان» که پس از درگذشت سیدضیاءالدین دری قرار شد به کارگردانی محمدحسین لطیفی ساخته شود، به تازگی به برآوردهای مالی رسیده است.

ساخت این سریال که در حوزه تاریخ معاصر است، به دکورهای سنگینی نیاز دارد و قرار است لوکیشن‌های گوناگونی از جمله یک قلعه برای آن ساخته شود.

متن فیلم‌نامه سریال که ضیاءالدین دری به نگارش درآورده، کامل است؛ ولی ممکن است حین تصویربرداری تغییرات اندکی در آن لحاظ شود.

گفتنی است، این سریال اوایل سال آینده جلوی دوربین خواهد رفت.